جامع

فصلنامه جامع (مذهبی، علمی، اجتماعی، خبری)
سال هفتم، شماره یازدهم

اللهم اهل الکبریاء والعظمة

حکومت علی (ع) برابر با رفتار علی (ع)

ایمان از دریچه تحقیق علمی و دانشگاهی

رمضان رفت ولی کاش صفایش نرود

عملیات هوایی ۱۴۰ فروندی کمان ۹۹

۸ توصیه برای دستیابی به زندگی موفق

فصلنامه جامع (مذهبی، علمی، اجتماعی، خبری)
سال هفتم، شماره یازدهم

فصلنامه داخلی جامع

صاحب امتیاز: امام جماعت مسجد جامع شهرک قدس و مسئول حوزه علمیه الامام علی بن ابیطالب (علیه السلام)
آیت الله سید فتاح هاشمی تبریزی

مدیرمسئول: حجت الاسلام والمسلمین محمد پیکری

سردبیر: علیرضا درخش احمدی

مدیر هنری: احمد علیزاده

صفحه آرایی: علیرضا درخش احمدی

مدیر فنی و عکاس: هادی احمدی

همکاران این نشریه: دکتر محمد جهانفر، محمد داوود اردانی، دکتر رضا خدایی، هادی احمدی،
سید کمال میری، بهمن مؤذن فردوسی، حسین شاهین نژاد، محمدرضا بابایی، سکینه صادقی، محبوبه نوروزی
و حجج اسلام: مجید آقابابا، ، نعمت اله رادی، سید ابوالفضل حسینی

مجوز رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شماره:۹۱/۳۶۱۶۴

نشانی: تهران، شهرک قدس، میدان صنعت، مسجد جامع شهرک

وب‌سایت: www.masjedjame.com | پست الکترونیک: info@masjedjame.com

فهرست

حکومت علی(ع) برابر با رفتار علی(ع) ٤
نشاط و تعالی در دوره تابستانه ۹۸ ٦
مهجوریت یا غربت قرآن ۸
کلیاتی راجع به نهج البلاغه ۱۱
ایمـــــان از دریچه تحقیق علمی و دانشگاهی ۱۲
رمضان رفت ولی کاش صفایش نرود... ۱٤
عید فطر و حفظ اعمال بعد آن ۱٦
شیوه‌های عملی مراقبت از نفس ۱۸
هویت در گفتمان ولایت فقیه ۲۰
خاطرات آیت الله سید محمود علایی طالقانی (ره) ۲۲
معرفی کتاب ده‌گفتار ۲۳
معرفی کتاب حکمت عبادات ۲٤
شهیدی با فرق شکافته ۲۵
شهید حاج سید مرتضی میری ۲۷
تمام سال های بدون پدر ۲۸
عملیات هوایی ۱٤۰ فروندی ۳۰
خاطرات سرتیپ آزاده خلبان غلامرضا یزد ۳٤
مراسم پرواز ملکوتی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ۳٦
معرفی کتاب خیبرشکنان ۳۸
گزارش تصویری از عید غدیر ۳۹
گزارش تصویری از ایام فاطمیه ٤۱
یاران عاشورایی ٤۳
خشـم خروشـان طبیعـت ٤٤
پیش شرط‌های رونق تولید ٤٦
شروط آزادی از زندان ٤۸
حقوق چیست؟ ٤۹
واژگان سیاسی پر کاربرد ۵۰
پتینه کاری چیست؟ ۵۲
گهواره‌های خالی ۵٤
بیماری‌های خطرناک بعد از ماه رمضان ۵۷
۸ توصیه برای دستیابی به زندگی موفق ۵۸
چگونه ورزش کنیم تا لاغر شویم؟ ٦۰
تغذیه بعد از ماه رمضان ٦۱
زردچوبـه چیســـت؟ ٦۲
بـــورک اسفنـــاج ٦۳
مغـــز انســـان ٦٤
دوزلی بوک چیست؟ ٦۵
تایپ خودکار ٦٦
جدول ٦۷
ارتباط با ما ٦۸
انتقادات و پیشنهادات ٦۸

زلال جاری معارف قرآنی از هرگونه تبعیض ناعادلانه‌ای مبراست و در دستگیری و نجات بخشی برای همه اصناف محتاج کمال، راهی رفتنی را پیش پا می‌گذارد و هیچ ره‌جویی را حتی در حالت غفلت، استثناء نمی‌کند و براساس آیه کریمه ۳۱ از سوره شریفه مدّثر، یکی از خصائص اصلی و مهم این کتاب مقدس آسمانی آن است که گستره و محدوده هدایت آن، همه نوع بشر را در بر می‌گیرد (**وَمَا هِيَ إِلّا ذِكْرَيٰ لِلْبَشَرِ**) و همچنین براساس آخرین آیه کریمه از سوره شریفه قلم، فرض هرگونه حصری اعم از زمان و مکان، نژاد و جغرافیا را از میان برمی‌دارد و همه عالمیان را در معرض نسیم طراوت بخش و سعادت آفرین خود قرار می دهد (**وَ ما هُوَ إِلّا ذِكْرٌ لِلْعالَمِينَ**)

خواننده محترم فصلنامه جامع، اکنون که با اندوخته‌ای از انرژی معنوی با ماه خدا و بهار قرآن وداع کرده‌اید از این دو مزیّت، **همیشگی** و **همگانی** بودن قرآن بعد از ماه مبارک رمضان نیز بهره‌مند شوید و انس با **سلطان صُحُف** و **نامه معشوق** را که سراسر لطف است در شبانه روز خود استمرار بخشید.

دست‌اندرکاران فصلنامه جامع مفتخرند که خود را خادم خانه خدا و مبلّغ سخن خداوند بدانند و مسئلت مدام ایشان، طلب اخلاص و مزید توفیق خدمت است. شما بزرگواران نیز با اغماض کریمانه از کاستی‌های ایشان با دعایی برای **رونق تلاش**هایشان، این جهاد فرهنگی را مدد فرمائید.

والسلام علیکم وَمَا تَوْفِيقِي إِلّا بِاللّه

مدیرمسئول فصلنامه جامع
محمد پیکری
خرداد ۱۳۹۸

حکومت علی(ع) برابر با رفتار علی(ع)

بیانات حضرت آیت اللّه هاشمی تبریزی

امام صادق(ع) می فرمود: چون علی(ع) میان دو کار قرار می‌گرفت که در هر دو رضای خدا بود همواره آنرا بر می‌گزید که سخت تر از دیگری است. در کتاب **کَشْفُ الغُمّة فی مَعْرِفَةِ الأئمّة(ع)**، ابی مطر می‌گوید: که من یک روز از مسجد کوفه بیرون آمدم ناگاه دیدم که از پشت من مردی منادی می کند که: دامن جامه ات بالاکش و درازی آنرا ببر که ابقی و اتقی است، بیشتر می ماند و به پرهیز نزدیک‌تر و به طهارت و پاکی انسب است اگر مسلمانی، من عقب او رفتم او مؤتزر به ازاری و ردائی بر دوش و تازیانه بردست. پرسیدم این چه کسی است؟ گفتند: مگر تو غریبی؟! گفتم: من اهل بصره ام، گفتند: او علی ابن ابیطالب(ع) است امیرالمومنین(ع) تا به دار بنی معیط رسید که بازار شتر آن جا بود؛ فرمود: معامله بکنید اما سوگند نخورید که بازار متاع را کاسد می کند و برکت را می برد. تا بازار ماهی فروشان رسید فرمود: ماهی‌ای را که در دریا و آب مرده باشد نفروشید. بعد از آن به دار فرات رسید که بازار کرباس فروشان است. به یک پیرمردی فرمود: ای شیخ پیرهن سه درهمی به من بده که ارزش آنرا داشته باشد؛ خیلی تعریف کرد و حضرت را شناخت، حضرت از

او نخرید و از دکان جوانی که ایشان را نمی شناخت پیراهنی را خرید. موقع پوشیدن فرمود: **اَلْحَمْدُ لله اَلّذی رَزَقَنی مَا أَتَجَمّلُ بِهِ فِی النّاسِ وَ أُوَارِی بِهِ عَوْرَتِی**
آستین‌هایش دراز بود، با دست برید. و باقی آنرا به خیاط فرمود ببرد. ایشان آن را مقراض کرد، خواست محلش را بدوزد فرمود: مگر گذشت عمر را نمی بینی از زندگانی ما چه قدر باقی است که تازه به فکر دوختن پارگی‌های آستین باشیم.
سوید بن حارث گوید: علی(ع) چند تن از عمالش را گفت در ماه رمضان برای مردم طعامی بپزند، آنها بیست و پنج تغار غذا پختند و کاسه ای هم برای ایشان آوردند چند دنده داشت حضرت دوتا را برداشت و فرمود فعلا ما را بس است وقتی تمام شد بقیه را هم می گیرم.
مسلم بجلی گوید: علی(ع) مردم را در یک سال عموماً سه بار عطا داد، سپس خراج اصفهان رسید، علی(ع) ندا داد که: ای مردم فردا بیائید عطای خود را بستانید بخدا سوگند من نمی توانم خزانه‌دار شما باشم. آنگاه فرمان داد که بیت المال را جارو کنند و آب بپاشند پس دو رکعت نماز گزارد و فرمود: ای دنیا! دیگری جز مرا بفریب. از بیت المال بیرون آمد مقداری ریسمان بر در مسجد بود پرسید این‌ها چیست؟ گفتند از بلاد کسری (ایران) آورده اند، فرمود: آنها را هم میان مسلمانان قسمت کنید، مثل اینکه کارگزاران به آن‌ها اهمیت نداده بودند و ارجی ننهاده بودند حضرت کلاف‌ها را باز کرد، از کتان بود و بدرد می خورد. مردم برای خریدش به رقابت برخاستند در پایان روز به چند درهم هرکدام فروختند.
نعمان ابن سعد گوید: علی(ع) به بازار می رفت و تازیانه به دست می گرفت و می گفت بارخدایا به تو پناه می برم از فسق و فجور و شر این بازار، علی(ع) فرمانداران خود را که خلاف کرده باشند یا تعدی کرده باشند مؤاخذه می کرد. حتی شخصی به نام (نعیم) را که خلاف کرده بود حاضر کردند و سخت بزدند چون آزاد کردند گفت: یا امیرالمومنین با کفر زیستن سبب خوار شدن است و جدا شدن از تو کفر است.
جعفر ابن محمد(ع) می‌فرماید: برای علی(ع) طعامی آوردند از خرما و مویز و روغن، علی(ع) آنرا نخورد، گفتند: آقا آیا حرام است؟ فرمود: نه ولی بیم دارم که نفس من مشتاق آن شود.
عبدالله ابن حسن گوید: علی(ع) هزار برده آزاد کرد بهای آن‌ها را از پینه دستش و عرق پیشانی پرداخت.
در خاتمه مطلبی عرض کنم از زمانی که حضرت خانه نشین شده بودند، در ایام قبل از خلافتش، راوی می گوید: خدمت علی(ع) بودم ظهر از قنات بیرون آمد نمازش را خواند، غذا خواست، کدوی پخته حاضر کردند دست‌ها را شستند میل فرمودند و زمزمه می‌کردند: لعنت خدا بر کسی که به واسطه شکم به جهنم برود و کسی که به واسطه حسد و جاه طلبی و غیبت کردن و تهمت زدن و سخن چینی کردن به جهنم برود. بعد حضرت وارد قنات شده و مشغول کلنگ زدن شد و به سنگی خورد، آب فوران کرد آب گل آلود تا ریش مبارکش رسید نتوانست کار کند بیرون آمد بچه‌های علی(ع) به دیدنش آمده بودند، حضرت یک پایش این طرف قنات پای دیگرش آن طرف قنات فرمود: قلم و دوات بیاورید، در همان جا وقف‌نامه را نوشتند و فرمود: این قنات وقف است برای فقرا و مساکین و بیچارگان مدینه و چندین قنات حضرت وقف نمودند.
السلام علیک یا امیرالمومنین علیه السّلام

والسلام

نشاط و تعالی در

دوره تابستانه ۹۸

مسجد جامع شهرک غرب

علیرضا درخش احمدی | مسئول دوره تابستانه

یکی از دغدغه‌های والدین در فصل تابستان ثبت‌نام فرزندانشان در کلاس‌های تابستانی و پر کردن اوقات فراغت آنها به بهترین شکل است.
کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد به عنوان یکی از گزینه‌های مناسب برای پرکردن اوقات تابستان به شمار می‌رود که علاوه بر هزینه کم و تعدد کلاس‌ها به دلیل برگزار شدن در محیطی معنوی می‌تواند در میان تنش‌ها و آسیب‌های اجتماعی که امروزه برای همه خانواده‌ها نگرانی به دنبال دارد تا حدودی از این نگرانی و آسیب‌ها کم کند.
تبدیل زندگی از خانه‌های حیاط‌دار به آپارتمان‌نشینی و محدود شدن فعالیت فرزندان، خانواده‌ها را برای پرکردن اوقات تابستان به سوی کلاس‌های تابستانی سوق داده است. اما شرکت در این کلاس‌ها نیز مشکلات و اما و اگرهای خود را دارد، از طرفی هزینه بالای کلاس‌ها و آموزشگاه‌ها برای همه خانواده‌ها میسر نیست و از طرفی هم به دلیل تعدد کلاس‌ها و رفت و آمد زیاد برای فرزندان و والدین در فصل گرما مشکل‌ساز است.
سال‌هاست که با شروع تابستان کانون فرهنگی و هنری مسجد جامع شهرک غرب اقدام به برگزاری کلاس‌های تابستانی برای دانش‌آموزان می‌کند و تبلیغ آن بر روی بنرهای بزرگی در حوالی مسجد دیده می شود. نکته جالبی که در این دوره‌ها به چشم می‌خورد، این است که این کلاس‌ها و آموزش‌ها ادغامی از رشته‌های مختلف اعم از فرهنگی، هنری، ورزشی و اخلاقی است.

رضایت والدین

یکی از والدین با بیان این‌که ۲ سال متوالی است فرزندش را در کانون فرهنگی مسجد جامع شهرک غرب، برای گذران اوقات فراغت تابستان ثبت‌نام می‌کند، می‌گوید: در این کانون، نیروهای جوان و پرانرژی و خوش‌اخلاق برای آموزش به کار گرفته شده است و روزانه حدود چند ساعت زمان طوری تقسیم‌بندی می‌شود که موارد مختلف از قبیل کامپیوتر، قرآن، رباتیک، خلاقیت و حلقه‌های معرفت «رفتار با والدین، اخلاق و اصول دینی» آموزش داده می‌شود و علاوه بر آن سه روز در هفته به ورزش در سالن و یک روز هم به اردوهای دسته‌جمعی اختصاص داده می‌شود.
هزینه‌ای که این کانون برای برگزاری کلاس‌ها دریافت می‌کند بسیار کم و ناچیز است. در حالی که برای گذراندن فقط یک کلاس کامپیوتر و یا رباتیک به طور جداگانه در منطقه‌ای مانند شهرک غرب، باید چند برابر هزینه‌ای که این کانون برای کل کلاس‌ها دریافت می‌کند، پرداخت. وی می‌گوید: علاوه بر اینها درمورد اخلاق و رفتار با والدین هم به کودکان و نوجوانان آموزش داده می‌شود که بسیار با ارزش و اهمیت است و فضای برگزاری این کلاس‌ها نیز تاثیر خوبی روی فرزندان دارد، چراکه درکنار کلاس‌های آموزشی با فضای مسجد، نماز و آداب اسلامی نیز آشنا می‌شوند. وی با بیان این‌که امروزه فرزندان با گوشی، فضای مجازی و تبعات و آسیب‌های آنها درگیرند می‌افزاید: با ثبت‌نام و شرکت آنها در چنین کلاس‌ها و فضاهایی می‌توان تا حدودی آنها را از آسیب‌ها دور نگه داشت.

دوره تابستانه ۹۸

این دوره بعد از یکسال وقفه مجدد آغاز و با قدرت بیش از پیش در حال فعالیت است، علاوه بر رسالت اصلی دوره‌های تابستانه مساجد که ایجاد حس تعلق همه اقشار جامعه به مسجد می باشد و تحقق شعار مسجد مأمنی برای همه، نه قشر خاصی از جامعه؛ می توان به اهداف جانبی دیگری نیز اشاره کرد که از جمله آنان: افزایش سطح معنویت نوجوانان، غنی‌سازی اوقات فراغت در فضای روحانی و مثبت، جلوگیری از کاهش تنزل اعتماد اجتماعی نسبت به مساجد و محیط‌های معنوی، افزایش اخلاق اسلامی و اجتماعی در بین نوجوانان و مسلح و مجهز نمودن نوجوانان ارزشی به علوم و فنون نوین و مورد نیاز جامعه امروز و ... خواهد بود. لذا این دوره علاوه بر حفظ نشاط، به تعالی و نظم تاکید بیشتری خواهد داشت، اخلاق فردی، اجتماعی و اسلامی که جزء اصلی و بسیار مهم تعالی به شمار می‌آید، به شدت در این دوره مورد توجه قرار خواهد گرفت. نظم و انضباط، حضور به موقع، نظافت و آراستگی ظاهری و باطنی، فعالیت و حفظ انرژی در طول کلاس‌ها نیز از بعد نظم بسیار مهم و مورد توجه می باشد.

شرایط خاص این دوره

این دوره شامل کلاس‌های ورزشی به صورت تخصصی و حرفه‌ای می‌باشد؛ آموزش شنا، آموزش تخصصی فوتسال (۲جلسه در هفته زیر نظر مربیان فدراسیون). همچنین شامل کلاس‌های آموزشی رباتیک، کامپیوتر، طراحی گرافیک، فیلمسازی و تدوین، سرود، تواشیح و خلاقیت می باشد که در مرکز آموزشی و فرهنگی سرای محله ایوانک (فاز۶ شهرک غرب) برقرار می باشد. اردوهای یکروزه سرشار از نشاط و آموزه‌های معنوی و اخلاقی نیز یک هفته درمیان تدارک دیده شده است. اما کلاسی که به شدت مورد توجه است و در تبلیغات و تمام بحث‌های این دوره گنجانده می شود، کلاس آموزش قرآن‌کریم می باشد که گل سرسبد دوره ۹۸ می باشد و در تمام تبلیغات این کلاس به عنوان کلید راهیابی به سایر کلاس‌ها و امکانات آموزشی در نظر گرفته شده است که نه تنها چنین است بلکه قرآن در زندگی واقعی نیز کلید درب‌های ناگشوده و استفاده از امکانات پیدا و پنهان این جهان هستی خواهد بود.
در نهایت باید از خداوند متعال قدردان باشیم که توفیق برگزاری چنین دوره معنوی و باشکوهی را نصیب واحد فرهنگی مسجد جامع نمود و از حمایت‌های بی دریغ حضرت آیت الله هاشمی تبریزی حفظه الله تعالی امام جماعت محترم مسجد و هیئت امناء محترم مسجد جامع تشکر و قدردانی نمود که چنین دلسوزانه برای این هدف مهم تلاش های اثر بخشی نموده‌اند.
اجرکم عندالله

عرصه لامکان سرای من است
این کهن خاکدان چه جای من است
دلم از غصه خون شدی گر نه
مونس جان من خدای من است
آنکه او خسته داردم شب و روز
خود هم او مرهم و شفای من است
هر که زو بوی درد می آید
صحبتش مایه دوای من است
هر که او از دو کون بیگانه است
در ره دوست آشنای من است
مقصدم حق و مرکبم عشقست
شعر من ناله درای من است
هست با من کسی همیشه کزو
تار و پود من و بقای من است
سازدم هر چه قابل آنم
دهدم هر چه آن سزای من است
خوبی من همه ز پرتو اوست
گر بدی هست مقتضای من است
من اگر هستم اوست هستی من
ور شوم نیست او بجای من است
از خود ار بگذرم رسم بخدا
بخدائی که منتهای من است
بقضا فیض اگر شود راضی
هر دو عالم بمدعای من است

فیض کاشانی

مهجوریت یا غربت قرآن

بهمن مؤذن فردوسی

قرآن بزرگترین و جاودانه ترین کتاب آسمانی پیامبر خاتم النبیین(ص) که دستورات اش و قوانینش برای سعادت دنیایی و اخروی بشریت (ناس) نازل شده است، متاسفانه قرآن این اقیانوس بی کران در میان مسلمانان به غربت نشسته و به جای مطرح شدن و اجرایی گشتن در متن خانواده ها و اجتماعات مسلمین، به حاشیه رانده شده و به عنوان یک کتاب تشریفاتی در آمده است.

حضرت محمد(ص) در روز قیامت از امت خود به پروردگاراش شکایت خواهد کرد که پروردگارم امت من در زندگی دنیایی خود قرآن و دستورات اش را بلا اجرا گذاشته و از متن زندگی به حاشیه راندند .

سوره فرقان (۲۵) آیه ۳۰: **وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا** پیامبر (در قیامت) می‌فرماید: ای پروردگار من همانا قوم من این قرآن را متروک گذاشتند.

یعنی حضرت محمد(ص) به عنوان شاکی و امت وی به عنوان متشاکی در درگاه خداوند تبارک و تعالی حاضر خواهند شد.

آیا در روز محشر برای پاسخ گویی به شکایت پیامبر اسلام(ص) و خدا خود را آماده کرده‌ایم؟

مهجوریت قرآن یعنی چی؟

قرآن قانون زندگی در دنیا است که ماحصل عملکرد ما در رابط با آن، جایگاه ما را در زندگی ابدی (قیامت) و جاودانه معین می کند (بهشتی بودن و یا جهنمی بودن). وقتی به جای عمل، جلدش و کاغذاش با هزینه گزافی تهیه و به این و آن هدیه می گردد، وقتی جایگاه‌اش قرائت بر سر قبر مردگان می شود به امید آنکه از گناهان‌شان کاسته شود، وقتی برای حفظ مسافر از خطرات در طول سفر، بر سر وی گرفته می شود، وقتی همراه آییه و شمعدان، به

خانه بخت برده می شود، وقتی برای شفای مریضان و گرفتاران ختم قرآن گرفته می‌شود، وقتی که تزیین کتابخانه ها می‌گردد و وقتی کاشی کاری‌های مساجد به آیات قرآن مزین می شود و نامش هنر معماری می‌گردد، قرآن از متن زندگی به حاشیه رانده می‌شود و غریب می ماند.

نه اینکه این اعمال نا ثواب باشد ولی در درجه بسیار ضعیفی قرار دارد .امام خمینی (ره) در وصیت نامه سیاسی- الهی خود (مقدمه ص ۳) می فرماید:

ما مفتخریم و ملت عزیز سر تا پا متعهد به اسلام و قرآن ، مفتخر است که پیرو مذهبی است که می خواهد حقایق قرآن که سراسر آن وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می زند، از مقبره ها و گورستان ها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می کشاند، نجات دهد و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا(ص) مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده و امیرالمؤمنین علی‌بن ابی طالب(ع) این بنده رها شده از تمام قیود، مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگی هاست.

از حضرت محمد(ص) حدیث معتبر و متواتری به نام حدث ثقلین(دو چیز گرانبها) به تایید شیعه و سنی، منقول است:

إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، کِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی؛ أَهْلَ بَیْتِی وَ إِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ، فَانْظُرُوا کَیْفَ تَخْلُفُونِی فِیهِا

من در میان شما امت، دو چیز نفیس و وزین و گران بهایی را باقی می گذارم که کتاب خدا و عترت من، که اهل بیت من هستند، که این دو هر گز از همدیگر جدا نمی شوند تا وقتی که بر من نزد حوض کوثر وارد شوند. مادامی که به این دو تمسک به جویید گمراه نمی شوید و نمی لغزید.

قرآن به عنوان ثقل اکبر و اهل بیت پیامبر(ص) به عنوان ثقل اصغر (دو راهنمای جدا ناپذیر از یکدیگر تا روز قیامت) و اهل بیت و طهارت حضرت محمد(ص) به عنوان قرآن ناطق شناخته می شوند.

در مهجوریت قرآن حدیثی از حضرت محمد(ص) منقول است:

قال رسول الله(ص): الغُرَباءُ فی الدنیا أربَعَةٌ : قرآنٌ فی جَوفِ ظالِمٍ ، و مَسجِدٌ فی نادی قَومٍ لا یُصَلّی فیهِ ، و مُصحَفٌ فی بَیتٍ لا یُقرَأُ فیهِ ، و رَجُلٌ صالِحٌ مَع قَومٍ سَوءٍ.

پیامبر خدا(ص): غریبان دنیا چهارند: قرآنی که در حافظه ستمگر است، مسجدی که در محله ای باشد و مردم در آن نماز نخوانند، مصحفی که در خانه ای باشد و خوانده نشود و مرد پرهیز کاری که در میان مردمانی بد به سر می برد (فهرست میزان الحکم ج ۹)

یکی از علل مهم و اساسی عقب ماندگی مسلمین در جهان، فاصله گرفتن از دستورات نورانی قرآن و اسلام حقیقی(ناب) و گرایش به رهبران طاقوتی و شیطانی بوده و هست. نفی حاکمیت امامان معصوم(ع) در جوامع اسلامی پس از رحلت پیامبر مکرم اسلام(ص)، در طول تاریخ از مصیبت های عظمایی بوده و می باشد که مدیریت جوامع مسلمین به دست غیر معصوم افتاده است.

امروزه اگر مستکبرین عالم به مسلمانان غلبه کرده‌اند ریشه در همان نفی حاکمیت امامان معصوم(ع) در جوامع اسلامی دارد.

قرآن مواضع مارا در ارتباط با اهل کتاب (یهود و نصارا)، مشرکین و کفار و منافقین، پدر و مادر، اعضای خانواده، همسایگان، اقوام مختلف، ملت‌های گوناگون و امثالهم معین کرده است که با بی توجهی از کنار این دستورات می‌گذریم و گوش به تبلیغات رسانه های معاند و ضد اسلام حقیقی می‌سپاریم و با کشور های مستکبر قرار دادهای ذلت بار می بندیم.

به جای اینکه از این اقیانوس بیکران (:قرآن) و دستورات اهل بیت(ع) بهره بگیریم گوش به رسانه های شیطانی (ماهواره) می دهیم.

قرآن در اثبات معجزه خود هم در ساختار (ویژگی‌هایی مانند فصاحت، بلاغت، جذابیت و زیبایی) و هم در محتوا (معارفی درباره توحید، جایگاه و استعداد های انسان، راه و برنامه رسیدن او به عالی‌ترین درجات کمال و تبیین اجرایی و چگونگی جهان و نظام آفرینش و ... مطرح کرده است) به روش تحدی (هماورد خواهی، مبارزه طلبی) از مدعیان علم و ادب و ناباوران به قرآن وحیانی در طول تاریخ بشریت دعوت کرده تا نظیر کل قرآن

سوره اسراء(۱۷) آیه ۸۸: **قُل لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا** و یا سوره ای مانند آن سوره یونس (۱۰) آیه ۳۸: **أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ** و یا سوره‌ای دیگر مثل آن سوره هود (۱۱) آیه ۱۳: **أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ** و یا سخنی مثل آن سوره طور (۵۲) آیات ۳۳ و ۳۴: **أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَل لَّا يُؤْمِنُونَ (۳۴) فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِن كَانُوا صَادِقِينَ(۳۴)** و یا سوره ای مثل آن سوره بقره (۲) آیات ۲۳ و ۲۴: **وَإِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۲۳) فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَن تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (۲۴)**

عده ای از ادباء و علماء در طول تاریخ (از صدر اسلام تا به امروز) بسیار تلاش کردند تا سوره هایی نظیر قرآن را بیاورند که جز عجز و رسوایی برایشان چیز دیگری نبوده است.

خداوند تبارک و تعالی برای اثبات اعجاز قرآن و عدم تحریف آن (همانند سایر کتب آسمانی) در طول تاریخ، مردی متقی از دیار اراک (ساروق) به نام کربلایی کاظم ساروقی (۱۳۰۰ – ۱۳۷۸ هجری قمری) را انتخاب می‌کند و دفعتاً کل قرآن توسط دو فرشته در لباس انسان بر قلبش وارد می شود تا مؤمنین سست ایمان و منافقین و کفار را به تفکر وادارد (در این زمینه شاهدانی مانند آیت الله کوه کمره ای، آیت الله محمد تقی خوانساری (صاحب داستان مشهور نماز باران)، آیت الله میرزا مهدی شیرازی، آیت الله علامه طباطبایی، آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، حجت الاسلام نواب صفوی در امتحانات مختلف کربلایی کاظم ساروقی شرکت داشته و این معجزه الی را تایید کرده اند).

زندگی نامه وی به صورت کتابی چاپ شده و مقبره وی در قبرستان نو در قم قرار دارد و محل زیارت عاشقان قرآن و ولایت می باشد.

خدا مسلمانان را به تدبر و ژرف اندیشی در قرآن دعوت کرده است. سوره نساء (۴) آیه ۸۲: **أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا** آیا به قرآن عمیقا نمی اندیشید؟ چنانچه از سوی غیر خدا (یعنی توسط بشر) بود قطعا در آن اختلافات بسیاری می یافتید (یعنی دست نوشته های بشر دارای تضادها و تناقضات بسیار می باشد).

قرآن عالمان بی عمل را در سوره جمعه (۶۲) آیه ۵ به دراز گوش تشبیه کرده است: **مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.**

وصف کسانی که عمل کردن به تورت به آنان تکلیف شده است، آنگاه به آن عمل نکردند، مانند دراز گوشی است که کتاب هایی را (که هیچ آگاهی به محتویات آن ندارند) حمل می کند چه بد است سر گذشت مردمی که آیات خدا را تکذیب کردند و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند.

مـردم آنقـدر کـه بـا مفاتیـح الجنـان و کتـاب هـای دعـا آشـنا هسـتند، بـا قـرآن بیگانـه اند.

چه بکنیم که قرآن در صحنه زندگی فردی و اجتماعی ما مطرح و به عمل در آید و مسلمانان دید و نگاهشان قرآنی و خدایی شود و اگر چنین شود، دیگر تبلیغات و القائات شیطانی دشمنان در زندگی ما تاثیری نخواهد داشت. ابلیس در آغاز خلقت و پس از شکست در امتحان و نافرمانی از دستور خدا و ملعون ابدی گشتن، به عزت خدا سوگند یاد کرده است که به جز مخلصین (پاک شدگان از طرف خدا) همه بندگانت را گمراه خواهم کرد

سوره ص (۳۸) آیات ۸۲: **قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۲) إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (۸۳)**

سوره حجر (۱۵) آیه ۳۹: **قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (٤٠) إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ**

گفت: ای پروردگار من، حال که به کیفر سجده نکردنم مرا به راه شر و فساد انداختی، من هم یقیناً (همه کار های زشت را) در زمین برای آنان زیبا جلوه می دهم (تا ارتکاب زشتی ها برای آنان آسان شود) و مسلماً همه را به راه شر و فساد می برم مگر(آن) بندگانت را که خالص شدگان (از هر نوع آلودگی ظاهری و باطنی) اند. ابلیس از آن روز به بعد در برابر بنی آدم موضع گیری قاطع و کینه توزانه‌ای کرده و خدا او را دشمن شماره یک انسان معرفی می کند (عدو مبین: دشمن اشکار: سوره بقره (۲) آیه ۶۸ و در پنج سوره دیگر) پس یکی از راه‌های دشمنی ابلیس و اصحاب اش از جن و انس، همین زیبا سازی زشتی ها و گناهان و دنیا پرستی در نظر بنی آدم است، و آن اتفاق نمی افتد مگر این که از یاد خدا و کلام گهربار خدا (قرآن)، پیغمبر خاتم النبیین(ص) و ائمه طاهرین(ع) غافل شویم و از فرامین شان سر پیچی کنیم و خدا را فراموش کنیم.

سوره حشر (۵۹) آیه ۱۹: **وَلَاتَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّـهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَـٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ** و مانند آنان مباشید که خدا را فراموش کردند و خدا هم باعث خود فراموشی شان شد و آنها فاسقند. و سر انجام فراموشی خدا و دستورات اش باعث بیرون شدن از نو رانیت و گام برداشتن به سوی ظلمات و به حاشیه رانده شدن قرآن و دستورات خدا می شود (در این زمینه به آیه ۲۵۷ سوره بقره مراجعه شود).

پس چه باید کرد؟ به نظر می رسد که گام اول قرائت قرآن همراه با تدبر (ژرف اندیشی) در کلام نورانی خدا باشد. سوره توبه(۹) آیه ۴۰: **وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا** و کلام خدا فوق کلام هاست و گام بعدی عمل به قرآن است. دیگر اینکه بحث های قرآنی با استفاده از تفاسیر معتبر و با تدبر به راه بیافتد و در همه جا گسترش یابد تا ذهن ها پویا شوند. در این بحث ها سؤالاتی نیز در ذهن پیدا می شود که با کمک تفاسیر علمای معظم اسلام پاسخ اش بدست می‌آید.

وقتی بحث های قرآنی به راه بیافتد اجتماع رنگ و بوی دینی به خود گرفته، مسلمانان حق و حقوق خود و افراد خانوادشان و خویشاوندانشان و همسایگان شان و سایر افراد اجتماع را بهتر در می یابند و دل های افراد به سبب ایمان به خدا به هم پیوند می خورد و روابط اجتماعی صمیمانه و محبت آمیز و خدا پسندانه ای پیدا می کند و این امر با تلاش میسر می‌شود. اگر فضا را مسموم و غبار آلود می بینیم دوری از خدا و دستورات نورانی قرآن است و خود ماهم در این فضا سازی غبارآلود سهیم هستیم.

سوره آل عمران (۳) آیه ۱۰۳: **اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلاَ تَفَرَّقُوا** همگی به ریسمان خدا (قرآن و اهل بیت(ع)) چنگ به زنید و پراکنده و گروه گروه نشوید. مسلمانی که حداقل در روز هفده رکعت نماز واجب می خواند اگر به معنی تک تک کلامی که بر زبان می آورد دقت کند و بیاندیشد و به باور برسد، تحولی عظیم در زندگی وی اتفاق می افتد.

مثلاً سوره اخلاص (توحید) با کلمه «قل» آغاز می شود آیا از خود سؤال کرده‌ایم که فعل امر «قل» فقط مختص پیامبر بزرگوار اسلام(ص) است و یا این که معنی عام داشته و شامل حال پیروان حضرت هم می شود.

هر کجا خدا در قرآن فعل امر فرموده از واجبات است. خدا به ما می فرماید برو بگو، باید از خود سؤال کنیم، خدایا چه باید بگویم و به چه کسی بگویم؟ می فرماید برو بگو خدا یکی است و بی نیاز به عالمیان می باشد، نه کسی او را زاییده و نه او (خدا) کسی را زاییده است.

ابتدا باید یکتایی و بی همتایی خدا را در بین اعضای خانواده خود تبلیغ کنیم و سپس در جاهایی که باورهای عده‌ای نسبت به یگانگی خدا سست است. ببینید چه وظیفه سنگینی به عهده ماست و از این وظیفه الهی غافل مانده‌ایم ولی ما بدون درک این وظیفه بزرگ به خواندن ظاهری این الفاظ بسنده می کنیم.

منابع:

۱. قرآن کریم - ترجمه حاج شیخ حسین انصاریان
۲. راهبرد عقلانی قرآن در برابر مخالفان، مشرق نیوز ۱۳۹۴/۶/۱۸
۳. غربت قرآن، مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات، حوزه علمیه قم
۴. غربت قرآن در بین مسلمانان: هومان مرادی اشکفتی (نایب رئیس شورای اسلامی شهر ایذه) / عصر آینده/۱۳۹۵/۳/۲۹
۵. وصیت نامه سیاسی-الهی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (مقدمه ص ۳)
۶. فهرست میزان الحکمه ج ۹ / کتابخانه احادیث شیعه
www.hadithlib.com
۷. غربت قرآن در جوامع اسلامی: سید یحی یثربی :استاد باز نشسته دانشگاه علامه طباطبایی / جام جم آنلاین/۱۳۹۱/۱۱/۱۱
۸. عوامل غربت قرآن: حجت الاسلام محسن قرائتی - آپارات
۹. قرآن کریم در غربت قرار دارد: حجت الاسلام سید احمد صافی نماینده آیت الله سیستانی / پایگاه خبری رسمی بلاغ
۱۰. کتاب خدا را از غربت در آورید/ التدبر فی القرآن /۱۳۹۵/۸/۲۹
۱۱. تفسیر نمونه، جلد ۱۵، زیر نظر آیت الله ناصر مکارم شیرازی

کلیاتی راجع به نهج البلاغه

حجت الاسلام نعمت الله رادی(استاد حوزه و دانشگاه)

نهج البلاغه کلامی فوق کلام مخلوق و درون کلام خالق، برای همه نسل ها، برای امروز، فردا و فرداهای دیگر

معنای لغوی نهج البلاغه: نهج به معنای راه، روش و طریق و بلاغت هم به معنای فصاحت و کلام عاری از عیب و بدون ضعف است.

گردآور: سید رضی(فقیه، متکلم، مفسر و شاعر) در اواخر قرن چهارم نهج‌البلاغه را گردآوری و جمع آوری کرد. سید رضی در زمان آل بویه از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار بود.

مباحث نهج البلاغه:

۱. خطبه ها: دستورات الهی به مردم و ترک محرمات که شامل ۲۴۱ خطبه میشود.

۲. نامه ها: اکثر خطاب به فرمانداران و همچنین توصیه هایی مبنی بر رعایت حق مردم که حاوی۷۹ نامه میباشد.

۳. کلمات قصار: که راجع به موضوعات مختلف آمده و تعداد ۴۸۰ کلمه میرسد.

نکته: تاکنون بیش از ۳۰۰ شرح در مورد نهج البلاغه نوشته شده و به زبان های مختلف دنیا ترجمه شده است.

تفاوت نهج البلاغه با دیگر آثار بشری:

۱. موضوعات متنوع ۲. مفاهیم آن مرتبط به همه عصرها و خاص زمان حضرت علی علیه السلام نیست. ۳. همه مکانی و همه زمانی ۴. پاسخگوی نیاز بشر

جاذبه های نهج البلاغه:

۱. بیانگر مسائل عینی و ملموس جامعه ۲. مرهمی بر دردهای بشریت ۳. بیانگر آزادی ۴. منادی عدالت اجتماعی ۵. جامعیت

ویژگی های حضرت علی علیه السلام از زبان پیامبر صلوات الله علیه:

۱. اولین شخصی که به من ایمان آورد و در خانه کعبه متولد شد.

۲. وفادارترین شخص ۳. اهتمام به امر خدا ۴. عدالت ۵. بصیرت در قضاوت ۶. رسیدگی به امور مردم و عدم تبعیض ۷. مقرب خدا

خصوصیات حکومت حضرت امیر علیه السلام:

۱. خدا محوری ۲. عدالت طلبی ۳. مردم داری ۴. وفای به عهد و پیمان ۵. اصلاح طلبی

علل سلامت و محفوظ بودن نهج البلاغه:

۱. عدالت ۲. فصاحت و بلاغت ۳. جامعیت علمی ۴. تنوع محتوا ۵. شخصیت والای نویسنده(سید رضی)

سخن رهبر معظم انقلاب پیرامون نهج البلاغه: امروزه می‌شود از دیدگاه تحقیق و نافذ امیر بیان علی علیه السلام به واقعیت های جهان نگاه کرد و بسیاری از حقایق را دید و شناخت و علاج دردها را پیدا کرد.

شهید مطهری: نهج البلاغه همانند قرآن سرفصل ادبیات جدیدی دارد و فصاحتش در حد اعجاز و متأثر از قرآن و در حقیقت فرزند کتاب خدا هست.

نظر دانشمندان در مورد نهج البلاغه:

محمد عبده: در کتاب نهج البلاغه،گاهی انسان خود را در افق‌های معانی و زیباترین عبارات میبیند و گاهی در میدان جنگ .انسان را از ظلمت به نور رهنمود می‌کند و گاهی خطاب به وزیران و مدیران توصیه هایی می‌کند.

جرج جرداق: نهج البلاغه سخنانی بهم پیوسته و هماهنگ، جوشان از درکی عمیق و بینشی ژرف، لبریز از شور واقعیت و گرمی حقیقت و سرشار از اشتیاق تمام برای شناخت ماورای این حقیقت.

فرسیسان: اگر علی علیه السلام در زمان ما سخنرانی می‌کردند از همه جای اروپا می آمدند تا به فرامین حضرت گوش دهند.

پروفسور هانری کربن: بعد از قرآن و سخنان حضرت رسول صلوات الله علیه، بهترین دستورات در نهج البلاغه موجود است.

عبدالرحمان(مسئول جامعه اسلامی مجارستان): نهج البلاغه گنجینه ارزشمندی است که ما باید آن را حفظ و نگهداری کنیم. هنگامی که آن را مطالعه کردم، دیدم اثری فلسفی است و در آن حکمت هایی وجود دارد که گنجینه اسلام است. اکنون هرگاه صحبتی می‌شود شدیداً دفاع میکنم.

جبران خلیل جبران: هرکسی علی علیه السلام را شناخت، بر فطرت توحید است و هرکسی با او دشمنی کرد، جاهل است.

ابن ابی الحدید: به حق، سخن علی علیه السلام را از سخن خالق فروتر و از سخن مخلوق فراتر خوانده اند. مردم همه دو فن خطابه و نویسنگی را از او فرا گرفته اند.

ایمـــان

از دریچه تحقیق علمی و دانشگاهی

دکتر محمد جهانفر | استاد دانشگاه تهران

مقدمه:

فرد مومن در اسلام معمولا به کسی اطلاق می شود که هم دانش و آگاهی و مطالعه دینی دارد وهم بینش و نظریه پردازی عقیدتی کسب کرده است.

از نظر گورویچ فرانسوی داشتن ایمان که مرکب از آگاهی و نظریه پردازی در مورد مفاهیم مختلف اسلامی است وقتی ارزشمند است که این دانش و بینش به عمل صالح مقتضی منتهی شود. به عبارت دیگر مثلاً اگر دانش و تجویدهای قرآنی به اضافه نظریه پردازی قرآن باشد ولی صلاة و ذکاة و خیرات دیگر... قرآنی حاکم و اجرا نشود مسلمانی و تقوا شکل نخواهد گرفت.

از نظر آمار تخصصی حدود ۳۰۰ واژه از مشتقات مرتبط با ایمان در معتبرترین اسناد اسلامی (قرآن کریم) بررسی شده و بازبینی کرده‌ایم.

ولی واژه‌های دیگری همچون عبادالرحمن و غیر آن به معنی فرد مؤمن نیز زینت بخش این کلام الهی بوده است.

هدف:

می خواهیم تحقیق و بررسی کنیم که آیا تمامی روش های تحقیق زیر می تواند به نوعی پژوهنده کلمة اله ایمان و موید صحت آن در قرآن باشد که این روشهای تحقیق کاربردی عبارتند از:

۱. تحقیق نظری به درک افراد از ایمان و عمل صالح اضافه می‌کند. (ترجمه و تفسیر قرآن)

۲. آیا شواهد تحقیقی ما در مورد ایمان از نظر کمی و کیفی منطقی است؟

۳. با تحقیق کاربردی واژه های ایمانی، جامعه ما بهره‌مندی و تعالی خواهد داشت.

۴. نمونه های انتخابی ما از واژه ایمان برای جامعه وسیعی استخراج شده است. (حدود ۳۰۰ نمونه بوده است)

۵. انگیزه این تحقیق چگونه بوده که (از نظر زمانی در دعای ندبه جمعه‌ها و در مکان مسجد شهرک غرب توسط آیت اله هاشمی تبریزی شکل گرفته است.)

۶. باز تولید مقاله ایمان ما با واژه های قرآنی دیگر انجام پذیر است. (و دیگران نیز قادر به انجام آن خواهند بود.)

۷. همه نشانه‌های مؤمن با شرط سلامت رفتاری با سوالات تحقیقی ما قابلیت آزمون مجدد دارند. یعنی مثلا می توان سوال کرد آیا رعایت امانت داری در قرارداد طرفینی حتی برای قراردادی مثل برجام به سلامت دیپلماتیک و سلامت اجتماعی ما کمک می کند و به استناد: **وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَماناتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ راعُونَ** (آیه ۸ سوره مومنون) به سوالات دیگری در جامعه سلامتی ما از وظایف مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان گرفته تا ادای دین به مردمی که انقلاب کرده اند پاسخ علمی آماری با کاربرد ایمان می توان دریافت کرد.

در علم روانشناسی اجتماعی اگر استادی مثلا به چند دانشجوی دانشگاهی یا حوزوی از نظر رشد فکری یا اجتهادی توجه بیشتری کند و آنان را باور داشته باشد احتمالاً به تدریج هوشمندی بیشتری از دانشجویان مزبور بروز می کند و در آزمون‌های مربوطه بیشترین امتیازات را کسب می کنند و به سیستم آموزشی جامعه هم کمک می کنند. آیا دامنه این قبیل باورها در جوامع مختلف تا حدی روایی داشته و یا ضمانت اجرایی می تواند داشته باشد.

در جهت تنظیم روابط اجتماعی و حتی روابط سیاسی متناسب

از جمله روش هایی که برای فرد مومن سیاسی لازم الاجرا می باشد این است که اصطلاح قرآنی (**إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما**) را حتی در برابر رئیس جمهوری ترامپ در آمریکا بکار برده و نصب العین قراردهند ولی در عین حال اگر زمینه مذاکرات مؤثر فراهم شد (و نه بهانه‌گیری) اندیشیده عمل کنیم.

دریک تحقیق قرآنی پیگیری روند زیر قابل توجه است. برای نمونه:

۱. مشکل‌های کار در هر اجتماع کدام است.

۲. اثرات قومی (که مثلاً خودکشی گاهی تحسین و در مواردی نفرت آور است) مشخص می‌شود.

۳. بررسی فزونی بیکاری که جرم آفرین به‌همراه لزوم تولید خود یک نمونه تحقیق علمی است.

۴. ابزار کار جمع آوری آمارها از قرآن است. لیکن اطلاعات بین المللی نیز مؤثر است.

۵. تحلیل آماری کمی و کیفی لازم می‌شود.
۶. نگارش مطلب با روش سنجیده آماری ضروری است.
۷. بازخوانی سنجیده مطلب لازم است.
۸. افزایش کاربرد اندیشه ای در نگارش مزبور مؤثر است.
۹. تنظیم تحقیق کار آمد برای جامعه‌ای خاص فراهم می‌شود.
۱۰. جمع آوری نظرات تحقیق قرآنی و پیگیری آنها دنبال می‌شود.

نمونه هایی از واژه های مرتبط با مومنین:

با روش تحقیق نمونه گیری و با توجه به ۱۰ نوع نمونه گیری احتمالی (شامل: تصادفی، منظم، قشربندی، کلاسه بندی، چند مرحله ای و نمونه های غیراحتمالی (شامل: هدفمند، سهمیه ای، اتفاقی، گلوله برفی و کم هزینه). مثلاً نمونه احتمالی تصادفی را مرور و سپس ۶ نمونه به صورت منظم را دنبال خواهیم کرد (ضمناً مفاهیم قرآنی به شکل منظوم مطرح خواهد شده)

در یک نمونه گیری احتمالی تصادفی

(مثلاً صفحه ۳۷ کتابی را بازکرده) سه مورد با فاصله ۱۰۰ نمونه های ۳۷، ۱۳۷ و ۲۳۷ را انتخاب کرده ایم و با استناد از آیه های زیر از (منبع: المعجم المفهرس) خواهیم داشت:

۱. نمونه ۳۷ آیه ۱۹ سوره توبه و ترجمه منظوم (امید مجد) برای تعمیر خانه خدا و رفع تشنگی حجاج آمده است:

شما آنکه سقاست هنگام حج ------ دهد تشنه را آب ایام حج
و یا آنکه تعمیر مسجدالحرام ----- نماید به سعی و به جهد تمام
بخوانید چو آنکس که او --------- بیاورد ایمان به یزدان نکو

۲. نمونه ۱۳۷ بر اساس آیه ۱۰۰ از سوره آل عمران مسلمین معتقد را از پیروی اسناد مذاهب دیگر نهی کرده است.

الامسلمین به اسلام ناب --------- اگر ره بجوئید از اهل کتاب
شما را پس از اعتقاد به رب --------- کشانند بر راه کفر و شغب

۳. براساس سومین نمونه (۲۳۷ المعجم) در سوره ابراهیم آیه ۳۱ به افراد مومن توصیه کنید که هم به نماز خداوندی و هم به انفاق رزق الهی مخفیانه و یا اعلامیه (برای تشویق دیگران به امر خیر) همت گمارند:

بگو ای محمد به خلق عباد ------ که دارند ایمان به رب معاد
که بر پای دارند دائم نماز -------- بسایند صورت به خاک نیاز
به رزقی که یابند از کردگار ------- ببخشند پنهان و در آشکار

در یک نمونه گیری منظم از نشانه های مومنین به ۶ مورد ۱، ۵۱، ۱۰۱، ۱۵۱، ۲۰۱ و ۲۵۱ بسنده می کنیم:

نمونه۱. آیه ۲۵۳ در مورد عواقب پنهان کردن امانت داری

به آنکس امین است نزد شما ------ امانت سپارید مال و بها
که هر کس شهادت نماید نهان --- گنهکار باشد به دل بی گمان

نمونه ۵۱. آیه ۳۰ سوره غافر در مورد اعتبار رهنمود الهی

هدایت نمایم شما را به راست ----- به راهی که باشد درست و سزاست

نمونه ۱۰۱. آیه ۱۴ هجرات در مورد قبول پیروی مؤمن از رسول خداوند است.

همانا غفوراست پروردگار -------- رحیم است بر بندگان کردگار
هاماناست ایمان آنکس قبول -------- که گردید مومن به رب و رسول

نمونه ۱۵۱. آیه ۵۷ سوره نساء در مورد پایندگی مؤمنین نیکوکار خداوند است.

کسانی که هستند مومن به رب ------- پی کار نیک اند هر صبح و شب
که در سایه رحمت کردگار ---------- بمانند پاینده و ماندگار

نمونه ۲۰۱. آیه ۱۲ سوره انفال در مورد ثبات قدم مؤمنین در جهاد است.

همه مومنان را چه غمگین و شاد ----- بدارید ثابت قدم در جهاد

نمونه ۲۵۱. آیه ۳۸ سوره حج در مورد حفظ خداجویان و محکومیت خائنین پست است.

خداوند از شر خصم پلید ---------- بود حافظ مومنان سعید
ندارد خدا دوست آن خائنی -------- که بس ناسپاس است و باشد دنی

نتیجه‌گیری:

بررسی قرآن کریم با روش تحقیق نوین علمی (نمونه گیری) نیز نتایج گویایی بدست داده و با فرصتی محدود در قالب روش های تحقیق آماری کمی و کیفی نتایج سودمندی برای تامین سلامت جسمانی، سلامت روانی، سلامت اجتماعی و حتی سلامت روحی، فرهنگی و معنوی بدست خواهد داد. برای نمونه تحقیق قرآنی ما نشان داده است که: ۱.سقایی حج ۲.اجتناب از کفر ۳.ادای نماز واجب ۴.امانت داری ۵.رهنمود الهی ۶.پیروی از رسول خدا ۷.نیکوکاری ۸.لزوم جهاد ۹.محکومیت خائنین و غیره تاکید قرآنی داریم. و ناگفته نماند که کنترل غذایی ماه رمضان (روزه داری) سلامت جسمانی را تضمین می‌کند و موجبات سلامت روانی (احساسات، عواطف و ادراکات) را فراهم می کند. سلامت اجتماعی (پرهیز از منکرات و مفاسد) و سلامت معنوی و روحی (ارتباط با خداوند و حیات بالنده) را نیز در پی خواهد داشت.

منابع:

- المعجم المفهرس- محمد فواد عبدالباقی
- قرآن کریم
- قرآن منظوم - انتشارات امید مجد
- راهنمای تحقیق در علوم اجتماعی از دکتر محمد جهانفر دانشگاه تهران

براساس قرآن و رساله‌های اجتهادی اهمیت نماز والاترین بوده و سجده در نماز مهمترین و با شرایط خاصی انجام می‌شود. اگر چنانچه سجده نمازگزاری با فاصله چهار انگشتی از سطح زمین باشد نه تنها بدعت است بلکه در حضور جمع مسجدی ها بد آموزی هم بجا می گذارد، لذا پیشنهاد می شود در صورتی که افراد معذوریتی ندارند موقع نماز از هر حرکت مغایری بدون نظر اجتهادی برگرفته از قرآن کریم اجتناب کنند یعنی در حضور جمع مسجدیان نماز فرادا مغایر معمول نباشد. به نحوی که الگوی نمازخوانی حفظ گردد تا موجب مباهات مسلمین باقی بماند.

رمضان رفت ولی کاش صفایش نرود...

تحریریه نشریه برگرفته از مقالات ایسنا

ماه مبارك رمضان با تمام فضیلت‌ها، کرامت‌ها و نسیم روح بخشش آهنگ رحیل کرد...

اما یادگار این ماه پرخیر و برکت، تزکیه و خودسازی و ترک شهوات و گناهان و عزم راسخ در جهت حفظ دستاوردهای معنوی این ماه عظیم است، همراه با توبه، توبه‌ای نصوح گونه و بی‌بازگشت...

ماه مبارک رمضان، ماهی است که خدا دوست دارد بندگانش را با پرهیزگاری و امساک و روزه‌داری به مهمانی خود دعوت کند و از نعمت‌های فراوان مادی و معنوی بهره‌مند سازد.

مسلمانان نیز در این ماه با تحمل سختی‌ها، گرسنگی‌ها و تشنگی‌ها به نیایش با خالق یکتا می‌پردازند و با غوطه‌ور شدن در دریای زلال رمضان، انس با قرآن و انجام اعمال نیک و پسندیده، مراتب متعالی تقرب به پروردگار عالمیان را سیر می‌نمایند و به لذت و حلاوت بی‌نظیری دست می‌یابند.

روزه‌داران در پایان این ماه، به شکرانه این که توانسته‌اند به لطف و یاری خداوند متعال، یک ماه با مجاهدت و تلاش، مراقبه‌ها و محاسبه‌ها، سختی‌های روزه‌داری را تحمل کنند و بر خواهش‌های نفسانی و شهوانی خویش پیروز شده و به درجات معنوی و عالی نزدیک شوند و رشد و کمال یابند، مسرور و خرسندند و نماز عید فطر را با شکوه و عظمت بی‌مثالی بجا می‌آورند.

اما از سوی دیگر اندوه وداع با چنین ماه سراسر زیبایی را به جان و دل دارند و عظیم‌تر از آن بیم و خوف از کف دادن آنچه که به تحمل شدائد و تضرع و انابه بدست آورده‌اند، در درونشان غوغا می‌کند...

و چه با شکوه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: « پروردگارا! دلهایمان را بعد از آن که ما را هدایت کردی (از راه حق) منحرف مگردان، و از سوی خود رحمتی بر ما ببخش، زیرا تویی بخشنده. » (آل عمران/ ۸)

چنانچه در روایات آمده است، این دعای راسخان درعلم، نشانه‌ای از رسوخ و ثبات آنان درعلم است، چراکه می‌دانند هرچه دارند از ناحیه اوست و هرلحظه این ترس را دارند که مبادا به واسطه غفلتی ولو اندک، خدا دلهایشان را بعد از رسوخ علم منحرف سازد، لذا به پروردگار خود پناه می‌برند.

حضرت سیدالساجدین، امام زین‌العابدین در صحیفه سجادیه در دعای وداع با ماه رمضان، نیز به این نکته اشاره زیبایی دارد و می‌فرماید: «خداوندا! ماه رمضان در میان ما بس ستوده زیست و ما را مصاحب و یاری نیکو بود و گرانبهاترین سودهای مردم جهان را به ما ارزانی داشت. اما چون زمانش به سررسید و مدتش و شمار روزهایش پایان گرفت، آهنگ رحیل کرد... خداوندا! اینک با او وداع می‌کنیم، همانند وداع با عزیزی که فراقش بر ما گران است و رفتنش ما را غمگین و گرفتار وحشت تنهایی می‌کند! عزیزی که او را بر ما پیمانی است که باید نگه داریم و حرمتی که باید رعایت کنیم و حقی که باید ادا نماییم... خدایا! اکنون از هرگناه که مرتکب شده‌ایم و از هرکار زشت که زین پیش از ما سرزده و از هرخیال بد که در دل خود پنهان کرده‌ایم، توبه می‌کنیم، توبه کسی که در دل خیال بازگشتش به گناه نیست و بار دیگر به گناه بازنگردد، توبه‌ای بی بازگشت عاری از هرگونه شک و ریب... بارخدایا! چنین توبه‌ای را از ما بپذیر و از ما خشنود باش و ما را در آن ثابت قدم گردان... »

مراقبت از نفس و تلاش برای حفظ معنویت و پاکی کسب شده در ماه مبارک رمضان، دغدغه هر مومن مسلمان و عامل به قرآنی است و اهمیت این امر زمانی مشخص‌تر می‌شود که رهبر فرزانه و دوراندیش و نکته سنج انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز عید فطر امسال، توفیق حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان را برای همگان از خداوند متعال طلب می‌نمایند.

شاعر چه زیبا سروده است:

رمضان رفت ولی کاش صفایش نرود سحر و جوشن و قرآن و دعایش نرود
کاشکی پر شده باشد دلم از نور سحر همره روزه و افطار، نوایش نرود...

با این مقدمه برآن شدیم تا کمی بیشتر دربحث «مراقبت و حفظ دستاوردهای معنوی و معرفتی ماه مبارک رمضان»، وارد شویم.

روزه‌داران ماه مبارک رمضان را به دو دسته تقسیم می‌گردند برخی از روزه داران، قبل از شروع این ماه مبارک، یعنی در ماه‌های رجب و شعبان به تزکیه و تربیت روح خویش می‌پردازند و با آمادگی کامل از نظر اعمال و رفتار و افکار، به این ماه وارد می‌شوند، در نتیجه اعمالشان با معرفت و شناخت انجام می‌گیرد و عزم و اراده‌شان در حفظ ثمرات معنوی این ماه سراسر رحمت، قوی‌تر و استوارتر از دیگر افراد جلوه می‌کند، چراکه محبت آنها محبت مبتنی بر معرفت و اخلاص و محبت توام با معرفت ماندگارتر است.

دسته دیگر، روزه‌دارانی هستند که بدون شناخت کافی و آمادگی روحی، وارد ماه رمضان می‌شوند، اینگونه افراد محبت و درکشان احساسی است و عقبه معرفتی ندارند. همانند گلی که ریشه در آب دارد ولی برای محکم‌تر شدن و رشد و تعالی باید در خاک کاشته شود، لازمه این امر نیز تفکر، تعمق و معرفت به مبانی نورانی اسلام و قرآن است.

قوه عقل

قوه عقل عامل مهمی برای زندگی سراسر پاک و اسلام گونه است، خداوند قرآن کریم، پیامبراکرم(ص) و دین اسلام را به عنوان فرستنده به نزد آدمی

فرستاده است، اما در کنار آن، عقل را نیز به عنوان رسول باطنی در وجودش قرار داده تا همانند گیرنده عمل کند و موجبات سعادتش را فراهم آورد.
اگر عقل سالم باشد، پیام‌های الهی و وحیانی را درک کرده و انسان را سعادتمند می‌سازد، اما اگر در صورت ابتلا به برخی بیماری‌ها همچون حب دنیا، مقام، جاه، شهوات و غیره آسیب ببیند، زنگار و غبار روی عقل را می‌پوشاند که در این حال اعمال و عبادات شخص حالت احساسی و زودگذر به خود می‌گیرد که نمی‌تواند عمق اعمال و فرایض دینی را درک کرده و لذت آن را بچشد.
تکرار و تفکر عامل‌های دیگری در راستای حفظ دستاوردهای معنوی می‌باشد. این که خیال کنیم با یک ماه روزه‌داری و انجام عبادات می‌توان معرفت و خلوص باطن را بدست آورد، تصور باطلی است، چراکه هر روز باید به غبارروبی و زنگارزدایی از روی عقل و صیقل دهی بر آینه قلب پرداخت، تا روح اعمال و عبادات درونی شده، تثبیت گردد. به گونه‌ای که آدمی دائما درحال استغفار و توبه و انابه باشد و زمان توبه و بازگشت را به وقت و فرصتی دیگر در آینده موکول نکند.

مراقبت

اصل «**مراقبت**» در اعمال بسیار مهم است. انسان همیشه باید در حال مراقبه باشد، از عقل مراقبت کند که مبادا افکار نادرست به آن راه یابد، از اعمال مراقبت کند که مبادا ریا در آن رخنه کند و از قلب مراقبت کند که مبادا حب دنیا در آن رسوخ پیدا کند.
انجام واجبات و دوری از محرمات، شرکت در نماز جماعت و مراسمات مذهبی، اهتمام بر خواندن نماز اول وقت، نمازهای مستحبی و نماز شب را از جمله راهکارهای ماندگاری اعمال ماه مبارک رمضان خوتهد بود.
با اشاره به افزایش آمار حضور افراد در مساجد و اماکن مذهبی در ماه مبارک رمضان و برگزاری باشکوه نمازهای جمعه و نماز عید فطر، تداوم شرکت در چنین اماکن و مجالسی را از عوامل حفظ و ذخیره معنویت ماه رمضان می باشد. تمام این اعمال، مصداق بارز ذکر الهی است، چنانچه خداوند در آیه شریفه «**أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِكْرِي**»، بر پاداشتن نماز توسط مسلمانان را عامل توجه قلبی به وجود لایزالش معرفی می‌کند و نتیجه این ذکر و توجه، ماندگاری اعمال نیک و پسندیده است.
اطاعت از فرمان الهی، انس با قرآن و آشنایی و توسل هرچه بیشتر به اهل بیت(ع) را از برکات ماه مبارک رمضان است. روزه‌داران در این ماه به دعوت الهی لبیک گفته و با پیشه کردن تقوای الهی، مبارزه با نفس اماره را تمرین کردند و به جهاد با آن پرداخته، روحیه استقامت و خوباوری را در درونشان تقویت کردند.
تلاش برای کسب روزی حلال و مالک بودن و تحت کنترل بودن چشم و گوش و زبان و دیگر اعضاء و جوارح بدن و تداوم صله ارحام و دیگر سنت‌های پسندیده ماه مبارک رمضان را راهکارهای مناسبی درجهت دوری از گناه و حفظ حالات روحانی روزه داران می‌باشد.
با استناد به روایات ائمه اطهار(ع) که همواره سفارش کرده‌اند خدای متعال را ناظر و شاهد اعمال خویش بدانند و بر این امر اعتقاد راسخ داشته باشند، در این صورت است که آدمی همواره در حالت «مراقبت» به سر می‌برد و برای حفظ اندوخته‌ها و ذخایر باارزش و معنوی ماه مبارک رمضان از گناه دوری جسته و بر انجام واجبات اهتمام دارد. خمیرمایه و عنصر اصلی تمام ذخایر معرفتی و معنوی کسب شده در ماه مبارک رمضان توسط روزه‌داران را «مراقبت» است. آیت‌الله امینی نقل می‌کرد که علامه طباطبایی(ره) در حال احتزار بودند که بر سر بالینشان حاضر شده و پرسیدم به ما چه سفارشی می‌کنید؟ و ایشان با صدای ضعیفی سه بار فرمودند: مراقبه، مراقبه، مراقبه!
انجام واجبات و پرهیز از محرمات نیز اساس و پایه مراقبت به شمار می‌رود. نظارت آدمی بر اعمال و رفتار فردی و اجتماعی روزمره‌اش را عامل مهمی بر حفظ معنویت و قداست روح است. توصیه بزرگان و اولیای دینی نیز بر همین امر تاکید دارد که انسان باید همواره ناظر براعمالش باشد و خود را درمقابل آنان جوابگو بداند، همچنین هر شب به حساب اعمالش رسیدگی کرده و بر اعمال نیکش حمد بجا آورد و از رفتار زشت و منفی استغفار کرده، تا جائیکه ممکن است درصدد جبران برآید.
بعد از ماه رمضان، روزه‌داران برخی تصمیم‌های اساسی همچون پرهیز از ارتکاب گناهان گذشته، شرکت در نمازجمعه، اهتمام به تلاوت و عمل به قرآن و آموزه‌های نجات‌بخش آن و غیره را می‌گیرند، انجام این اعمال می‌تواند مسلمانان را در حفظ معنویت کسب شده یاری کند، اما انسان باید همواره هوشیار و ثابت قدم و خوش عهد بر سر قول و پیمانش باشد، چراکه شیطان در کمین است تا به اندک غفلتی اندوخته‌های آدمی را ربوده و به سوی شقاوت و بدبختی سوق دهد.
از نشانه‌های شیعه بودن می توان به تلاوت روزانه ۵۱ آیه از آیات قران کریم و تعمق در مفاهیم آن عنوان کرد. حالت توجه داشتن، دائم الوضو بودن، اهتمام در بجا آوردن نماز اول وقت همراه با حضور قلب، دست‌گیری از نیازمندان و شرکت کردن در مجامع و اماکن مذهبی و امور خداپسندانه و عام‌المنفعه از جمله اعمالی است که موجب تقرب هرچه بیشتر به خدای تعالی شده و انسان به واسطه انجام این اعمال می‌تواند علاوه بر حفظ قداست و معنویت کسب شده در ماه رمضان، بر کارنامه اعمال نیکش بیافزاید و در ماه‌های دیگر سال نیز همچون ماه رمضان، وارسته و نمونه باشد.

عید فطر و حفظ اعمال بعد آن

تحریریه نشریه برگرفته از مقالات باشگاه خبرنگاران جوان

ماه خوب خدا، ماه بندگی و استغفار به درگاه الهی به پایان رسید و امروز در روز اول شوال و عید سعید فطر، بسیاری از مومنان به نماز می ایستند تا به شکرانه پشت سر گذاشتن این ماه به بهترین شکل، دعای «اَللّهُمّ اَهْلَ الْکِبْرِیاءِ» را بخوانند و از خدای خویش بخواهند همه آن خیر و برکتی را که نصیب اولیایش کرده، به ایشان نیز عطا کند.

اما شاید برای همه ما این سوال پیش آید که چه کنیم، حال خوش روزها و شب های رمضان برایمان حفظ شود و اثرات و برکات این ماه در سراسر روزهای زندگی مان جریان یابد.

عید فطر، عید اولیای خداست

وجود مقدس حضرت سجاد(س) در دعایی که تحت عنوان دعای وداع با ماه مبارک رمضان به عنوان یک میراث مکتوب معنوی به ما رسیده، نسبت به برکات و نفحات این ماه اشاراتی دارند. در انتهای این دعا حال کسی که از فضای معنوی این ماه استفاده و بهره برده و در حال خداحافظی با آن است، بسیار زیبا و معنوی بیان شده است. ماه فضیلت و ضیافت الهی در طول سال فرصتی برای روزه داری و انجام اعمالی است که جلوه عبودیت و بندگی برای خدا را دارد. اتمام این ضیافت الهی با روز عیدی است که جزو اعیاد بزرگ مسلمانان است.

عید بزرگ فطر برای بندگانی است که در طول یک ماه بندگی از خوردن، آشامیدن، انجام اموری که رضایت خدا را در پی ندارد، کف نفس کرده و تقوای الهی پیش گرفتند. در پایان یک ماه روزه داری، روزی می‌رسد که خداوند متعال در آن روزه داری را حرام و برای آن کسانی که استفاده معنوی از ایام رمضان بردند، عید برپا می‌کند. بسیاری از اهل بیت ما، بزرگان و اهل معرفت، از عید فطر به عنوان عید اولیای خدا یاد می‌کنند؛ یعنی این عید از آنِ کسانی است که در طول یک ماه بر اثر اطاعت و بندگی خدا به فرح و شادمانی و حالتی روحانی دسترسی پیدا کردند. روزه داری، عبادت، استغفار و توبه فرصتی را برای معنوی بودن و رسیدن به درجه عالی معنوی مومنان فراهم آورده است.

علت نامگذاری عید فطر

به استناد روایتی از علی علیه السلام که فرمودند: هر روزی که در آن گناه نشود، روز عید است؛ شاید علت نام نهادن عید فطر به این عنوان، بازگشت به فطرت پاک انسانی بندگان خداوند باشد که یک ماه بر اثر عبادت و بندگی خدا به پاکی رسیدند و این عید با فطرت پاک درونی‌شان سنخیت دارد.

چرا روزه عید فطر حرام است؟

شاید یکی از علت‌های قرار دادن این روز در این زمان، تمیز دادن بین روزه‌های واجب در ماه ضیافت الهی و روزه های مستحب است. خداوند در قرآن می‌فرماید ما روزه را بر شما واجب کردیم؛ همانطور که بر امت‌های قبل از شما این روزه را واجب کرده بودیم.

ماه رمضان را با روزه داری بدرقه کنید

در برخی روایات آمده است که بهتر است چند روز بعد از ماه مبارک رمضان، هم با روزه داری این ماه پربرکت را بدرقه کنید. اما از آنجا که خداوند تنها زمانی خاص را برای روزه واجب انسان‌ها توصیه کرده است، به خاطر اینکه تمیز داده شود بین روزهایی که روزه در آن واجب است و روزهایی که روزه در آن مستحب است، پس از ماه رمضان یک روز به عنوان عید فطر برای مومنان تعیین شده که روزه در آن حرام است و احکام شرعی خود را دارد.

از نگاه قرآن غایت و هدف روزه داری در ماه رمضان چیست؟

در سوره بقره آیه‌ای داریم که مستقیماً دلالت بر وجوب روزه ماه رمضان کرده است. در پایان این آیه غایت و هدف این روزه داری ذکر شده است؛ «لعلکم تتقون». تکلیف کردن روزه در ماه رمضان از آن روست که شما اهل تقوا باشید؛ یعنی با استفاده و استناد به این آیه می‌توان هدف از روزه داری یک ماهه خود را درک کرد. این سختی‌های یک ماه رمضان، امساک از خوردن، آشامیدن، دوری از اعمال و رفتاری که مورد رضایت خداوند نیست و همه و همه جزو مبطلات روزه هستند؛ همه هدفی بجز هدایت انسان به سوی تقوا و بندگی خداوند ندارد. شاید یکی از بهترین شاخص‌ها در جهت اینکه بدانیم آیا آن طور که شایسته بود به تقوا رسیده ایم یا نه و این امساک از خوردن، آشامیدن و اعمال ناپسند ثمر داده یا نه؛ این است که تقوای خودمان را پس از این ماه مبارک محک بزنیم.

چگونه بفهمیم که روزه داری ما را به تقوای الهی رسانده یا نه؟ در واقع چطور بفهمیم این روزه داری یک ماهه ثمربخش بوده یا خیر.

یکی از شاخص‌ها این است که بعد از رمضان با خود خلوت کنیم و ببینیم چقدر و تا چه اندازه مودب به آداب الهی و متخلق به اخلاق الهی شده‌ایم و در مسیر تقوای الهی قرار گرفته ایم. در نزد اهل معرفت و آنها که در مسیر عبودیت و بندگی خدا قدم گذاشتند یک جمله معروفی هست و آن این است که «نگهداری از آثار معنوی یک عمل از خود آن عمل و انجام آن به مراتب سخت تر و مهم‌تر است». به طریق اولی در این ماه عبادت، طاعت و سختی هایی که در مسیر عبودیت خداوند کشیدیم، تنها یک بخش از قضیه است و همه مقدمه‌ای است برای اینکه بعد از ماه رمضان ما برکات، نفحات و انوار اعمالی که در ماه مبارک ذخیره کردیم را برای خود نگه داریم.

بهترین دستورالعملی که از بزرگان ما به یادگار مانده این است که از اعمال خود مراقبت کنیم؛ یعنی از آن دسته از اعمال که برای خود ذخیره کرده ایم، نگهداری کنیم. از گوشمان، زبانمان، دلمان و در نگاه کلی از تمامی اعضا و جوارحمان که به گناه آلوده نشدند و در این ماه مبارک تقوا پیشه کردند و مورد رضایت خدا قرار گرفتند، نگهداری و مراقبت کنیم.

در خطبه پیامبر(ص) در جمعه آخر ماه شعبان آمده که علی علیه السلام از رسول خدا(ص) سوال کردند که بهترین اعمال در ماه رمضان چیست؟ ایشان فرمودند «الورع عن محارم الله»؛ یعنی کفّ نفس. یعنی خودداری از آن دسته از اعمال و رفتار و سکناتی که از اعضای ما صادر می شود و مورد رضایت الهی نیست. لذا یکی از ملاک‌ها و شاخص هایی که بعد از ماه رمضان انسان می‌تواند بفهمد آیا این عبادت و طاعت یک ماهه اش ثمری داشته یا نه، این است که بفهمد بعد از رمضان کفّ نفس و تقوای الهی اش ادامه پیدا می‌کند یا نه؟

برای اینکه برکت ماه رمضان در طول سال برایمان بماند، چه کنیم؟

شاید اولین قدم هایی که بعد از خاتمه این ضیافت الهی از سوی اهل بیت به ما توصیه شده برداریم، مداومت بر اعمالی است که در ماه رمضان با آنها مانوس بودیم. ماه رمضان را بهار قرآن نامیده اند؛ خیلی از ما در ماه رمضان موفق به تلاوت و قرائت قرآن شدیم و با آن انس گرفتیم. چه خوب است که بعد از این ماه هم بر این کار مداومت ورزیم. اگر در ماه رمضان یک بار قرآن را ختم کردیم، خوب است در ماه‌های آینده هم بر این امر مداومت کنیم. حتی اگر چند ماه یک بار باشد؛ این انس با قرآن را ادامه دهیم.

از سوی دیگر بسیاری از ما سحرهای ماه رمضان را درک کردیم. دعا خواندیم، استغفار و مناجات کردیم. بهتر است که پس از ماه رمضان هم این کار را انجام دهیم. خواندن ادعیه ای مثل دعای افتتاح، دعای ابوحمزه ثمالی و ... را پس از ماه رمضان هم ادامه دهیم. این کار بهترین کاری است که می توان بعد از رمضان انجام داد.

شیوه‌های عملی مراقبت از نفس

محمد صدایی آذر

در مطلب حاضر نویسنده به مراقبه به عنوان یکی از مهم‌ترین مراحل خودسازی اشاره کرده و ضمن بیان مراتب تقوا، روش‌های مراقبه در هریک از مراتب فوق را تشریح کرده است.

عرفان نظری تنها مقدمه‌ای برای ذی مقدمه‌ای به نام عرفان عملی است؛ از این‌رو در آیات قرآن تعلیم برای تزکیه مطرح است.(بقره، آیات ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران، آیه ۱۶۴؛ جمعه، آیه ۲) البته میان عرفان نظری و عملی آمیختگی است؛ چنانکه میان تعلیم و تزکیه این گونه است؛ زیرا هر علمی باید عملی را با خود همراه داشته باشد؛ چنانکه هر عملی دریچه‌ای به سوی علمی دیگر است. خداوند عبادت را برای تقوا قرار داده است(بقره، آیه ۲۱)؛ اما خدا همین تقوا را برای کسب علم قرار داده و فرموده است: **وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ**؛ و تقوای الهی پیشه کنید تا خدا افزون بر چیزهای دیگر شما را تعلیم دهد.(بقره،آیه ۲۸۲)

البته تقوای الهی دارای مراتبی است. خدا در قرآن می‌فرماید: بر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، گناهی در آنچه قبلا خورده‌اند نیست در صورتی که تقوا پیشه کنند و ایمان بیاورند و کارهای شایسته کنند سپس تقوا پیشه کنند و ایمان بیاورند آنگاه تقوا پیشه کنند و احسان نمایند و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.(مائده، آیه ۹۳)

مراتب تقوا

مراتب ایمان و تقوای الهی بر اساس این آیه سه مرتبه است؛ چنانکه نتیجه آن، یقینی است که آن نیز سه گانه علم الیقین، عین الیقین(تکاثر، آیات ۵ و۷) و حق الیقین (واقعه، آیه ۹۵) است. بنابراین باید گفت که مراتب مراقبت نیز سه گانه است که شامل موارد زیر است:

۱. مراقبت در سطح تقوای عام: در این مرتبه شخص باید واجبات را انجام داده و محرمات را ترک کند؛

۲. مراقبت در سطح تقوای خاص: در این مرتبه از مراقبت شخص باید افزون بر عمل به واجبات به مستحبات نیز عمل کند؛ چنانکه افزون بر ترک محرمات باید از مکروهات هم اجتناب کند؛

۳. مراقبت در سطح تقوای اخص: در این مرتبه، شخص افزون بر انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات باید از برخی از مباحات نیز پرهیز کرده و به اقل آن اکتفا کند. در ماه رمضان که دوره کوتاه مدت یک ماهه برای تمرین در این سطح از مراقبت است، انسان از مباحاتی چون شهوت غذایی و جنسی و مانند آن پرهیز می‌کند.

البته حرف زدن و پرحرفی نیز از جمله مباحاتی است که انسان باید آن را کاهش دهد و مراقب باشد تا کم گو و گزیده گو باشد.

پس مهمترین مسئله در مرحله مراقبه این است که سالك بر انجام واجبات و ترك محرّمات و سپس تقوای خاص و اخص توجه داشته باشد و مراقبت نماید تا مراتب تقوا از ملکه و مقوّم آن برایش حاصل شود و در پرتو آن، انجام واجبات و مستحبات و ترك محرمات، مکروهات و گناهان برایش به صورت عادت درآید و این‌گونه نباشد که برای ترك هر گناهی نیاز به تأمل و تصمیم‌گیری داشته باشد. بی گمان برای طی سیر عرفانی و مراحل سیر و سلوك، این مرتبه از مراقبه یعنی مرتبه تقوای عامل در قالب انجام واجبات و ترك محرّمات، امری حیاتی و ضروری است. انسان تا زمانی که به گناه مبتلا است، هر سعی و کوششی در راه عبادت خداوند چندان تأثیری برایش در پی نخواهد داشت؛ چرا که گناه، اعمال نیك انسان و آثار آن را از بین می‌برد و انجام عبادت و اعمال صالح به همراه ارتکاب معاصی، استخر و بشکه سوراخی است که هرچه در آن آب بریزند از آن سوراخ بیرون می‌ریزد و در نهایت چیزی باقی نمی‌ماند. گناهان و صفات رذیله گوهر ایمان را زائل و اعمال نیك را نابود می‌کنند. به عنوان نمونه، حسد به عنوان یک صفت زشت اخلاقی چیزی از ایمان به جا نمی‌گذارد و انسان هر چه می‌اندوزد را به آتش می‌دهد. امام باقر و صادق(ع) می فرمایند: **اِنّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الايمانَ كَما تَأْكُلُ النّارُ الْحَطَبَ**؛ همانا حسد ایمان را می خورد و از بین می‌برد، همان گونه که آتش هیزم را می‌خورد و نابود می‌سازد. (بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲۴۴، باب ۱۳۱، روایت۲) حضرت پیامبر(ص) می‌فرماید: **إِيّاكُمْ وَ الْحَسَدَ فَإِنَّهُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النّارُ الْحَطَبَ**؛ از حسادت بپرهیزید، زیرا حسد نیکی‌ها را می خورد، چنانکه آتش، هیزم را می‌خورد.(جامع الأخبار، شعیری، ص ۱۵۹.)

گناهان دیگری چون غیبت نیز این گونه مانع در سر راه اعمال عبادی دیگر انسان هستند. پیامبر(ص) می‌فرماید: **مَنِ اغْتابَ امْرَأً مُسْلِماً بَطَلَ صَوْمُهُ وَ نَقَضَ وُضُوءُهُ**؛ هر کس مسلمانی را غیبت کند روزه‌اش باطل خواهد شد و وضویش از بین خواهد رفت.(همان، ج ۷۵، ص ۲۴۷، باب ۶۶، روایت ۱۰.) در جایی دیگر آمده است: **مَنِ اغْتابَ مُسْلِماً اَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يُقْبَلْ لَهُ صَلاتُهُ وَلا صِيامُهُ اَرْبَعينَ يَوْماً وَلَيْلَةً**؛ هر کس مرد یا زن مسلمانی را غیبت کند نماز و روزه‌اش تا چهل روز قبول نمی‌شود.(همان، ج ۷۵، ص ۲۵۸، باب ۶۶، روایت ۵۳.) البته در مورد غیبت و برخی گناهان دیگر که این قبیل تعبیرات درباره آنها وارد شده که عباداتش قبول نمی‌شود، باید توجه داشت که با آن عمل اسقاط تکلیف می‌شود و آن عبادت، نیاز به قضا ندارد؛ ولی مورد قبول واقع نمی‌شود و اثر و فایده مطلوب برای انسان نخواهد داشت؛ زیرا در صحت عبادت، اخلاص شرط است و در قبولی آن نه تنها تقوا شرط است، بلکه باید شخص متقی باشد و در زمان انجام عمل و نسبت به اعمال دیگر نیز تقوای الهی داشته باشد. خدا درباره شرط قبولی اعمال بر این نکته توجه می‌دهد که قبولی اعمال به این است که تقوای الهی ملکه و مقوم ذاتی شخص شده باشد: **قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ**؛ گفت: خدا جز از متقین قبول نمی‌کند و نمی‌پذیرد.(مائده، آیه۲۷)

به هر حال، پس از آنکه ملکه تقوا در این حد حاصل شد نوبت به مرتبه‌ای بالاتر از مراتب مراقبه می‌رسد. پس سالک اگر مرتبه تقوای عام را گذراند، گام در وادی تقوای خاص می‌گذارد، اگر تاکنون مراقب انجام واجبات و ترك محرّمات بود؛ در این مرتبه سعی بر این است که از ارتکاب «**مشتبهات**» نیز پرهیز کند؛ پس هم به مستحبات توجه دارد و هم از مکروهات می‌گذرد و هم به سراغ مشتبهات نمی‌رود و در موارد مشکوک سعی می‌کند تا احتیاط کند؛ البته این احتیاط نسبت به مسائل فردی و شخصی است؛ زیرا اجتماع را نمی‌توان با احتیاط مدیریت و اداره کرد؛ بلکه حوزه احتیاط حوزه اعمال شخصی و فردی است نه اجتماعی.

اینکه گفته شد تا شخص از مشتبهات پرهیز کند؛ یعنی از کارهایی اجتناب کند که انسان یقین به گناه بودن آنها ندارد، ولی شبهه گناه بودن در مورد آنها وجود دارد؛ برای مثال، پیش‌از ارتکاب یك کار دلیلی بر گناه بودن آن در دست نداریم، اما این احتمال می‌رود که پس از ارتکاب آن متوجه شویم کارمان درست نبوده است. کسی که به دنبال جلب رضایت صد درصد و اطاعت کامل خداوند است تلاش می‌کند که از این‌گونه امور نیز اجتناب ورزد.

پس مرحله دوم از مراقبت آن است که انسان تقوای خاص داشته باشد، تقوای خاص این است که انسان به انجام واجبات و ترك محرّمات، در کنار عمل به مستحبات و اجتناب از مکروهات و مشتبهات‌اشتغال داشته باشد. در این مرحله سالك مقداری از مستحبات را هم انجام دهد و برخی از مکروهات را نیز ترك کند تا کم کم هر آنچه از مستحبات در توانش است انجام دهد و اگر بتواند همه مکروهات را کنار گذارد؛ چرا که باب مستحبات بسیار وسیع است و اگر انسان تمام شبانه‌روز را هم به انجام مستحبات مشغول باشد باز هم از عهده انجام همه آنها بر نمی‌آید. با این حال سالک می‌تواند به مستحباتی

که مزاحمتی با کارهای واجب ندارد، در عین پرداختن به واجبات، آنها را نیز انجام دهد. برای مثال، خواندن نماز در اول وقت از بزرگترین مستحبات و عملی است که بسیار مورد تأکید قرار گرفته است و غالباً مزاحمتی با تکالیف واجب ندارد. خواندن نماز در اول وقت، زمانی بیش از خواندن آن در وسط یا آخر وقت نیاز ندارد. از این رو، انسان می‌تواند سعی کند که نمازهای واجبش را در اول وقت بخواند تا ضمن انجام واجب، به مستحبی بسیار مهم و پر فایده نیز عمل کرده باشد. نماز اول وقت در برخی روایات بالاترین و برترین اعمال دانسته شده است: **سَأَلَ مُعاوِيَةُ بْنُ وَهَبٍ اَباعَبْدِاللهِ(ع) عَنْ اَفْضَلِ ما يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبادُ اِلى رَبِّهِمْ فَقالَ ما اَعْلَمُ شَيْئاً بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ اَفْضَلَ مِنْ هذِهِ الصَّلوةِ اَلا تَرى اَنَّ الْعَبْدَ الصّالِحَ عيسَى بْنَ مَرْيَمَ قالَ «وَ اَوْصانى بِالصَّلوةِ» وَ سُئِلَ النَّبِيُّ(ص) عَنْ اَفْضَلِ الاَعْمالِ قالَ الصَّلوةُ لاَوَّلِ وَقْتِها؛** معاویه بن وهب از امام صادق(ع) در مورد بالاترین چیزی که بندگان به وسیله آن به پروردگارشان نزدیك می شوند سؤال کرد. امام صادق(ع) فرمود: من پس از معرفت خداوند چیزی را نمی‌شناسم که بالاتر از همین نماز باشد. آیا نمی‌بینی که بنده شایسته خداوند، عیسی بن مریم(ع) گفت: «و پروردگارم مرا به نماز سفارش کرده است»، و از پیامبر(ص) در مورد برترین اعمال سؤال شد، آن حضرت فرمود: نماز اول وقت.(بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۵، باب ۱، روایت ۵۰.)

از دیگر مستحباتی که وقت اضافی نمی‌خواهد حضور قلب در نماز است. این مستحبی است که اگر رعایت شود، در عین حال که نیاز به هیچ فرصتی علاوه‌بر خود نماز ندارد کیفیت آن را صد چندان می‌کند. مستحب بسیار مهم و تأثیرگذار دیگر که آن نیز فرصت اضافه‌ای نمی‌طلبد، رعایت ادب در حضور پدر و مادر است. برخی از بزرگان تا پدر و مادرشان اجازه نمی‌دادند در حضور آنها نمی‌نشستند.

در هر صورت، غیر از این‌گونه مستحبات، مستحباتی هم هستند که پرداختن به آنها فرصتی جداگانه و اختصاصی می‌طلبد. بسیار مناسب است که انسان با مربی و استاد اخلاقی با تجربه و آگاه و مورد اعتماد درباره انتخاب این‌گونه مستحبات مشورت کند تا از میان آنها آنچه را که مناسب حال او است انجام دهد. نوافل یومیه، بخصوص نافله شب، تلاوت قرآن، دعاهای مختلف صبح و شام و تعقیبات نماز، اذکار مختلف، بویژه تسبیحات اربعه و ذکر شریف «**لااله الا الله**» و امثال آنها، همه مستحباتی مهمّ و پر فایده هستند، ولی ممکن است به تناسب حال و وضعیت و شرایط افراد، برخی از آنها اولویت و رجحان داشته باشند.

در این میان آنچه مهم است و در روایات اسلامی نیز بر آن تأکید شده این است که اگر یك برنامه عبادی را برای خود معیّن کردیم بر آن مداومت داشته باشیم که در غیر این صورت، آن اثری را که می‌باید داشته باشد نخواهد داشت. در کتاب شریف «اصول کافی» بابی به همین امر اختصاص یافته و روایاتی درباره آن نقل شده است. از امام باقر(ع) روایت است که فرمود: **قالَ اَحَبُّ الاَعْمالِ اِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ ما داوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَ اِنْ قَلَّ**؛ محبوب‌ترین اعمال نزد خدای متعال آن عملی است که بنده بر آن عمل مداومت داشته باشد، گرچه آن عمل کم باشد.(اصول کافی، ج ۲، باب استواء العمل والمداومهٔ علیه، روایت ۲.)

امام صادق(ع) نیز فرمود: **قالَ كانَ عَلَيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ(ع) يَقُولُ اِنّى لاَحِبُّ اَنْ اُداوِمَ عَلَى الْعَمَلِ وَ اِنْ قَلَّ**؛ امام سجّاد(ع) می فرمود: هر آینه من دوست می دارم که بر عمل مداومت داشته باشم، گرچه (آن عمل) کم باشد.(همان، روایت ۴)

آن حضرت (ع) می‌فرماید **اذا كانَ الرَّجُلُ عَلى عَمَلٍ فَلْيَدُمْ عَلَيْهِ سَنَةً ثُمَّ يَتَحَوَّلُ عَنْهُ اِنْشاءَ اِلى غَيْرِه...**؛ هنگامی که آدمی به انجام عملی مبادرت می ورزد پس باید یك سال بر آن مداومت ورزد و آنگاه اگر خواست آن را رها کند و به سراغ عملی دیگر برود.(همان، روایت ۱)

انسان باید در سلوک، صبور و بلکه حلیم باشد و عزم و همت عالی داشته باشد تا عادتی جایگزین عادتی شود و امری نیک به شکل ملکه و بلکه مقوم ذات او در آید. پس همان طوری که در برنامه‌های اسلامی از سبک به سنگین، از آسان به سخت انتقال می‌یابد، انسان باید از تقوای عام به تقوای خاص و سپس تقوای اخص برود تا این گونه حق تقوا را به تمام و کمال ادا کند: **يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ حَقَّ تُقَاتِهِ**؛ای کسانی که ایمان آورده اید، آن گونه که حق تقوای الهی است آن را در حد نهایی آن پیشه کنید. (آل عمران، آیه ۱۰۲) نشانه ملکه شدن هم این است که اگر روزی به حسب اتفاق آن عمل از او فوت گردد، ناراحت شود. انسان اگر این شیوه را تا آخر آن ادامه دهد و صبوری کند، در نهایت به جایی می‌رسد که صفات الهی مقوم ذاتی او می‌شود و در این حالت که حق تقاته و مرتبه سوم تقوای الهی یعنی تقوای اخص است، انسان در مقام اکرام چنان خواهد شد که مظهر اکرم الاکرمین می‌شود و نه تنها به تعلیم می‌پردازد بلکه در مظهریت ربوبیت به تزکیه تصرفی می‌پردازد؛ چنانکه در حدیث قدسی آمده است: **يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا غَنِيٌّ لاَ أَفْتَقِرُ أَطِعْنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلْكَ غَنِيّاً لاتَفْتَقِرُ، يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا حَيٌّ لاأَمُوتُ أَطِعْنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلْكَ حَيّاً لا تَمُوتُ؛ يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا أَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ أَطِعْنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلْكَ تَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ**؛ ای فرزند آدم! من بی‌نیازی هستم که نیازمند نمی‌شوم؛ مرا در آنچه بدان امر کرده‌ام اطاعت کن تا تو را چنان بی‌نیاز کنم که نیازمند نشوی. ای فرزند آدم! من زنده‌ای هستم که نمی‌میرم، مرا در آنچه امر کرده‌ام اطاعت کن تا تو را زنده‌ای قرار دهم که فنا نشوی. ای‌فرزند آدم! من چون چیزی را بخواهم، به آن می‌گویم: باش! پس موجود می‌شود؛ مرا در آنچه امر کرده‌ام اطاعت کن تا تو را چنین سازم که هرچه را بخواهی، بگویی: باش! پس موجود شود.(عدهٔ الداعی، ص ۲۹۱.)

حالات مراقبه

البته برخی از علماء اخلاق و عرفان عملی برای «**مراقبه**» سه حالت بیان کرده‌اند که شامل موارد زیر است:

۱. حالت حضور: شخص چون خدا را حاضر و ناظر در همه جا می‌بیند، کمتر به دام هوای نفس می افتد. پس اول حالتی که به سالک دست می‌دهد آن است که بواسطه معرفت و یقین بر اینکه خداوند مطلع بر ضمیر بنده است، این حال پیش می‌آید که فکر بد و شیطانی به قلب او راه پیدا نمی‌کند و چون خدا را حاضر و ناظر در همه جا می‌بیند کمتر به دام هوای نفس می‌افتد. از این رو در تعریف مراقبت برخی گفته شده: «**المُراقَبَةُ اِستِدامَةُ علمِ العَبدِ باطّلاعِ الرّبِ فی جمیعِ اَحْوالِه**؛ مراقبت به معنای استمرار و دوام علم بنده است به اینکه پروردگار از تمام احوال بنده مطلع است.» به تعبیر قرآن، خدا را عالم به آشکار و نهان و بلکه خفیات و اخفی دانسته و او را از خود به خود نزدیک‌تر می‌داند.(انفال، آیه ۲۴)

حاصل آنکه حال اول مراقبت، آن است که حسن بن علی دامغانی گفته است: «**علیکم بحفظ السرائر فانّه مطّلعٌ علی الضمائر**»؛ بر شما است حفظ پنهانی‌ها؛ زیرا خدا آگاه بر ضمائر و مکنونات است.

۲. حالت انقطاع الی الله: کائنات را فراموش می‌کند و چنان از خود مراقبت می‌کند که جز خدا هیچ چیز در ذهن و فکر او نیست؛ در این حالت سالک مراقب آن است که کائنات را فراموش کند، به طوری که وجود و عدم دنیا برای او یکسان باشد و چنان مراقب باشد که جز خداهیچ چیز در ذهن و فکر او نباشد. خداوند می‌فرماید: **فَفِرُّوا إِلَى اللهِ**؛ پس از هر چیزی به سوی خدا بگریزید.(ذاریات، آیه۵۰)

۳. حالت عزت ولایی: از خدا می خواهند که متولی امر آنها باشد. بی‌گمان حال سوم، حال بزرگان اهل مراقبت است که از خدا می خواهند که آنها را در حال مراقبت رعایت فرماید، یعنی خداوند متولی امر آنها باشد و به فضل خویش آنها را مصداق «**وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصّالِحِينَ**؛ و او صالحان را سرپرستی می‌کند»(اعراف، آیه ۱۹۶) فرماید سالک باید در این مقام طوری باشد که خود از میان برخیزد و بین او و خداهیچ حجابی باقی نماند. به یکی از عرفا گفتند: شما می گوئی حجاب سه است: نفس و خلق و دنیا. گفت: این سه، حجاب عام است، حجاب خاص، سه است: دید طاعت و دید ثواب و دید کرامت، مقصود این است که در این مقام در بی‌خودی باید به مقامی برسد که خود به مراقبت خود واقف نباشد و به تعبیر دیگر عمل خود را نبینند و نظر به ثواب و کرامت نکنند، که دیدن، علت غرور و علّت انحطاط است. (نگاه کنید: گردآوری از کتاب: اخلاق اسلامی در نهج‌البلاغه، مکارم شیرازی، ناصر، تهیه و تنظیم: اکبر خادم الذاکرین، نسل جوان، قم، ۱۳۸۵ شمسی، چاپ: اول، ج ۲، ص ۲۹۴.)

هویت در گفتمان ولایت فقیه

قسمت دوم: مولفه های هویت ایرانی- اسلامی در گفتمان حضرت امام خمینی(ره)

ناخدا دکتر رضا خدایی

در گفتمان حضرت امام (ره) هویت در دولایه یا دو بعد (ایرانیت و اسلامیت) تعریف و تفسیر می شود، که هرکدام از لایه ها دارای مولفه هایی هستند.

لایه ایرانیت هویت ملی شامل: سرزمین، زبان فارسی، تاریخ، استقلال طلبی، اسطوره‌ها، آداب و رسوم، مفاخر و قهرمانان، معماری و ادبیات و... می شود.

و لایه اسلامی شامل: دین اسلام، آموزه های شیعی، مناسک مذهبی و مناسک اجتماعی اسلامی را در برمی گیرد.

بعدایرانیت

۱. سرزمین

هیچ جمعیتی بدون داشتن سرزمینی که خاص آنها است به عنوان یك ملت شناخته نمی شوند. علاوه بر قلمرو جغرافیایی یك سرزمین، منابع زیر زمینی، آب و هوا، زیر ساخت های اقتصادی، منطقه ی استراتژیك و ژئوپلتیکی همه جزئی ازسرزمین ملی به حساب می آیند.موقعیت جغرافیایی و سیاسی- نظامی ایران به ویژه قرار گرفتن آن درکرانه های خلیج فارس و دریای عمان به همراه ویژگی های جغرافیایی و اقلیمی خاص ایران در طول تاریخ چهره هویت ملی ایران را به نمایش گذاشته است.

در دوره پهلوی دوم با جدایی بحرین از ایران ضربه سنگینی به وحدت سرزمینی ایران وارد شد.اما هنگامی که رژیم بعث عراق با هدف جداسازی خوزستان از ایران و تحکیم حاکمیت عراق بر اروندرود به ایران حمله ور شد، باپافشاری امام خمینی(رحمت الله علیه) بر حفظ تمامیت ارضی ایران نتوانست حتی یک وجب از خاک کشور را از آن جدا کند امام راحل در همین رابطه می فرمایند:"ما جنگ طلب نبوده و نیستیم لکن اگر کسی تعدی کند دهان او را خرد میکنیم". امام، درخصوص اهمیت سرزمین، آحاد ملت را نسبت به سرزمین وخاک کشور دارای مسئولیت ملی می دانند و دفاع از سرزمین را یک وظیفه ملی می دانند. «شما امروز یک وظیفه ملی دارید نسبت به کشورتان، یک وظیفه اسلامی دارید نسبت به حفظ اسلام...امروز همه دنیا متوجه ایرانند که این ملت چه می خواهندبکنند».(ج۱۹،ص۲۵۹)

از نگاه امام خمینی(ره) تقدس و احترام وطن، جدای از اسلام نیست و حفظ آن نیز سفارش اکید اسلام است. امام میان این دو تعارضی نمی دیدند تا ناچار شوند یکی را برگزینند و دیگری را وانهند.(حسینی فرد، ۲۸۱:۱۳۸۸) از این رو ایشان معتقدند که «میهن عزیزتر از جان ما، امروز منتظر است تا یکایک فرزندان خود رابرای نبرد با باطل مهیا سازد، ما برای میهن عزیزمان تا شهادت یکایک سلحشوران ایران زمین مبارزه می کنیم»(ج۱۳،ص۲۴۳) و در جای دیگر می فرمایند: «حب وطن و حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور، مساله ای است که در آن حرفی نیست»(ج۱۳،ص۱۸) و دیگر اینکه، «حتی یک وجب از زمین خودمان را به دیگران نخواهیم داد؛ نه ظلم می کنیم به آنها و نه تحت ظلم واقع می شویم»(ج۱۴،ص۸۳)

۲. عدالت خواهی

عدالت و روحیه عدالت خواهی یکی از مظاهر فرهنگی و روحیات ایرانی است که از دیرباز در این کشور وجود داشته است .طلب عدالت یکی از مظاهر فرهنگی و روحیات ایرانی است، به طوری که در اندیشه شاهی الهی ایران، ویژگی عدالت تنها ویژگی ای است که فرد را شایسته مقام پادشاهی می داند. این عنصر که عنصرمرکزی باورهای اسلامی وشیعی را نیز تشکیل می دهد، به یکی از مهمترین ابعاد هویت ملی ایرانیان تبدیل شده است.

رهبر فقید انقلاب اسلامی، نیز آنچه را که در روحیه ملت ایران تحت عنوان عدالت خواهی وجود داشت را سر لوحه برنامه و عمل حکومت ج.ا. ایران قرارداد و لذا فرمودند: «حکومتی مبتنی بر عدل و انصاف نسبت به اقشار وطن می سازیم»(ج۵ص۱۲۳). امام مبنای جمهوری اسلامی را بر عدالت اجتماعی می دانند و حکومت اسلامی را حکومتی می دانند که ابتنای بر عدالت داشته باشد زیرا در غیر این صورت چیزی خواهد بود شبیه به سایر حکومت ها و دولت ها»مبنای جمهوری اسلامی بر عدالت اجتماعی است و حسن روابط با همه کشورها، با احترام متقابل»(ج۹،ص۷۱).

۳. استقلال طلبی

استقلال طلبی یکی دیگراز مولفه های هویت ملی است، که هم در بعد ایرانیت و هم دربعد اسلامیت مورد تاکید قرار می گیرد.به طوری که از نگاه امام خمینی(رحمت الله علیه) وابستگی به بیگانگان و حضورامپریالیست ها درکشور یکی از عوامل قیام ملت ایران محسوب می شود. ایشان در این راستا می فرمایند: «در عصر ما، ملت یافت که شاه بواسطه پیوندی که با غرب خصوصا با آمریکا دارد و همین طور با شرق، تمام مخازن ما را به باد داده است، بلکه نیروهای انسانی ما را نیز به هدر داده است و فهمیدند جنایات فوق العاده ای که مرتکب می شود بواسطه پیوندی است که شاه با ابرقدرت ها دارد، از این جهت ملت ما به پا خواست»(ج۴،ص۱۸۳)و دیگر اینکه: «امروز که ملت ایران قیام کرده اند...حکومت اسلامی می خواهند، می خواهند که آزاد باشند،

می خواهند که مستقل باشند، می خواهند که حکومتشان حکومت اسلامی باشد»(ج۳،ص:۱۹۸). به این ترتیب امام در چارچوب فرهنگ ایرانی- اسلامی، فرهنگ استقلال طلبی را جایگزین فرهنگ استعماری می کنند.

بعد اسلامیت

دین یکی از عناصر پایدار و دائمی در همه تمدن ها است. ایران مهد یکی از ادیان الهی (زرتشت) بوده و در عصراسلامی نیز دین اسلام نقش برجسته ای در فرهنگ وتمدن ایران داشته است.در ایران دین همواره با قدرت و حاکمیت در ارتباط بوده است و در شکل دهی (هویت ملی) نقش برجسته ای داشته است. در مطالعه هویت ملی ایرانیان، هرگز نمی توان از نقش دین و مذهب غافل بود و باید آن را به عنوان عامل مهم (همبستگی اجتماعی) و در نتیجه (هویت جامعه ایرانی) و به عبارتی (هویت ملی) به شمار آورد. مولفه های اساسی هویت اسلامی در اندیشه های امام خمینی(رحمت الله علیه) و مقام معظم رهبری مبتنی بر آموزه ها واحکام اسلامی است که در حل مشکل از خود بیگانگی وغرب زدگی ملت های مسلمان راه گشاست. لذا در ذیل به اختصار به بیان این مولفه ها می پردازیم:

۱. اسلام خواهی

امام خمینی(رحمت الله علیه)، اسلام خواهی و فداکاری ملت ایران برای اسلام را افتخاری بزرگ برای ملت ایران معرفی می نمایند و براین نکته تاکید می فرمایند که ملت ایران اسلام را می خواهد و انقلاب ملت ایران، انقلابی اسلامی است. ملت اسلام را می خواهد، ملت ایران رای داده است به جمهوری اسلامی، هرچه زحمت داشته وتوان داشته است، در طبق اخلاص گذاشته است. گفته ما اسلام را می خواهیم ، ملت با اسلام است. نه با من است، نه با شما و نه با دیگری،ملت اسلام را می خواهد. ملت شخص نمی خواهد، ملت می خواهد قوانین اسلام دراین مملکت پیاده شود(ج۱۴،ص۲۴۰).

۲. استکبارستیزی و مبارزه با ظلم

یکی از آموزه های اسلام وقرآن، مقابله با ظلم و ایستادگی در مقابل ستمگران ومستکبران است.نمونه بارز این امر امام حسین(علیه السلام) و قیام خونین ایشان ا ست. به این ترتیب استکبارستیزی به عنوان یکی از اصول اسلامی به یکی از مولفه های هویت ایرانی تبدیل شده است.انقلاب اسلامی ایران وحرکت امام خمینی(رحمت الله علیه) نشات گرفته از این قیام و در امتداد آن است؛ لذا استکبار ستیزی به عنوان یک مولفه هویتی در اندیشه امام خمینی (رحمت الله علیه)مورد تاکید قرار می گیرد. ایشان در بخش های مختلف و به مناسبت های گوناگون نسبت به مساله استکبارستیزی مسلمانان ولزوم این امر، بیاناتی ایراد فرموده اند، ازجمله: «مستضعفین وظیفه شان را با مستکبرین بدانند، این مستضعفین اکثرا نمی دانند، ما هم نمی دانیم، ما هم جزء مستضعفین هستیم. نمی دانیم که اینها بر سر ما چه آورده اند، بعضی از ورقه های کوچکش دست ماست و می دانیم... ما می خواهیم آن مقدار که فهمیدیم و آن مقداری که امکان دارد بفهمیم این را درست عرضه کنیم به مستضعفین دنیا .به ممالک دنیا،تا بفهمند مستضعفین که این مستکبرین با آنها چه می کنند... ما چنانچه قدرت داشته باشیم تمام مستکبر»

امام راحل در این زمینه فرموده اند:

نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آنرا اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم ، این است که دشمنان ما و جهان خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل میکنند؟ و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت ها و ارزش های معنوی، الهی‌مان نمی شناسند.. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست ها و آمریکا و شوروی در تعقیب مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه دار نمایند ودر جای دیگر می فرمایند:

به یقین (دشمنان) مرزی جز عدول از همه هویت ها و ارزش های معنوی و الهی مان نمی شناسند و به گفته قران کریم، هرگز دست از مقاتله وستیز با شما بر نمی دارند.مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. .(صحیفه امام،جلد۲۰ص۳۴۷)

۳. دفاع از مظلومان ومستضعفان

دفاع از مظلومان و مستضعفان به عنوان یک آموزه قرآنی برای مسلمانان حائز اهمیت است. امام خمینی(رحمت الله علیه) نیز به عنوان احیاگر اسلام ناب پیوند عقیدتی را جایگزین پیوند جغرافیایی و آن را به عنوان یکی از مولفه های ساختاری هویتی اسلامی معرفی می کنند. ایشان به لزوم حمایت ودفاع از مظلومان توجه داشته و دراین زمینه بیانات متعددی دارند. ایشان میفرمایند: «ما طرفدار همه مظلومین در همه جا هستیم، ومیل داریم که مظلومین بر همه ستمگران غلبه کنند» (ج۱۹:۹۴) هم چنین در لزوم احساس مسئولیت مسلمانان در برابر دیگر مظلومان جهان میفرمایند: اگر در یک گوشه دنیا یک خطری برای یک برادری پیش بیاید، برادر ایمانی پیش بیاید، نباید یک برادر دیگری که در آن طرف دنیا هست بی تفاوت باشد؛ می تواند باید قیام کند، نمیتواند؛ باید زمینه فراهم کندکه یک وقتی رفع ظلم کند» (ج۱۳،ص:۱۵۳)هم چنین در جایی دیگر فرموده‌اند:کسی که تابع مذهب اسلام است، باید با ابرقدرتها مخالفت کند و مظلومان را از زیر چنگال اینها بیرون بیاورد»(ج۱۳،ص ۶۹).

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند .و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزادهٔ جهان است. و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش های مبارزه علیه نظام های کفر و شرک آشنا می‌سازد.

٤. معنویت سیاسی

یکی از مولفه هایی که مسلمانان را از غیرمسلمانان متمایز می کند، تاکید گفتمان اسلامی بر معنویت سیاسی است.درحقیقت انقلاب اسلامی با احیای هویت ملی معنویت گرایی سیاسی را در مقابل دو گفتمان لیبرالیسم وکمونیسم قرار می دهد. به این ترتیب که درمقابل سکولاریسم وعقلانیت ابزاری بر معنویت سیاسی و عقلانیت ارزشی تاکید دارد. در گفتمان اصالت اسلامی، اهداف فقط محدود به اهداف مادی نیست، بلکه اهداف وغایات ارزشی اصل واساسی هستند.انسان مثل حیوانات نیست که یک حد حیوانی داشته باشد و تمام بشود. انسان یک حد مافوق حیوانی و یک مراتب مافوق حیوانی، مافوق عقل دارد تا برسد به مقامی که نمی توانیم از آن تعبیرکنیم؛ و از آن آخر مقام مثلا تعبیر می کنند... کالالوهیة (صحیفه نور، ج۴،ص۱۸۶).

به این ترتیب سیاست مدنظر اسلام از نگاه امام خمینی(ره) سیاست الهی است و باید باشد. سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد، اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان است، این مختص انبیا و اولیاست (ج۱۳،ص۴۳۲) امام خمینی(ره) پس از پیروزی انقلاب اسلامی نوع نظام سیاسی را «جمهوری اسلامی» اعلام نمودند و آن را حکومت جمهوری مبتنی بر آرای عمومی و اسلامی مبتنی بر قانون اسلام تعریف کردند(ج۴،ص۱۴۴).

به این ترتیب برخلاف دیدگاه سکولاریستی که برجدایی دین از سیاست تاکید دارد، امام خمینی(رحمت الله علیه) بر عدم جدایی این دو تاکید می‌ورزند و اسلام را دینی کامل وجامع می دانند و لذا با امور سیاسی و اجتماعی رابطه ای تنگاتنگ دارد. ایشان می‌فرمایند: اسلام مکتبی است که برخلاف مکتب های غیر توحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد(ج۲۱،ص ۴۳-۴۲).و مذهب اسلام خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است که بر تمامی ابعاد وشئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی وضع کرده است... (ج۵،ص۳۸۹). ادامه دارد.

آیت الله سید محمود علایی طالقانی (ره)

مختصری از زندگانی سیاسی و اجتماعی

تحریریه نشریه

آیت الله طالقانی را به عنوان یک روحانی نواندیش دینی و مورد علاقه احزاب و گروه های سیاسی مختلف می شناسند ایشان که بدون شک یکی از اضلاع مهم در دوران مبارزات انقلابی بود، آیت الله طالقانی زمانی از سوی حضرت امام خمینی(ره) ابوذر زمان هم لقب گرفت، بعد از انقلاب در دو مسئولیت ریاست شورای انقلاب و عضویت شواری خبرگان قانون اساسی ایفای نقش کرد و در مرداد سال ۵۸ با حکم امام خمینی(ره) به عنوان امام جمعه تهران منصوب شد اما یک ماه بعد در سن ٦٨ سالگی چشم از جهان فروبست.

وضعیت اقتصادی و خانوادگی آیت الله طالقانی

مهندس بازرگان بعد از فوت آیت الله طالقانی بیمارستان طالقانی را افتتاح کرد و نام آنرا «طالقانی» گذاشت.

مرحوم آیت الله طالقانی قبل از انقلاب در مدرسه سپهسالار تدریس می کرد، مرحوم طالقانی قبل از انقلاب وضعش بد نبود اما بعد انقلاب از نظر مالی مضیقه بودند. آقازاده هایش هم همین طوری بودند، به گفته فرزند ارشد قبل انقلاب خیلی وضعم خوب بود، ماشین های آخرین مدل سوار میشدیم برای خودمان کار و کارسبی داشتیم، خواهر و برادران کار دولتی نگرفتیم کارهای خصوصی می کردیم چون پدرمان توصیه میکرد خیلی در کارهای دولتی وارد نشویم چون اول داستان فکر می کردند خیلی کار از ما بر می آید و ممکن بود آلودگی هایی پیدا کنیم بنابراین سعی کردیم هیچ کدام دنبال کار دولتی نرویم

آیت الله طالقانی ۱۰ فرزند داشتند ۵ پسر و ۵ دختر و در منزل کسی را به کاری اجبار نمی کرد حتی در اقامه نماز صبح به گفته فرزند ایشان ما هیچ وقت فکر نکردیم که بچه آخوند هستیم، مادرمان هر روز صبح سحر بلند می شد و بچه ها را مجبور به خواندن نماز می کرد، ما هم غُر می زدیم یادم است که آقا یک روز صبح بلند شد گفت «نمازی که بناست به زور خوانده شود نه به درد خدا و نه به درد بنده خدا میخورد، اینها باید خودشان به جایی برسند که فکر کنند نماز برای شان لازم او واجب است» این جمله آقا هنوز در گوش من است. همان حرف آقا باعث شد که بیشتر به نماز خواندن اهمیت دهیم، هیچ مسئله ای را با فشار به ما نمی گفت.

بچه ها هیچ وقت احساس نمی کردند که خیلی محدود هستند در بعضی خانواده ها خیلی به بچه های خود فشار می آورند آیت الله دوستی در محله امیریه به نام سیدمحسن بهبهانی داشت که همسایه روحانی آقا بودند سید محسن بهبهانی در رادیو و تلویزیون زمان شاه صحبت می کرد و ماه رمضان ها موقع افطار برای سخنرانی می آمد، حرف می زد و دعای افطار می خواند آقا هر وقت با دوستانش می خواست به بیرون شهر برود می گفت «بگویید سید محسن هم بیاید» فرزند آیت الله می گوید آن زمان در سینماها قبل از پخش فیلم اخبار می گذاشتند که شاه کجا رفت و چه کار کرد من همانجا دیدم که سیدمحسن آمد دست شاه را بوسید و یک قرآن به شاه داد، من حالا مانده بودم چطور این مسئله را به آقا بگویم رفتم گفتم «آقا سید محسن را خوب می‌شناسی؟»گفت بله « آدم بدی نیست » دوباره گفتم « آقا سیدمحسن را خیلی خوب میشناسی؟ » گفت چی میخواهی بگویی؟ گفتم دست شاه را بوسید و قرآن به شاه داد گفت تو کجا دیدی گفتم یک جایی دیدم گفت: کجا دیدی؟ گفتم رفتم سینما قبل از پخش فیلم جزء خبرها بود گفت « همینجوری می روی سینما؟ گفتم بله رفتم سینما » آقا خیلی ناراحت شد به هر حال ارتباطش با سیدمحسن قطع شد اما به سینما رفتن من زیاد گیر نمی داد یعنی خیلی در فشار نبودیم.

فرزند ارشد دختر آیت الله می گوید: ما دختران هم درفشار نبودیم یک بار به ما نمی گفت حجابتان چرا این طور است؟ چرا حجاب ندارید؟ چرا حجاب تان محکم نیست؟ ما سئوالات زیادی از آقا می پرسیدیم که خیلی با حوصله جواب می داد. مریم ما روسری سر می‌کرد بیرون می رفت یک بار به مناسبتی چادر سرش کرد آقا به او گفت « چرا دکورتو عوض کردی؟ همان طوری که بودی بیا »

آقا می گفتند که خود جوان‌ها باید به مسائل دینی شان برسند و رعایت کنند امری و دستوری جواب نمی‌دهد، تا زمانی که آیت الله طالقانی زنده بودند کسی جرات نمی کرد به او هجمه کند، یک بحثی راجع به حجاب کرد، فردای آن صحبت امام(ره) فرمود « نظر من همان است که آقای طالقانی گفت» فقط امام(ره) می توانست این کار را انجام دهد که امام(ره) هم معمولا حرف های آیت الله را تایید می کرد بعد از فوت آیت الله طالقانی یک عده واقعا هم حسادت و هم کینه نسبت به طالقانی داشتند.

شبهه حمایت از مجاهدین

شبه طرفداری از مجاهدین خلق به این شکل بر طرف می شود که، آقای طالقانی تنها نبود بلکه مجاهدین خلق خیلی با مسئولین زمان خود رفیق بودند اصلاً تا آن زمان که مرحوم طالقانی زنده بود این گروه به خیابان می‌آمدند و در جاهایی میتینگ داشتند، تا زمانی که آیت الله زنده بود مجاهدین خلق مشکلی نداشتند دیگران هم از آنها حمایت می کردند. فقط برای اینکه طالقانی را بکوبند می گویند « طالقانی از مجاهدین خلق حمایت می کرد» سوال این است که « چه کسی آن زمان از مجاهدین حمایت نمی کرد؟!»

محمد منتظری، مرحوم اشراقی و دیگران از رفقای مجاهدین بودند و مشکلی هم نبود چون هنوز مجاهدین خباثت درون شان را نشان نداده بودند، می گفتند «ما با انقلابیم مسلمانیم» هنوز دست به اسلحه نشده و ترورهای شان را شروع نکرده بودند کسی روی آنها شناخت نداشت. فکر هم این بود این جوان هایی که جذب مجاهدین می شوند را نگذاریم خیلی در مجاهدین غرق شوند بلکه جذب شان کنیم احساس می شد که ممکن است بعدها مجاهدین خلق مشکل‌دار شوند ولی آن زمان هنوز نشده بودند، بنابراین اگر هم رفاقتی بود با هدف جذب جوانان و جلوگیری از غرق شدن آنها در بدنه مجاهدین خلق انجام می شد.

مرحوم طالقانی تنها کسی بود که خیلی صریح و واضح حرفش را به امام(ره) می زد و امام(ره) هم می پذیرفت. چندین مرتبه هیات دولت موقت خواستند استعفا بدهند اما آقای طالقانی آنها را به قم برد و با امام صحبت کردند و مشکلات شان را گفتند وقتی آیت الله طالقانی فوت کرد دولت موقت استعفا داد و امام هم پذیرفت.

آیت الله طالقانی جایگاه قائم مقامی را قبول نمی کرد همان طور که قبول نمی کرد نامزد انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی شود اما بچه ها رفتند و ثبت نام کردند و با دو میلیون رای منتخب نخست تهران شد حتی برای ریاست جمهوری هم زمزمه کاندیداتوری آیت الله مطرح شد اما گفت « نه به هیچ وجه قبول نمی کنم»

آثار مرحوم آیت الله طالقانی

۱.ترجمه و توضیح بخشی از نهج البلاغه ۲.حاشیه بر تنبیه الامه و تنزیه المله ۳.به سوی خدا می رویم ۴.اسلام و مالکیت ۵.پرتوی از قرآن

کتاب ده‌گفتار

از آیت اللّه سیّد فتّاح هاشمی تبریزی

در مقدمه این کتاب که از زبان حجةالاسلام‌والمسلمین پیکری مدیریت محترم حوزه علمیه الامام‌علی‌بن‌ابیطالب علیه السلام می‌باشند، چنین بیان شده است:

عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحٍ الْهَرَوِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عليه السّلام، يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْداً أَحْيَا أَمْرَنَا فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا. (عیون أخبار الرضا علیه السلام ج۱ ص۳۰۷)

عبدالسلام بن صالح هروی از امام رضا(ع) نقل می کند، که امام رضا aفرمودند: رحمت خداوند بر کسی که امر ما را زنده کند. راوی حدیث می گوید به حضرت گفتم: چگونه امر شما احیا می شود؟ حضرت فرمودند: کسی که علوم ما را یاد می گیرد و به مردم می آموزد؛ (امر ما را زنده می کند)، پس بدرستی که اگر مردم محاسن کلام ما را بدانند، البته (به طور حتم) از ما تبعیت می کنند.

یکی از علماء و فقهای خوش توفیقی که عمر ذی قیمت و همّت عالی خود را به احیاء امر اهل بیتِ عصمت وطهارت سلام الله علیهم اجمعین، معطوف ساخته و شبانه روز خود را وقفِ این مهم کرده است؛ **امام محترم جماعت مسجد جامع شهرک غرب و موسس عالی مقام حوزه علمیه الامام علی بن ابیطالب علیه‌السلام سیدنا الاستاذ حضرت آیت الله سید فتاّح هاشمی تبریزی ادام الله ظله العالی، می باشد.**

کتاب ده گفتار، مشتمل بر ده سخنرانی معظّم له در ده موضوع مختّص به دین مبین اسلام و مکتب پویای تشیّع است، که در جمع نمازگزاران مسجد جامع و طلاب علوم دینی، طی زمان‌های مختلف بیان شده و اکنون به صورت نوشتار، به یادگار ماندگاری، تبدیل شده است.

امیدوارم خدای منّان به لطف بی کران و فضل بی منتهای خویش این اثر پُر محتوا را که انعکاس معارف آل الله علیهم صلوات الله است، از باقیات و صالحاتِ مقبوله، قرار دهد و همچنین فرازهای ارزشمند آن، منشاء هدایتی والاتر و موجبِ ارتقاء سطح معلومات دینیِ خوانندگان عزیز، باشد. إن شاء الله.

موضوعات مطرح شده در کتاب عبارت اند از:

۱.قرآن و سیره پیامبر (صلی اللّه علیه وآله) (تاثیرات اسلام در اروپا، خیانت وهابی ها و اسلام محمّدی) ۲.امام شناسی (ضرورت شناخت امام، نظر اهل سنّت در خصوص امامت، قیاس، استحسان، مقام عصمت نزد اهل سنّت، عصمت ابوبکر و عمر، رابطه غدیر و عاشورا) ۳.عید غدیر (کامل‌ترین اجماع، تعداد شرکت کنندگان در غدیرخم، رسالت و نبوت ناقص، بهانه‌های عدم پذیرش ولایت علی علیه السلام، گرمای غدیر، اقرار و اعتراف مردم ۴.ماه مبارک رمضان (خشک مقدسان بی مغز، جای دست خدا و پای علی علیه‌السلام، امام شافعی و تردید در شناخت خدا، شب قدر، زمان دعا، قرب و رحمت الهی، جواز ورود به بهشت، مدح امیرالمومنین(ع) در شعر فردوسی، مؤمن سیزده ساله، قَسَم کیست؟) ۵.شب قدر (مأیوس شدن شیطان، غفلت از مرگ و یاد آن، لذت نماز شب، تحوّل انسان ها، عارفان دروغین، مراحل رشد و کمال، لذّت نماز) ۶.عید فطر (آثار تقوای الهی،گستره وسیع عبادت، ارزش برادری، رایحه بد اختلاف) ۷.خلیل الرحمن(ع) (نعمت نماز جمعه، سربلند از امتحانات الهی، ولایت تکوینی الهی، دین منطقی و استدلالی، فلسفه ذبح حیوانات، امتحان ذبح فرزند، نتیجه صبر و بردباری) ۸.امام علی بن موسی الرضا(ع) (لقب رضا، جلالت شأن امام رضا علیه السّلام، نظر شیخ صدوق(ره) در شهادت امام رضا علیه السّلام، بدتر از عُمَر و بهتر از علی علیه السّلام، مراسم تعیین ولیعهد، توطئه علیه امام رضا علیه السّلام) ۹.عالم آل محمد(ع) (محبوبیّت امام رضا علیه السّلام، پناهگاه همه موجودات، مهربان‌تر از پدر و مادر، حقّ زیارت) ۱۰.امام زمان(عج) (معنای عسکری، هیبت عسکری، کودکی شبیه حضرت موسی علیه السّلام، جایگاه امام زمان در ادیان و مذاهب، نابودی یهودیت علامت ظهور، انتظار منفعلانه)

کتاب حکمت عبادات

مولف آیت اللّه جوادی آملی

تحریریه نشریه

این کتاب شامل ۱۰ بخش است که هریک از بخش‌ها به نوع خاصی از عبادت پرداخته و اسرار و حکم آن را بیان می‌کند. مولف در بخش اول از عبادات و حکمت آن سخن می‌گوید و در بخش دوم به نیت و راز و رمز آن می‌پردازد. در بخش سوم از حکمت طهارت چون وضو و تیمم سخن می‌گوید و بخش چهارم را به بحث درباره باطن نماز و اسرار و حکمت‌های نهفته در آن اختصاص می‌دهد. آیت‌الله جوادی آملی در بخش پنجم، پرده از برخی اسرار روزه برمی‌گیرد و در بخش ششم از عبادت اعتکاف رازگشایی می‌کند. «حکمت تلاوت و رمز قرائت در کنار حکمت دعا و همچنین تولی و تبری همراه با ذکر» عناوین باقی فصل‌های این کتاب ارزشمند و مفید است.

ساختار بندی کتاب

این کتاب شامل یک مقدمه با عنوان حکمت عبادت و ثمره آن است و شامل ۱۰ بخش به شرح زیر:

۱. بخش اول: عبادات و حکمت آن
۲. بخش دوم: نیت و حکمت آن
۳. بخش سوم: طهارت و حکمت آن
۴. بخش چهارم: نماز و حکمت آن
۵. بخش پنجم: روزه و حکمت آن
۶. بخش ششم: اعتکاف و حکمت آن
۷. بخش هفتم: تلاوت قرآن و حکمت آن
۸. بخش هشتم: دعا و حکمت آن
۹. بخش نهم: تولی و تبری و حکمت آن
۱۰. بخش دهم: ذکر و حکمت آن؛ که این بخش شامل ۱۰ فصل است:
۱. ذکر و عقل نظری و عملی ۲. حیات بخشی ذکر ۳. مراتب ذکر و درجات ذاکر ۴. مراتب یاد خدا ۵. آثار ذکر خدا ۶. بهترین ذاکر و مذکور ۷. مصادیق ذکر ۸. راه صاحب نام شدن ۹. شفا بودن ذکر خدا ۱۰. عمومیت ذکر.

در انتهای کتاب فهرست آیات و روایات، اشعار، منابع و فهرست تفضیلی آورده شده است و این کتاب در سال ۱۳۶۷ به چاپ رسیده و توسط حجة الاسلام حسین شفیعی تنظیم و ویرایش گردیده و در سال ۱۳۸۳ توسط مرکز نشر اسراء در قم منتشر شده است.

در فصل «روزه و حکمت آن» می‌خوانیم:

ماه رمضان ماه آزاد شدن است هر روز که می‌گذرد یک بند از بندهایی که با دست خود تنیده‌ایم، باید بگسلد تا آزاد شویم. بهترین راه برای ازاد شدن پی بردن به حکمت های عبادات است... در بعضی از روایات آمده است که روزه بگیرید برای آنکه طراوت و خرمی و شادابی غیر ماه مبارک را از دست بدهید؛ زیرا آنها نشاط کاذب و زودگذر است. وقتی انسان روزه گرفت و به آن دل بست کم کم به باطن روزه پی می‌برد. باطن روزه انسان را به لقای حق می‌کشاند که خدای سبحان فرمود: روزه مال من است و من شخصا به آن جزا می‌دهم. این تعبیر فقط درباره روزه وارد شده است... ارحام را مورد صله و دیدن قرار داده و زبانتان را حفظ کنید، نه تنها هنگام روزه که روزه هستید، بلکه در طول ماه، این امور را رعایت کنید. چون اینها آداب روزه نیست، آداب ماه روزه است... امام صادق(ع) از اجداد گرامی‌شان از رسول‌الله(ص) نقل فرموده‌اند که: برای این که انسان مواظب دهان باشد و هر حرفی نزند، معرفت خدا لازم است. کسی که خدا را بشناسد و او را بزرگ بشمارد، در پیشگاه خدای عظیم، هر حرفی نمی‌زند و شکم را هم با هر غذا، آلوده نمی‌کند. کسی که خدا را شناخت کنار هر سفره‌ای نمی‌نشیند... یکی از نصیحت‌طلبان به اباذر نوشت که مرا نصیحت کن. اباذر هم در جواب مرقوم فرمود: به عزیزترین دوستانت ستم نکن. دوباره آن شخص نوشت که این مطلب روشنی بود. انسان که به دوست عزیزش جفا نمی کند. اباذر در جواب نوشت: عزیزترین افراد نسبت به آدم خود «او» است. فرمود: جان خود را نیازار، چون هر گناهی که انسان مرتکب می‌شود، فشاری است که بر جان خود وارد می کند.

کسی که تنها مواظب باشد هر حرفی نزند، پرخوری نداشته باشد یا هر غذایی نخورد، روزه‌اش را بگیرد، نمازش را بخواند، چنین کسی از مومنان معمولی است نه اولیای خدا. اولیای الهی اهل تامل و تفکر و تعمق هستند. حرف می‌زنند ولی حرف آنان یاد حق است. به مومن معمولی می‌گویند: حرف نزن، به مومن عارف می‌گویند: مرتب سخن بگو، مردم را هدایت و به یاد حق متذکر کن...

شهیدمحمودخضرائی

شهید سید حسین حسینی

شهید عبدالباقی درویش

شهید علاءالدین فراز

شهید آیت الله محلاتی

شهیدی با فرق شکافته

معلم خلبان کاپیتان محمد داود اردانی

شهید خلبان حاج محمود خضرائی در ۱۵ خرداد ۱۳۲۶ در تهران و در خانوادهای مذهبی و معتقد به اصول و احکام اسلام دیده به جهان گشود. وی در تمام دوران تحصیل از شاگردان ممتاز و نمونه بود و به کسب دانش علاقه فراوان داشت. پس از اخذ دیپلم و شرکت در کنکور سراسری در رشته مهندسی قبول شد. اما به علت تنگناهای مالی موفق به ادامه تحصیل در دانشگاه نشد. و در هشتم مردادماه سال ۱۳۴۵ به دانشکده افسری پیوست و در مهر ماه سال ۱۳۴۸ با درجه ستواندومی فارغ التحصیل شد.

این شهید بزرگوار درطول دوره دانشکده در یک مرحله قهرمان دو میدانی ارتش شد و به عنوان کاپیتان و مسئول دو میدانی دانشکده افسری انتخاب شد. شهید به علت علاقهای که به پرواز داشت پس از طی آزمایشات و معاینات و مراحل مقدماتی به فراگیری فن پرواز پرداخت. پس از اخذ مدرك خلبانی به پایگاه‌های مختلف نیروی هوائی اعزام گردید. در شروع انقلاب اسلامی به صفوف ملت پیوست و علیه نظام فاسد پهلوی فعالیتش را شروع کرد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مسئولیت‌های مختلف به خدمت اسلام و انقلاب همت گماشت. شهید خضرائی یکی از یاران صدیق دکتر چمران وزیر دفاع وقت دولت جمهوری اسلامی ایران بود که در سرنگونی غائله گروهك‌ها به غرب کشور اعزام و خدمات شایانی انجام داد.

با شروع جنگ تحمیلی تمام اوقات خود را در پایگاه‌های شکاری گذراند و در مأموریتهای برون مرزی شرکت فعال و مستمر داشت. بارها در مأموریت‌ها هواپیمایش دچار سانحه گردید مجروح و مسدوم شد اما هرگز از نبرد با دشمن متجاوز بعثی غافل نشد. وی در طول خدمتش مشاغل مهم مختلفی نظیر فرماندهی پایگاه سوم شکاری، فرماندهی پدافندهوایی و فرماندهی مرکز آموزش‌های هوایی را عهده دار بود وی علیرغم داشتن بیش از ۱۸۰۰ سورتی پرواز و انجام ده ها مأموریت شناسایی و برون مرزی همواره می‌گفت اگر فرماندهی بر من تکلیف نبود مایل بودم حضور مستقیم و بیشتر در جبهه ها داشته باشم.

شهید خضرایی در دومین پرواز ارتفاع بالا خود به همراه همرزم خلبانش سرهنگ نیکوکار مورد اصابت موشک سام ۲ قرار گرفت و به طور معجزه آسایی از مرگ حتمی نجات یافت.

در عملیات بی نظیر الولید نیز به عنوان شماره ۴ دسته پروازی مورد اصابت موشک قرار گرفت و به طور اضطراری در یکی از پایگاه‌های هوایی کشور سوریه فرود آمد به طوریکه به هنگام فرود از باند پروازی خارج شد و هواپیما صدمه کلی دید ولی خلبانان هواپیما باقری و خضرایی بار دیگر به طور معجزه آسایی سالم ماندند.

این عزیزان بارها تامرز شهادت به پیش رفته بودند.شهید محمود خضرائی یکی از خلبانان قهرمان حمله هوائی به الولید و انهدام انواع هواپیما و تجهیزات موجود در مجموعه پایگاه های سه گانه الولید، معروف به اچ -۳ بود.

او از اغاز عملیات والفجر ۸ برای لحظه ای آرام و قرار نداشت تا سرانجام در روز یکم اسفند ۱۳۶۴ در ساعت ۱۲:۴۵ هواپیمای فوکر ۲۷ به خلبانی سرهنگ عبدالباقی درویش و سروان حسینی به اتفاق آیت الله محلاتی اولین نماینده حضرت امام(ره) در سپاه پاسداران، سرهنگ خلبان محمود خضرایی، سرهنگ فنی محمدرضا کشواد مدیر ماتریل معاونت لجستیکی نیروی هوایی و تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و قضات دیوان عالی کشور جهت بازدید از جبهه‌های جنگ عازم اهواز شده بودند که در فاصله ۳۰ مایلی و رادیال ۷۰ درجه در نزدیکی اهواز و در منطقه ای به نام ویس توسط دو فروند جنگنده از نوع میگ ۲۹ عراق ناجوانمردانه مورد هدف قرار می گیرند

و هواپیمای ایشان سقوط نموده و درجه رفیع شهادت نائل می گردند.

در ادامه به بیان نحوه سقوط هواپیمای شهید خضرایی و همراهانش از زبان اینجانب نگارنده که آن زمان خلبان بالگرد شنوک بود و در پایگاه امیدیه انجام وظیفه می نمود و جز اولین کسانی بود که جهت امدادرسانی در محل حادثه حضور یافته بود می‌پردازیم.

آن زمان من در پایگاه امیدیه انجام وظیفه می نمودم بلافاصله پس از به صدا در آمدن زنگ اضطراری در ساعت ۱۳:۵۰ با یک فروند هلیکوپتر شنوک به اتفاق سرهنگ خسرو اشرافیان جهت تجسس و نجات به پرواز درآمدیم وبا حداکثر سرعت به طرف مختصات اعلام شده پرواز کردیم و به محل سانحه رسیدیم، در هنگام فرود هلیکوپتر ما دچار وضعیت اضطراری شد و موتور شماره دو از کار افتاد بنابراین با یک موتور به کار ادامه دادیم و در محل سانحه فرود آمدیم. هواپیمای فوکر۲۷ پس از هدف قرارگرفتن توسط هواپیمای شکاری عراق بال سمت راستش کنده شده بود و در فاصله تقریبا پانصد متری از بدنه در کنار لوله‌های انتقال نفت افتاده بود. بدنه هواپیما به‌دلیل جداشدن یک بال از بدنه بدون سریدن در هوا مستقیم با سرعت به زمین برخورد کرده و مچاله شده بود. اوراق نو قرآن و نهج البلاغه، مقداری اسکناس نو و تعدادی عمامه‌ی مشکی و نعلین در اطراف هواپیما پراکنده شده بود. بر اثر شدت برخورد هواپیما با زمین، شهید درویش و شهید کشواد از جلو هواپیما به بیرون پرتاب شده بودند. تعدادی از افراد بومی آنجا جمع شده بودند و هر لحظه به تعدادشان افزوده می‌شد. هوا نسبتا گرم بود و ما هیچ وسیله ارتباطی جهت کسب تکلیف با مقامات مسئول نداشتیم، بنابراین بنده مسئولیت شکافتن بدنه هواپیما را به گردن گرفتم و به همراه سروان لواسانی وارد عمل شدیم و از دو دستگاه تراکتور که متعلق به مردم بومی آنجا بود کمک گرفتیم و با کابل از دو طرف کشیدیم و قسمتی از بدنه هواپیما را شکافتیم و روزنه‌ای برای ورود به آن باز کردیم. من وارد هواپیما شدم، اولین شهیدی که با فرق شکافته دیدم شهید محمود خضرایی بود. به کمک بومیان آنجا پیکر مطهر ۴۲ دو تن از شهیدان را که قلب بعضی هنوز می‌تپید از لابه‌لای آهن پاره‌ها خارج کردیم. خدمه پرواز به دلیل پوشیدن لباس پرواز، بدن آنها در داخل لباس فرو رفته بود و بقیه بدن‌ها به‌جز پیکر شهید محلاتی متلاشی شده بودند. من به محض رویت شهید محلاتی، جیب‌های او را گشتم و یک قبضه سلاح کمری از نوع کالیبر ۴۵ و تعدادی فشنگ و سایر مدارکی که همراه داشت، برداشتم تا به‌دست ستون پنجم و منافقینی که احتمالا در میان مردم پنهانند، نیافتد.

پس از خارج کردن پیکر شهدا از لابه‌لای آهن پاره‌ها، یک فروند هلیکوپتر ۲۱۴ حامل فرمانده نیروی هوایی سرهنگ خلبان هوشنگ صدیق و رئیس عقیدتی سیاسی حجت الاسلام قروی در محل فرود آمدند. حجت الاسلام قروی در حالیکه گریه می کرد من را در آغوش گرفت و من هم به ایشان تسلیت گفتم. سپس پیکر مطهر شهدا به اهواز انتقال یافت و ما با کسب مجوز شفاهی برای پرواز با یک موتور از فرمانده نیروی هوایی، با دلهره به پرواز درآمدیم و به پایگاه شکاری امیدیه بازگشتیم . در روز دوم اسفند پیکر مطهر شهدا از اهواز به امیدیه و از آنجا توسط هواپیمای سی۱۳۰ به تهران انتقال داده شد.

شهید حاج سید مرتضی میری

به قلم فرزند شهید

همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و دلسوختگان و دارالشفاء آزادگان خواهد بود.
امام خمینی (ره)

این زندگی قشنگ من مال شما
دنیای سفید رنگ من مال شما
بابای همیشه خوب من را بدهید
این سهمیه های جنگ من مال شما

زیباترین لحظات عمرمان وقتی بود که در کنارش زیستیم و آموختیم

پدرم از همان دوران جوانی علاقه شدیدی به زیارت خانه خدا و اهل‌بیت عصمت و طهارت داشت. از همان سال های ابتدایی زندگی مشترک که مشغول بکار شده بود (سال ۱۳۶۰)، هر ساله مبلغی را در طول سال پس انداز می کرد تا به همراه همسر و فرزندانش حداقل سالی یکبار به پابوس ولی نعمتمان، امام رضا(ع) برود. ایشان همیشه زیارت خانه خدا و عتبات عالیات را از محضر امام هشتم طلب می کردند و اعتقادشان بر این بود که راه مکه و کربلا از حرم امام رضا(ع) می‌گذرد ولی شرایط مالی ابتدای زندگی، تا به آن زمان این امکان را برایش میسر نکرده بود. اما علاقه ایشان بر این بود که با توجه به شرایط جسمانی و استفاده از عصا، در جوانی به مقصود خود برسد و معتقد بود که اگر خدا بخواهد هیچ چیز غیر ممکن نیست که البته همینطور هم شد.
موضوع از این قرار بود که پدرم در سال ۱۳۷۶ و در۳۶ سالگی جزو ۵ نفر کارمند نمونه محل کار خود قرار گرفته بود ولی از هدیه آن خبری نداشت.
چند روز بعد که ایشان از محل کار به خانه آمده بود و در حال استراحت بود تلفن منزل ما به صدا در آمد و به ایشان اطلاع دادند که هدیه مربوطه «کمک هزینه سفر به عمره مفرده» بوده و در صورت آمادگی جهت عزیمت، تا آخر وقت اداری فردا مهلت دارد تا آمادگی خود را اطلا ع دهد.
پدرم که از این خبر شوکه شده بود موضوع را با مادرم در میان گذشت و با توجه به وضعیت جسمانی خودش و تنهایی همسر و ۳ فرزندش در این مدت مردد بود که چه جوابی بدهد. با دلگرمی های مادر و البته مشورت با پدر مرحومش که در این مدت هوادار خانواده‌اش باشند خیالش از این بابت راحت شد. با این پیش زمینه ها و از آنجاییکه ایشان از همان ابتدا تا آخرین لحظات عمرشان اعتقاد قلبی به مشورت با خدا در کارهای خویش داشت تصمیم بر آن گرفت که تیر آخر را بزند و استخاره کند و بعد جواب را بدهد.
از قضا استخاره خوب آمد و ایشان در کمال ناباوری در سال ۱۳۷۶ به اولین سفر عمره مفرده مشرف گردید تا پس از آن همه سفرهای درمانی و معالجات و بستری های متمادی در مراکز درمانی، اولین سفر زیارتی خود را به خانه خدا به خاطر بسپارد. البته ایشان در سال های بعد هم به زیارت خانه خدا و عتبات عالیات مشرف گردید ولی همیشه از سفر اول خود به نیکی یاد می‌کرد و می گفت اگر خدا بخواهد در هر شرایطی می شود و اگر خدا نخواهد برگ از درخت نمی افتد.
پدر عزیزمان در اسفند ماه ۱۳۹۴ به خواست الهی به جوار ملکوتی ارباب بی کفنش حضرت حسین بن علی(ع) پر کشید و به دوستان شهیدش پیوست و ما نیز همانند خودش، راضی به رضای حضرت حق بوده و هستیم. خداوند بر درجات عالی ایشان بیافزاید و ما را همچون قبل مشمول دعاهای بی دریغ پدرانه اش بگرداند.

شهید محمد صالحی

تمام سال های بدون پدر

اگر بند بند استخوان هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله های آتش مان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگان مان به اسارت و غارت برند، هرگز امان نامه‌ی کفر و شرک را امضا نمی کنیم. امام خمینی(ره)

شهید خالد حیدری

تهیه و تنظیم | معلم خلبان کاپیتان محمد داود اردانی

سروان خلبان محمد صالحی کابین جلو به همراه ستوان یکم خالد حیدری کابین عقب هواپیمای اف٤ اولین شهدای خلبان در آغازین روز جنگ در مورخهٔ ۱۳۵۹/٦/۳۱ هستند.

از زبان همسر شهید صالحی

«ناهید حسن علی» همسر سرگرد خلبان شهید محمدصالحی در مراسم استقبال از پیکر مطهر ۷خلبان شهید که در سال ۱۳۹۱ به میهن اسلامی باز گشته بود؛ گفت: بعد از ۳۲ سال دوری همسرم از وطن، امام رضا(ع) طلبید و به همراه فرزندم و پیکر شهید بزرگوار به پابوسی آقا امام رضا(ع) امام هشتم آمده‌ایم.

۳۲ سال کم نیست برای انتظار؛ انتظاری که حتی با شنیدن صدای پرنده آهنین در آسمان، بیشتر تکرار می‌شود. انتظاری که گاهی در قطعه ۵۰ گلزار شهدای بهشت زهرا(س) به پایان می‌رسد و گاهی دوباره آغاز می‌شود.

«ناهید» نمی‌خواهد از لحظه‌ها بگوید؛ لحظه‌های انتظار آمدن همسرش، هر جا که می‌رفت، برای «محمد» سوغاتی می‌گرفت تا وقتی همسرش از سفر برمی‌گردد، به او بگوید که در همه حال به یادش بوده؛ حتی جوراب نو برای او خریده؛ چمدان پر است از لباس‌های بافتنی رنگارنگ. ناهید خودش این لباس‌ها را برای همسرش بافته؛ شال گردن، جلیقه و... آن لحظات برایش تنگ است و دلتنگی‌هایش را با قطره‌های اشکی که روی گونه‌هایش جاری می‌شود، تقسیم می‌کند. مهمان دلِ تنگ «ناهید» می‌شویم؛ می‌گوید تا بنویسیم و در تاریخ بماند این همه انتظار، انتظاری که پایانی ندارد.

بزرگترین آرزوی دختر شهید صالحی

به یاد ندارد در هنگام رفتن بابا، چگونه مثل مادرش به پای او افتاده بود که نرود؛ او هم گریه می‌کرد با سن دو سال و چند ماهگی‌اش؛ بابا رفت و او ماند و مادر و یک عالمه تنهایی.

تازه یاد گرفته بود که «بابا» بگوید و بابا هم او را روی دو دست می‌گرفت و می‌گفت: «مقام این دختر آن قدر بالاست که نمی‌خواهم روی زمین با او بازی کنم». همین دختری که همیشه روی دست‌های بابا جا داشت، از همان روز ۳۱ شهریور ۵۹ وقتی که هواپیماهای بعثی آمدند و بمب باران کردند، سرش را به آسمان دوخت و به انتظار دست‌های پدر نشست و امروز این انتظار به ۳۲ سال انجامیده است.

«پانته‌آ صالحی» تنها دختر شهید سرلشکر خلبان «محمد صالحی» است. او می‌گوید: «وقتی که من خیلی کوچک بودم، از دیدن پدر محروم شدم؛ مادرم همیشه به من می‌گفت که پدر به سفر رفته است؛ سفری که برمی‌گردد. وقتی که به مدرسه رفتم، به بچه‌هایی نگاه می‌کردم که پدرشان جلوی در مدرسه می‌آمدند تا آنها را به خانه ببرند؛ آرزوی من هم این بود که یک روز

پدرم بیاید و مرا از مدرسه به خانه ببرد».
مادر پانتهآ همیشه در مناسبت‌های مختلف مثل عید نوروز و موفقیت‌های دخترش از فروشگاه هدایایی می‌گرفت و از آنجا به جلوی در خانه پست می‌کرد و به پانتهآ می‌گفت: «این هدیه از طرف پدرت برای تو آمده است».
پانتهآ تا هشت سالگی با این ذوق و شوق که بابا به یادش هست و برایش هدیه می‌خرد، پشت سر گذاشت اما همیشه این سؤال برایش مطرح بود که پس باباجون کی می‌آید؟
این دختر شیرین زبان که تازه یاد گرفته بود حروف را در کنار هم بچیند، حروف بشوند کلمه، کلمه‌ها را در کنار هم بچیند و کلمه‌ها بشوند جمله، به در و دیوار و کمد اسباب‌بازی اتاقش نگاه می‌کند؛ اتاقی پر از عروسک و کادوهایی که به اسم بابا بود. همان جا نامه‌ای برای پدرش می‌نویسد: «**بابا جون! تمام این هدیه‌ها خوبه اما خودت بیا**» و این بود بزرگترین آرزوی «پانی بابا». آخه بابایش همیشه او را «پانی» صدا می‌زد.

از زبان دختر شهید صالحی

دختر شهید صالحی از روزی برایمان می‌گوید که فهمید این هدیه‌ها از طرف پدر نبوده است: «دوم دبستان بودم؛ طبق معمول کلی هدیه از طرف پدرم برای عید نوروز به دستم رسید؛ بعد از تعطیلات نوروز به مدرسه رفتم و برای دوستانم تعریف کردم که بابام برای عید خیلی عیدی فرستاده است؛ یکی از همکلاسی‌هایم به من گفت: تو که این قدر می‌گویی بابام اینو خریده، اصلاً بابا نداری! من از شنیدن این حرف خیلی ناراحت شدم؛ شروع به بگو مگو با آن دختر کردم. این موضوع را با معلم در میان گذاشتم. او که با مادرم رابطه مستقیمی داشت، در جریان زندگی ما بود؛ معلم مرا آرام کرد اما با گریه از مدرسه بیرون آمدم.
به خانه رسیدم و به مادر گفتم: بچه‌ها به من می‌گویند، تو بابا نداری!. مادر مرا آرام کرد؛ او در ابتدا جنگ را برای من توضیح داد و گفت: یک زمانی، یک دشمنی به کشوری حمله می‌کند؛ شجاع‌ترین و قوی‌ترین آدم‌ها می‌روند تا نگذارند کسی به خانه‌های مردم برود؛ بابای تو همین طور است؛ او رفت تا دشمن وارد خاک کشور نشود و تو و امثال تو بتوانید به مدرسه بروید، درس بخوانید و آرامش داشته باشید؛ وگرنه الان معلوم نبود بتوانیم در این آرامش زندگی کنیم؛ این آدم‌های شجاع کم نیستند و یکی از آنها بابای توست؛ بابا الان در دست دشمن اسیر شده است.
بعد از این ماجرا وقتی بچه‌ها درباره پدرم می‌پرسیدند، به افتخار به آنها می‌گفتم: بابای من رفته تا شماها بتوانید درس بخوانید و زندگی‌های خیلی خوبی داشته باشید. بعد هم از معلم‌مان خواستم به همه بچه‌ها بگوید که من بابا دارم و بابای من، شجاع‌ترین بابای دنیاست. سر صف هم مراسمی اجرا شد؛ تمام بچه‌ها با فهمیدن موضوع گریه کردند؛ همان دختری که مرا ناراحت کرده بود، پیش من آمد و خیلی گریه کرد؛ تا امروز دوستی من و او ادامه داشته است.
پانتهآ این بار منتظر است که بابا از اسارت برگردد؛ وقتی که مادرش برای دوستان پدر در اسارت نامه می‌نوشت؛ گاهی ۷ ـ ۸ ماه طول می‌کشید تا جواب نامه بیاید؛ وقتی جواب نامه می‌آمد، این دختر کوچولو هم روی ورق‌های کاغذ که خبری از پدر نبود، سرک می‌کشید؛ اما وقتی می‌دید که خبری نیست دوباره به فکر می‌رفت؛ مادر دوباره به «پانی‌اش» امید می‌داد و دختر کوچولو دوباره بازیگوشی‌هایش را از سر می‌گرفت.

تمام سال های بدون پدر

دختر شهید صالحی، کودکی خود را با هزار امید و آرزو پشت سر گذاشت؛ در دوران نوجوانی بود که خبر آمدن اسرا به کشور پیچید؛ او هم منتظر بود تا بابا را ببیند و این دفعه به جای نگاه کردن و درد دل گفتن به قاب‌های عکس بابا، روی پاهایش بنشیند و بگوید آنچه را که در این سال‌ها بدون او گذشته است!
وقتی که دوستان پدر «پانتهآ» به شهرهایشان آمدند، این دختر که خانمی شده بود به همراه مادرش به منزل آنها می‌رفت تا بلکه خبری را از اوضاع و احوال پدر بگیرد اما...
تمام آزاده‌ها برگشتند و پانتهآ از ۱۴ سالگی‌اش که خبر شهادت پدرش را دادند، می‌گوید: «سال ۱۳۷۰ فرماندهان نیروی هوایی به منزل ما آمدند و شهادت بابا را اعلام کردند؛ پذیرفتن خبر شهادت پدرم برای من خیلی سخت بود چون تمام آرزوها و برنامه‌هایی که برای بازگشت پدر در ذهنم داشتم، همه برای من نقش بر آب شده بود.
در آن روز فرماندهان لوح شهادت را به منزل آوردند؛ من به فرمانده نیروی هوایی گفتم: آرزوی من این بود که باهم برویم به استقبال بابا و این حلقه گل را دور گردن بابا بگذارم؛ اما الان این حلقه گل را روی لوح شهادت پدرم باید بگذارم. همان موقع هم فرماندهان خیلی منقلب شدند؛ مرا عمو جان خطاب کردند و گفتند: همه ما هستیم و خودمان را مدیون شهید صالحی می‌دانیم.
هر کدام از آنها خاطرات و حرف‌های بابا را برای من بازگو کردند؛ بابا به دوستانش هم گفته بود که نمی‌خواهم روی زمین بمیرم؛ جایگاه اصلی انسان روی این زمین خاکی نیست؛ ما روی زمین آمدیم تا از این طریق به معبود خودمان برسیم. شهادت راه میانبری است که ما را زودتر به این مرحله می‌رساند.
پانتهآ دوباره از آرزوهای دوران کودکی‌اش می‌گوید: «من با این آرزو بزرگ شدم که مثل بقیه بچه‌ها باشم. هر زمان به هر جایی که می‌رفتم و هر کسی را که می‌دیدم پدرش او را بغل می‌کند، بغضی گلویم را می‌گرفت اما مادر این آرامش را به من می‌داد که پدر تو یک آدم شجاعی بوده که به خاطر یک ملت و کشورش از همسر و فرزندش می‌گذرد و می‌رود».
او ادامه می‌دهد: «خیلی وقت‌ها به مادر می‌گفتم: خیلی‌های دیگر هم بودند؛ پس چرا بابا رفت؟ مادر می‌گفت: بابا به من گفت" در این جور مواقع وظیفه است و الان خاک و کشور ما می‌طلبد که برویم».
دختر شهید «محمد صالحی» از کمک پدر در پیشامدها و مشکلات می‌گوید: «در طول دورانی که من و مادر باهم زندگی کردیم، با مشکلات متعددی روبرو شدیم؛ شب‌ها قبل از خواب مسائل را به بابا می‌گفتم؛ بابا هم به خوابم می‌آمد و راهکار را نشان می‌داد. معمولاً هفته‌ای یک بار به قطعه ۵۰ گلزار شهدای بهشت زهرا(س) که یادبود ۸۰ شهید جاویدالاثر نیروی هوایی است، می‌رویم. یادبود بابا هم در آنجاست؛ چند وقتی بود که در دلتنگی‌هایم به آنجا می‌رفتم و گریه می‌کردم؛ یک شب بابا به خوابم آمد؛ مرا در آغوش گرفت و گفت: تو هر کاری بخواهی من برای تو انجام می‌دهم؛ فقط تو گریه نکن؛ وقتی تو اشک می‌ریزی، بدن من می‌لرزد و عرش خدا تکان می‌خورد. صبح که از خواب بیدار شدم؛ احساسم این بود که آن دیدار رؤیایی حقیقی بود؛ چون هنوز بابا را احساس می‌کردم.
یک بار هم مادر به شدت دچار کمردرد شد؛ طوری که نمی‌توانست راه برود و او را با ویلچر جابه جا می‌کردیم؛ پدرم به خوابم آمد و آدرس یک پزشک را داد؛ مشکل مامان با استفاده نسخه دارویی آن پزشک، برطرف شد».
این دختر شهید می‌گوید: «وقتی که از جامعه و مردم دلم می‌شکست، مادرم به من می‌گفت: بدان که دختر چه کسی هستی؟ نباید که طوفان‌ها تو را از پا در بیاورد. باید شجاعت را از پدرش یاد بگیری! پدرت می‌گفت: زندگی در اوج درد یعنی مبارزه؛ شادی در اوج غم یعنی توکل؛ شکرگزاری در اوج رنج یعنی ایمان؛ پس تو که دختر همان مرد شجاع هستی، این جملات را در زندگی‌ات پیاده کن.
در مشکلات، فکر کردن به پدرم، باعث می‌شود که از جایم بلند شوم. گاهی هم گله می‌کردم که چرا این اتفاق افتاد؛ اما با دیدن پیشرفت‌های امروز کشورم به پدرم افتخار می‌کنم که شجاع بود و بی‌تفاوت نگذشت؛ در حالی که خیلی‌ها امروز بی‌تفاوت می‌گذرند. پدرم با دیدن مشکلی که برای ملت و کشورش اتفاق افتاده بود، خیلی مردانه ایستاد و امروز مسئولیت من که فرزندش هستم، را سنگین‌تر می‌کند».
«پانتهآ صالحی» دانشجوی کارشناسی ارشد تغذیه در دانشگاه شهید بهشتی است؛ علاوه بر این، کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی را اخذ کرده است؛ وی مدت کوتاهی هم برای ادامه تحصیل به انگلیس رفت؛ اما به خاطر تنهایی مادرش نتوانست تحمل کند لذا برای ادامه تحصیل به کشور بازگشت.

منابع

۱. نیروی هوائی ایران
۲. شهدا و جانباختگان نیروی هوائی www.centralclubs.com
۳. دفتر مطالعات نهاجا

عملیات هوایی ۱۴۰ فروندی

صدام بعد از عملیات کمان ۹۹ (سایه البرز) شصت درصد از توان هوایی خود را از دست داد.

سرهنگ معلم خلبان حسین شاهین نژاد | نایب رئیس کانون خلبانان ایران (NGO)

عملیات کمان ۹۹ یا سایه البرز اولین عملیات هوایی گسترده‌ای بود که توسط نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از حمله عراق به ایران انجام گرفت. در تاریخ ۱ مهر ۱۳۵۹ ۱۴۰ فروند هواپیمای نیروی هوایی از مرزهای مشترک دو کشور عبور کردند و اهداف نظامی را در عمق خاک عراق از جمله: فرودگاه‌ها، آشیانه‌های هواپیما، مخازن سوخت، پل های راهبردی ، نیروگاه های برق و پالایشگاه ها در مناطق کرکوک، موصل، بغداد، حبانیه، ناصریه، شعیبیه، کوت و المثنی را مورد هدف قرار دادند. کمان ۹۹ بزرگ‌ترین عملیات تاریخ نیروی هوایی ایران و عملیاتی بسیار موفق بود و باعث برتری هوایی ارتش ایران در ماه‌های آغازین جنگ شد. سرهنگ معلم خلبان حسین شاهین نژاد نایب رئیس کانون خلبانان ایران (NGO) درباره این عملیات می گوید.

در خصوص عملیات ۱۴۰ فروند نیروی هوایی ارتش می خواهیم قدری وارد جزئیات شویم و از کلیاتی که در رسانه‌ها عنوان می‌شود عبور کنیم. با این که اوایل انقلاب بود و ارتش جمهوری اسلامی به لحاظ ساختاری دستخوش تحولات بسیاری خصوصاً در بعد مدیریتی شده بود این میزان آمادگی از کجا نشات می گرفت؟

ابتدا لازم است قدری به عقب برگردم. باید عرض کنم که انقلاب ما انقلابی است که از محرم و عاشورا نشات گرفته است و امام خمینی(ره) هم مکرر به این مسئله تاکید داشتند: که خون بر شمشیرییروز است، میخواهم پیام عاشورا را به این صورت از دید خود مطرح کنم، همان صحبتی که در آخرین لحظات سیدالشهدا(ع) داشتند. ایشان در لحظه‌ای که در گودال قتلگاه بودند در مقابل درخواستی که یزیدیان از ایشان کردند که تسلیم شوند و جان خود و خانواده خود را نجات دهد، ایشان فرمودند:« **إن کان دینُ محمّدٍ لم یستقم إلّا بقتلی، فیا سیوف خذینی**» و به تعبیر ما این شعر زیبا است که «**بزرگ فلسفه مرگ شاه دین این است/ که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است**»

ایشان در آن شرایط مرگ سرخ را انتخاب کردند و به راهی رفتند که امروز بعد از ۱۴۰۰ سال ما هم همان راه را ادامه می‌دهیم، و مرگ سرخ و شهادت را در برابر تسلیم به متجاوزان به تمامیت ارضی سرزمین مادریمان ایران را و تعدی و تجاوز به مردم شریف و قدر شناسمان را، انتخاب کرده ایم، مسئله دیگری که لازم است اشاره کنم این است که امام(ره) که در سال ۴۲ توسط ساواک دستگیر شدند و آن زمان پاکروان رئیس ساواک بود وقتی ایشان را به تهران آوردند پاکروان ضمن ملاقات با آیت الله خمینی به ایشان گفت با چه عده وُعده‌ایی در مقابل اعلاحضرت ایستاده‌اید و با شاه مخالفت می‌کنید؟ ایشان فرمودند «سربازان من در گهواره‌ها هستند». این جمله‌ای است که با سادگی بیان کردند ولی بنده معتقدم تحلیل گران و پژوهشگران باید روی این کار کنند.

بعد از سال ۴۲ تا امروز شاهد هستیم فرزندان امام همه جا حضور دارند. در جبهه‌های سوریه، در عراق و در هر جایی که لازم باشد از این انقلاب دفاع می‌کنند، این جوان‌ها کسانی هستند که هرگز امام ره را ندیده اند، کسانی هستند که دوران سخت و تعین کننده انقلاب مردم ایران را درک نکرده اند و اکثراً بعد از اتمام جنگ تحمیلی و دفاع مقدس پا به جهان هستی گذاشته اند ، اما امروز با چنان جسارت و شهامتی جان در راه آرمان‌های خمینی کبیر می‌گذارند و آنگونه برای اقتدار و عظمت کشور عزیزشان تلاش می‌کنند که انگار امام زنده اند و آنها را راهبری می‌کنند، آری بطن های مادران این سرزمین و گهواره‌های آنان همواره آبستن فرزندان روح الله هستند و این همان نکته‌ایی است که جهان مادی امروز قادر به درک و فهم آن نیست و در واقع سلاح سری و راهبردی جمهوری اسلامی است. اگر چه ما در دوران انقلاب اسلامی خسارت‌های زیادی در عرصه‌های مختلف دیدیم. دست‌هایی در کار بود اعم از توده‌ای‌ها،چریک‌هایی فدائی و کسانی که در ارتش نفوذ کرده بودند، ارتش را تضعیف کردند، تجزیه کردند و باعث شدند توازن قوایی که بین ما و عراق برای سال‌ها وجود داشت و عراق به خود اجازه نمی‌داد و جرات نمی‌کرد که به ایران نگاه چپ کند بهم خورد و در نهایت صدام به ما حمله کرد.

البته اطلاعاتی که داشتند بخشی درست و بخشی نادرست بود. آنها ملت ایران را به درستی نشناخته بودند فقط به صدام گفته بودند که ارتش تضعیف شده و نیروی هوایی بعد از کودتای نقاب تعداد زیادی از خلبانان مجرب خود را از دست داده است. الان هم زمانی است که می‌توانید حمله کنید و انتقام قرارداد ۱۹۷۵ را که شاه به شما تحمیل کرد بگیرید.

در واقع صدام را فریب دادند و او هم به خاطر این که در سال ۴۸ در اروند رود و هنگام عبور کشتی « ابن سینا » از ما تودهنی خورده بود و در مسائل میمک در سال ۵۲ و درگیری که با نیروی نظامی ایران داشت، شکست خورده بود بنابراین فرصت را مغتنم دانست و دست به این حماقت زد.

در اینجا از بعد دیگری لازم است اشاره کنم که وقتی انقلاب اسلامی ما

پیروز شد یکی از استراتژیست‌های اروپا به نام فرانسوا میتران که دو دوره هم رئیس‌جمهور فرانسه بود، در جلسه محرمانه‌ای که در جزیره گوادالوپ انجام شد تاکید کرد باید با این انقلاب مقابله شود، او که یک تحلیل گر قوی بود و دقیقا و از نزدیک حضرت امام(ره) را هنگام اقامتشان در «نوفل لوشاتو» زیر نظر داشت، به سران حاضر در گوادلوپ گفته بود: که اگر امروز با خمینی و این انقلاب مقابله نکنیم در آینده نزدیک احتمالاً شمال افریقا و اکثر کشورهای اسلامی دچار مسائل و مشکلات مختلف می‌شوند.

بنابراین غرب وشرق که همواره در مسائل جهانی در مقابل هم بودند اینبار در کنار هم و مشغول توطئه برای براندازی انقلاب نوپای مردم ایران کردند و در این راه راهبردهای مختلفی را برای مواجه با انقلاب اسلامی ایران انتخاب کردند و یک به یک انجام دادند. از حمله نظامی به طبس گرفته تا ایجاد آشوب و درگیری بین قومیت های مختلف به وسیله نفوذی‌هایی که داخل ایران داشتند اقوام را به جان هم انداختند و کارهایی که می‌توانستند انجام دهند، همه را یک به یک انجام دادند اما در مقابل وحدت و هوشمندی مردم ایران کاری از پیش نبردند و تیرشان به سنگ خورد ، در نهایت تصمیم گرفتند با توجه به بلندپروازی‌هایی که صدام داشت و عامل خودشان بود، به ایران حمله نظامی کنند.

همانطور که اطلاع دارید در ۳۱ شهریور عراق ناجوانمردانه و ناگهانی با ۱۹۲ فروند هواپیما به ۱۰ پایگاه نظامی و فرودگاه ما حمله کرد. آنها فکر می‌کردند ما نمی‌توانیم پاسخی به آنها بدهیم البته دو ساعت بعد از آن حمله ما اولین پاسخ را در قالب عملیات «انتقام» به آنها دادیم.

به طور دقیق ۴ فروند هواپیما از پایگاه سوم شکاری همدان و ۴ فروند از پایگاه شکاری بوشهر به عراق حمله کردند و پایگاه الرشید و پایگاه شعیبیه را بمباران کردند اما عملیات اصلی کمان ۹۹ بود. نمی‌دانم تا چه حدی اطلاع دارید، معمولاً کشورها در زمان صلح اطلاعات لازم را از کشورهای هدف جمع‌آوری می‌کنند و اینها را به صورت طرح های عملیاتی درمی‌آوردند و در دفاتر ویژه نیروهای مختلف نگهداری می کنند. البته این اطلاعات مرتب به روز می‌شود. با توجه به تغییراتی که در قدرت نظامی کشور هدف ایجاد می‌شود لازم است این اطلاعات را به روز کنیم که همواره قابل استفاده باشد. در دوران رژیم گذشته هم این اتفاق رخ داده بود و ما طرح های متنوعی درباره کشور عراق داشتیم که یکی از آن طرح ها طرح معروف به سایه البرز بود. سایه البرز را زمانی که عراق حمله کرد شهید سرهنگ جواد فکوری، فرمانده نیروهوایی بلافاصله به دفتر ویژه دستور دادند که طرح‌های عملیاتی مربوط به عراق را مطالعه کنند و همان شب تصمیم گرفته شد طرح سایه البرز را اجرایی کنند.

چون در داستان‌های شاهنامه آمده است که پس از پیروزی بر کشور طوران آرش کمانگیر با پرتاب تیر مرزهای ایران را مشخص کرد بنابراین نام کمان را برای آن انتخاب کردند و چون اوراق طرح ۹۹ صفحه بود لذا نام کمان ۹۹ را برای طرح سایه البرز انتخاب کردند.

این که در ارتش برای عملیات‌ها نام های اسطوره‌ای انتخاب می‌کنند درست است؟

این بستگی به سلیقه فرماندهان و شرایط روز جامعه دارد. در آن برهه مسائل ملی و میهنی باعث شد از نام آرش کمان‌گیر استفاده کنند و نام کمان ۹۹ انتخاب شد. لذا به تمام پایگاه‌های عملیاتی دستور داده شد که طرح سایه البرز با نام جدید کمان ۹۹ را اجرایی کنند و سریعاً توسط پیک‌های ویژه دستورات لازم شبانه به پایگاه‌ها داده شد و از همان لحظه تیم‌های نگهداری ما، بارگیری مهمات را روی هواپیماهای مختلف شروع کردند، لازم به ذکر است چنین کار بزرگی تنها از پرسنل ورزیده و آموزش دیده بر می‌آید و در منطقه ما نیروی هوایی ایران بدون شک بی‌رقیب بود.

من باید عرض کنم در آن روز یکم مهر ماه ۵۹ بیش از ۲۸۰ و یا شاید نزدیک به ۳۰۰ فروند هواپیما به پرواز درآمد که از این تعداد ۱۴۰ فروند از مرز عبور کردند و ۱۵ پایگاه مهم عراق را در مقابل ده پایگاه ما که بمباران کرده بودند، بمباران کردند. اگر بخواهم ریز این را اشاره کنم تا جایی که در اسناد دیدم ۴۸ فروند هواپیمای اف۵ از پایگاه دوم شکاری تبریز بلند شدند و پایگاه هوایی موصل را در هم کوبیدند.

۴۰ فروند هواپیمای اف۵ از پایگاه چهارم شکاری دزفول پایگاه ناصریه را بمباران کردند و مخازن سوخت آنها و باند پروازی و آشیانه‌های هواپیما را منهدم کردند. ۱۶ فروند هواپیمای فانتوم اف ۴ از پایگاه سوم شکاری شهید نوژه همدان پایگاه کوت را ساقط کردند. ۱۶ فروند از بوشهر به پایگاه شعیبیه حمله کردند و آنجا را از دور عملیاتی خارج کردند.

۱۲ فروند هواپیمای اف۴ از مهرآباد به سوی بغداد رفتند. می‌دانیدکه بزرگ‌ترین پایگاه هوایی عراق در بغداد به نام پایگاه الرشید است که صدام روی آن حساب ویژه‌ای باز کرده بود. این هواپیماها رفتند و پایگاه الرشید بغداد را بمباران کردند و پالایشگاه الدوره را که نزدیک بغداد بود بمباران کردند. بعد از این عملیات البته ۸ فروند از همدان دوباره رفتند و پایگاه حبانیه بغداد را بمباران کردند و در این عملیات بیش از ۴۰۰ خلبان به پرواز درآمدند و ۱۴۰ فروند از مرز عبور کردند.

اطلاعاتی که بعداً ما به دست آوردیم نیروی هوایی عراق بعد از این عملیات ۵۵ تا ٦٠ درصد از توان رزمی خود را از دست داد و همانطور که گفتم مهم‌ترین پایگاه عراق یعنی پایگاه الرشید تا ٦٩ روز بعد از عملیات کمان ۹۹ قدرت عملیاتی نداشت یعنی هیچ پرواز عملیاتی از پایگاه الرشید انجام نشد.

در عملیات کمان ۹۹ یا سایه البرز بیشتر منابع عراق شامل پایگاه‌های هوایی، فرودگاه‌ها، مخازن سوخت، انبار مهمات، آشیانه‌ها، پالایشگاه‌ها، ایستگاه‌های راداری که به سمت ایران بود و هواپیماهای ما را رهگیری می‌کرد، مراکز مخابراتی و پایگاه‌های مختلف از بین رفتند و برای آنها باورکردنی نبود که بتوانیم ده ساعت بعد از حمله ناجوانمردانه آنها این گونه به آنها پاسخ دهیم.

در اسنادی که بعدها «حزب الدعوه» عراق پس از آنکه این کشور از یوغ امریکا رها شد به ما تحویل داد آمده است که صدام بعد از عملیات کمان ۹۹ سفیر امریکا را احضار کرد و با عصبانیت بر سر او فریاد کشید که شما به ما گفته بودید نیروی هوایی ایران از بین رفته است پس اینها چه کسانی بودند که آمدند و پایگاه‌ها و فرودگاه‌های ما را بمباران کردند.

در کل عملیاتی که آن روز انجام شد، هواپیمای ۷۰۷ و ۷۴۷ در مناطق ایستایی خود از شمال غرب تا جنوب غرب و در طول مرز مشترک ما با عراق ، مشغول سوخت‌رسانی برای جنگنده هایی بودند که در عملیات صدمه دیدند و منابع سوخت آنها آسیب دیده بود و سوخت را از دست داده بودند و همچنین حدود ۶۰ فروند هواپیمای فوق مدرن اف۱۴ که فقط در اختیار نیروی هوایی ما و امریکا بود و به خاطر تجهیزات و سیستم های پیچیده‌ایی که داشت امریکایی‌ها گفته بودند اگر ما از ایران برویم نیروی هوایی ایران هرگز قادر نیست هواپیمای اف۱۴ را به پرواز درآورد، در آن روز خاص حدود ۶۰ فروند اف۱۴ از پایگاه های هوایی شیراز و اصفهان بلند شدند و در تمام هزار و ۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک ما چتر هوایی را گسترده بودند که اگر هواپیماهای رهگیر عراقی خواستند هواپیماهای ما را بعد از بمباران دنبال کنند و به آنها صدمه بزنند وارد عمل شوند و در مقابل آنها بایستند چون بیشتر هواپیماهای ما که برای بمباران رفته بودند موشک و سلاح دفاعی با خود نبرده بودند و تا جایی که می‌توانستند بمب لود کرده بودند که بتوانند هدف‌های خود را کاملاً بمباران کنند و از بین ببرند.

هواپیماهای C۱۳۰ که به نام خفاش معروف است و همانند آواکس عمل میکند در منطقه پرواز می‌کرد و تمام حرکت‌های عراق را شنود و رهگیری می‌کردد و بلافاصله به پست های فرماندهی اطلاع می‌داد، و همزمان با انجام پروازهای لجستیکی منظم وسایل و امکانات لازم را به پایگاه ها منتقل و توسط یگان‌های بالگرد سریعاً به خطوط مقدم ارسال میشد تا رزمندگان از نظر پشتیبانی در مضیقه نباشند ، این خلاصه ایی بود از عملیات کمان ۹۹ و یا سایه البرز که من مختصر و مفید برای شما بازگو کردم.

اهمیت و جایگاه این عملیات ظاهراً از دو جهت است؛ اول این که میزان خسارات وارده به تجهیزات عراق زیاد بود، دوم آنکه در تحلیل نظامی و استراتژیک عراقی‌ها تاثیر به سزایی داشت.

باید اشاره کنم که ما در آن زمان دو ابرقدرت و دو پیمان نظامی ناتو و ورشو را در جهان داشتیم. این دو پیمان هرگز با هم در یک طرف قرار نمی گرفتند. یعنی اگر امریکا وارد ویتنام می‌شد بلافاصله اتحاد جماهیر شوروی به ویتنام کمک می کرد که در مقابل امریکا بایستد.

اگر امریکا برای کره شاخ و شانه می‌کشید بلافاصله شوروی به کره شمالی کمک می‌کرد تا امریکا نتواند از آن جنگ پیروز خارج شود و زمانیکه روس‌ها به افغانستان آمدند امریکا از هیچ تلاشی برای شکست روس‌ها در آن کشور کوتاهی نکرد، اما تنها موردی که این دو در کنار هم ایستادند در حمایت از صدام بود. حتی در آغاز عملیات و حمله به ایران آقای دونالد رامسفلد شخصاً به عراق رفت و به صدام اطمینان داد که ما کنار شماییم و به لحاظ اطلاعاتی و عملیاتی و تسلیحاتی از شما حمایت می‌کنیم.

شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس هم خود را کامل در اختیار صدام قرار داده بودند و با دلارهای نفتی از او حمایت می‌کردند و شاهد بودیم که صدام افلقی با اشغال کویت اینگونه از آنها تشکر کرد! بنابراین آن نطقی که صدام قبل از حمله کرد و اعلام کرد جنگ قادسیه شروع شده و من سه روز دیگر در اهواز هستم و ۵ روز دیگر در تهران هستم باور صدام بود.

بر مبنای اطلاعاتی که به صدام داده بودند او فکر می‌کرد ارتش ایران کامل از بین رفته و نیروهای ما کاملاً تحلیل رفتند و او می‌تواند به راحتی بیاید و کار خود را انجام دهد. خصوصاً آن پیروزی‌هایی که روزهای اولیه جنگ در منطقه خوزستان به دست آورد یعنی نیروهای زرهی توانستند تا نزدیکی اهواز و خرمشهر و شوش نفوذ کنند امر را بر او مشتبه کرد.

لشگر ۹۲ زرهی که یکی از نیروهای استراتژیک ما بود، از بین رفته بود و فرمانده لشگر را دستگیر کرده بودند و حتی فرماندهی تیپ‌های زرهی این لشگر به یکی دو سرگرد مخابرات داده شده بود. یعنی آن لشگری که اسم آن عراقی‌ها را به وحشت می‌انداخت از بین رفته بود.

نیروی زمینی ما نمی‌توانست در ان زمان کار موثری انجام دهد. سپاه هم هنوز به آن صورت تشکیل نشده بود و بچه‌های کمیته در کردستان و در برخی از شهرها بودند که با ضدانقلاب می‌جنگیدند. و لذا صدام افلقی بر این باور بود که کارتمام است.

اما عملیات سایه البرز یا کمان ۹۹ تمام حساب‌های آنها و برآورد هایشان را نقش بر آب کرد و غافلگیر شدند. برخورد صدام با سفیر امریکا که به خود جرات داد سر او فریاد بزند و بگوید شما به ما اطلاعات غلط دادید و این که امریکایی‌هایی می‌گفتند ما از ایران برویم تمام اف۱۴ ها زمین‌گیر می‌شود و نیروی هوایی ایران قادر به پرواز دادن این جنگنده های مدرن و پیشرفته نمی‌شود، و از سوی دیگر شوروی‌ها مدرن‌ترین تجهیزات را در اختیار صدام قرار دادند که صدام ادعا می‌کرد پدافند هوایی بغداد همانند پدافند هوایی مسکو است و در دوران جنگ سرد همه دنیا معتقد بودند قوی‌ترین پدافند دنیا را شهر مسکو دارد.

یعنی اتحاد جماهیر شوروی قوی‌ترین پدافند را دارد و صدام می‌گفت بغداد ما همانند مسکو است. وقتی هواپیماهای ما نه یک بار و نه دو بار بلکه به صورت مداوم حمله کردند و فرودگاه الرشید را زیرورو کردند و پالایشگاه بغداد را به آتش کشیدند و یکباره تمام پایگاه‌های عراق که شامل ۱۵ پایگاه عملیاتی بود را از بین بردند، به لحاظ روحی و روانی کمر صدام را شکست و در همان ده روز اول جنگ دنبال یک نفر می‌گشت که با ایران سر میز مذاکره بنشینند و صلح کند، او در روز ششم جنگ حتی با طرح سازمان ملل برای آتش بس موافقت کرد.

این عملیات موفق از دیگر سو نیروهای ما که نصفه و نیمه در مقابل عراق صف‌بندی کرده بودند را روحیه داد و باعث شد با یک توان عملیاتی بیشتری در مقابل آنها بایستند و مهم‌تر از همه برتری هوایی عراق تقریباً در سه ماهه اول جنگ از بین رفت چون عراق برتری هوایی کاملی نسبت به ایران داشت و با این عملیات ۱۴۰ فروند آن برتری هوایی از بین رفت و نیروی هوایی ما توانست از نیروهای زمینی که هنوز سنگرهای خود را آماده نکرده بودند و در مقابل نیروهای متجاوز عراق در مقابل ۱۲ لشگر شاید دو الی سه لشگر نصفه و نیمه داشتیم، حمایت کند و زمان لازم را برای انتقال لشگرهای زاهدان، قزوین و لشگر پیروز خراسان به مناطق درگیری در اختیار فرماندهان نیروی زمینی قهرمانمان قرار دهد. اما نیروی هوایی با شجاعت و رشادت کاری که یک نفر پیاده با آرپی‌جی ۷ باید انجام دهد و تانک بزند را با هواپیمای استراتژیک فانتوم ۴اف انجام می‌داد تا فشار روی نیروهای زمینی ما کمتر شود، این باعث شد در

همان ۴-۳ ماهه اول جنگ نزدیک ۶۰ خلبان را از دست بدهیم.
برای حفظ برتری هوایی و پشتیبانی نزدیک از نیروهای زمینی که هنوز قدرت لازم را نداشتند تا در مقابل عراق بایستند، این تعداد هواپیما و خلبان را از دست دادیم. بنابراین نقطه قوت عملیات این بود که عراق ۴-۳ ماه برتری هوایی را از دست داد و هواپیماها به شدت آسیب دیدند و فرانسه و امریکا و اتحادیه جماهیر شوروی مجبور شدند سریعاً هواپیما و تجهیزات جدیدی را جایگزین کنند، خلبان‌های عراقی نیز روحیه خود را از دست داده بودند چون تعدادی از آنها در درگیری هوایی با مدافعان آسمان ایران اسلامی سرنگون شده بودند.
من فکر می‌کنم این دو الی سه موردی که گفتم مهم‌ترین نتایج عملیات کمان ۹۹ بود مضاف بر این که تعداد زیادی هواپیما و پرسنل عراق روی زمین از بین رفتند و خطوط مواصلاتی و پل‌هایی بزرگی که روی دجله و فرات بود در این عملیات کمان ۹۹ از بین رفت. نیروهای عراق نمی‌توانستند به راحتی لشگرهای مکانیزه خود را به سمت مرزهای ایران بفرستند و از نیروهایی که در خط مقدم نبرد داشتند بخوبی پشتیبانی و حمایت کنند.

با توجه به این که محدودیت‌هایی داشتیم و به ما تجهیزات و قطعات نمی‌دادند، موفقیت‌های نیروی هوایی در طول جنگ تحمیلی چقدر ادامه داشت؟

علی رغم تمام مشکلاتی که به آن اشاره کردید اولاً در همان سال‌های ابتدائی جنگ دانشکده های خلبانی راه‌اندازی شدند تا خلبان‌ها جایگزین شوند. خیلی طرح موفقی بود و هواپیماها را با امکانات داخلی که داشتیم سعی کردیم تعمیر و به روزرسانی کنیم.
بعد از کمان ۹۹ یکی از عملیات‌های موفقی که من می‌توانم نام ببرم. عملیات حمله به اچ ۳ و عملیات الولید بود. صدام و فرماندهان نیروی عراقی به خاطر این که هواپیماهای عملیاتی خود را از دسترس نیروهای ما در امان نگه دارند دستور دادند از پایگاه‌های اچ ۳ استفاده کنند. اچ ۳ سه پایگاهی است که در نزدیکی مرز اردن قرار دارد و به هیچ وجه هواپیماهای موجود ما قادر نبودند به آنجا صدمه بزنند و نیاز به بمب‌افکن راهبردی سنگین داشت که حداقل بتواند ۴-۳ ساعت پرواز کند و این کار را انجام دهد چون ۳ هزار کیلومتر با پایگاه های عملیاتی ما فاصله داشت.
با انجام عملیات الولید و حمله به اچ ۳ یک حماسه‌ای آفریده شد که همانند کتاب قانون ابوعلی سینا که هنوز در بسیاری از دانشگاه‌ها تدریس می‌شود من فکر می‌کنم عملیات اچ ۳ از آن نوع عملیات‌هایی است که باید سال‌های سال در دانشکده‌های نظامی جهان تدریس شود. این که ۸ فروند هواپیمای اف۴ را ۳هزارکیلومتر از روی خاک دشمن پرواز دهید و اینها سه‌بار سوختگیری کنند که یک بار موقع رفتن بر روی دریاچه ارومیه و در ارتفاع پائین که سوختگیری بسیار سخت است و نیاز به خلبان‌های مجرب و متخصص دارد. سوختگیری بعدی در مرز ترکیه و عراق در بین کوه‌های شمال عراق است و بسیار سخت است و هواپیماهای ۷۴۷ و ۷۰۷ ما با تمام مشکلاتی که متصور بود و بدون هیچ پوشش هوایی وارد خاک دشمن شدند و در آنجا نفوذ کردند و در ارتفاع ۵۰۰ پایی دوباره سوخت رسانی کردند تا شکاری ها بتوانند ماموریت خود را بخوبی انجام دهند و آن سه پایگاه را منهدم کردند. تصور کنید اگر این اقدام متهورانه بچه‌های سوخت‌رسان با شکست مواجه می‌شد، تمام شانزده خلبان ما می‌باید در آن مناطق صعب العبور هواپیما را ترک می‌کردند و در نتیجه ما هشت هواپیما و شانزده خلبان ورزیده را از دست می‌دادیم که ضربه‌ایی غیر قابل تحمل بود.
در یک روز ۴۸ فروند هواپیمای عراقی از بین رفت. این آمار کمی نیست. الان خیلی از نیروهای هوایی در دنیا هستند که تعداد هواپیمای جنگنده انها حدود ۶۰-۵۰ فروند است. همه مثل برخی از کشورهای خلیج فارس پول دارند نیستند که بتوانند رقم‌های بالا و تعداد بالا هواپیما داشته باشند. کشورهای امریکای جنوبی و افریقا شاید هواپیمای عملیاتی حدود ۴۰-۳۰ فروند داشته باشند. در یک روز و در یک عملیات ۴۸ فروند هواپیمای عراق را روی زمین از بین بردیم. هواپیماهایی که به روز بودند و آماده بودند به پایگاه های عملیاتی بیایند و علیه ما عملیات کنند.
بنابراین عملیات حمله به اچ ۳ را داشتیم که در دنیا بی‌نظیر است. همه اعتراف کردند که این یک کار نشدنی بود. حتی خلبان‌ها و مسئولین رژیم اشغالی قدس این را اذعان کردند و من در جایی خواندم که برای خلبانان ایرانی هورا کشیدند که این کار تخصصی بسیار قوی را انجام دادند چون خود آنها یکی دو کار این چنینی کرده بودند و با کماندو به افریقا رفته بودند و عده‌ای گروگان را نجات داده بودند ولی چنین عملیاتی با این پیچیدگی حتی آنها که این میزان ادعا دارند هرگز انجام نداده بودند.
بنابراین موفقیت های نیروی هوایی تا روز آخر تداوم داشت، اگرچه هر روز نیروی هوایی ما تحلیل می‌رفت و حتی نمی‌توانستیم کوچک‌ترین وسیله را از کشورهای دیگر تهیه کنیم. میگ ۲۹ و سوخوی ۲۴ را بعد از پایان جنگ به ما دادند. حتی اتحادیه جماهیر شوروی هم حاضر نبود کوچک‌ترین چیزی به ما بدهد و امریکا هم با ما قطع رابطه کرده بود و ما هیچ امکاناتی نداشتیم که بتوانیم هواپیما را جایگزین کنیم و هواپیمای جدیدی بگیریم.
می‌دانید که نیروی هوایی ما یک صد سال سابقه دارد. کمتر کشوری را داریم که ۱۰۰ سال سابقه نیروی هوایی داشته باشد. این بچه‌های متخصص و اینهایی که سال‌ها دوره در خارج از کشور دیده بودند هواپیماها را به روز و آماده کردند و ما توانستیم تا آخر جنگ ادامه دهیم. الان هم می‌بینید همان هواپیمای امریکایی و همان هواپیمای اف۱۴ که می‌گفتند اگر ما برویم ایرانی ها نمی‌توانند پرواز دهند، الان پرواز می‌کند و در پایگاه‌های بوشهر، چابهار از آسمان ایران و خلیج فارس حفاظت می‌کند، و آن زمان که بنیان گذار و معمار کبیر انقلاب در مورد برکات جنگ صحبت می‌کردند شاید خیلی ها تعجب کرده بودند، اما امروز میبینیم که با نگاه به درون و قطع وابستگی با ابرقدرتها ما را تبدیل به قدرتی با عمق راهبردی از مدیترانه تا خلیج عدن کرده و چون خاری در چشم دشمنان هستیم.
ما خسارات زیادی دیدیم اما نگاه به درون که مقام‌معظم‌رهبری(مدظله العالی) همیشه تاکید می کنند راهها را هموارکرد و ما توانستیم روی پای خود بایستیم و الحمدالله تا آخر جنگ و تا لحظه‌ای که دبیر کل سازمان ملل صدام را مقصر و شروع‌کننده جنگ اعلام کرد ما جنگ را ادامه دادیم و نیروی هوایی عراق اگرچه روز اولی که عراق به ما حمله کرد هواپیماهای ما تقریباً با عراق برابر بود و در پایان جنگ ما یک چهارم عراق هواپیما داشتیم و عراق هواپیمای دو برابری داشت و همه نو بودند، باز هم جرات و جسارت این که بتوانند آسیب جدی به ما بزنند را نداشت.
در پایان میخواهم بگویم که اگر چه ما خلبانان بازنشسته هستیم، و می‌خواهم تاکید کنم که ما هرگز خود را بازنشسته نمی‌دانیم. ما بازهای نشسته‌ای هستیم که چشم ما به انگشت اشاره فرمانده معظم کل قوا است. هر کجا که انگشت ایشان روی کره خاکی به آن سمت نشانه برود آن محل برای ما کربلا است و هر زمانی که ایشان ساعت صفر عملیات را اعلام کنند من قول می‌دهم فرزندان امام(ره) با رهبری خلف صالح ایشان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و فرمانده کل قوا چنان عاشورایی به پا خواهند کرد که دنیا متحیر شود.
ان‌شاالله آن پرچمی که امام(ره) بلندکردند بر مبنای این آیه شریفه که می‌گوید «**وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ...**» به دست صاحب اصلی اش حضرت ولی عصر(عج) بدهیم چرا که امروز محرم و عاشورا برای ما یک راهبرد و استراتژی است اگرچه قبل از انقلاب هم این دسته جات وجود داشت اما اینگونه با دل و جان مردم عجین نبود.
بنابراین این حماسه ادامه دارد و جای نگرانی نیست و ان‌شاالله از این گلوگاه و این پیچ اقتصادی که البته بیشتر سیاسی است تا اقتصادی عبور می کنیم و همانطور که در سوریه و عراق به تروریست ها سیلی زدیم از این تروریست اقتصادی «ترامپ» هم به سلامت عبور خواهیم کرد و این کشور به جایگاه عظیم و والای خود که لیاقت آن را دارد خواهد رسید و در پایان اشاره می‌کنم به این کلام حضرت امام(ره): **ملتی که شهادت دارد، اسارت ندارد.**

خاطرات سرتیپ آزاده خلبان غلامرضا یزد

گفتگوی اختصاصی با امیر آزاده سرتیپ خلبان غلامرضا یزد

تهیه و تنظیم | معلم خلبان محمد داود اردانی

بنده سرتیپ آزاده و جانباز هفتاد درصد خلبان غلامرضا یزد که در جنگ تحمیلی بمدّت ۹ سال و ده ماه و ۱۳ روز بصورت مفقودالاثر در زندان‌های بغداد در چنگال بعثیان عراق بسر بردم، پس از اخذ دیپلم از دبیرستان دکتر نصیری تهران، بعنوان سپاه دانش پس از گذراندن دورهٔ مقدماتی سربازی، در یکی از قراء مرزی شمال شرق ایران (مرز بین ایران و ترکمنستان) خدمت را شروع و مدت ۱۸ ماه در آن قریه که بنام قلعه بیگ نام داشت ۳۸ نفر از دانش‌آموزان آنجا را که کُرد کرمانژ بودند درس دادم، برای این دِه مدرسه‌ای شش کلاسه ساختم و برای آنها حمّام و جاده‌ها را مرمت نمودم و سپاهی ممتاز آن منطقه از طرف فرهنگ قوچان شدم، پس از پایان سربازی به استخدام نیروی هوائی درآمده و پس از گذراندن دورهٔ مقدماتی در دانشکدهٔ خلبانی به آمریکا اعزام و تمام مراحل دانشکده خلبانی آمریکا را اعم از درس‌های آکادمی و چتربازی و ... را با موفقیت به پایان رسانده و موفق به اخذ گواهینامه خلبانی در سال ۱۳۵۰ شمسی شدم. دورهٔ آموزشی رزمی هواپیمای اف۵ و اف۵ بی را در پایگاه وحدتی دِزفول گذرانده و از شاگردان ممتاز این دسته و همچنین در تیراندازی هوا به زمین با هواپیمای اف ۵ نفر اوّل شدم و در آن زمان از دست فرمانده پایگاه موفق به اخذ جایزه گردیده‌ام، پس از گذراندن آموزش رزمی هواپیمای اف ۵ عازم خدمت در پایگاه شاهرخی همدان (نوژه) بعنوان خلبان شکاری و پس از آن عازم پایگاه شکاری تبریز شدم (خلبان اوّلین هواپیمای شکاری که در باند تبریز نشست نیز بودم) در این مدّت پله‌های ترقّی این شغل را طی می‌نمودم، دورهٔ هواپیمای جدید اف ۵ که اِیی و اف بود را گذرانده و معلّم خلبان آنها شدم، مشاغلی که غیر از پرواز در این پایگاه‌ها داشتم، افسر ایمنی پرواز، رئیس پست فرماندهی پایگاه چهارم، سرپرست آشیانه آلرت، رئیس اطّلاعات عملیات پایگاه چهارم، جانشین پایگاه پنجم شکاری.

در جنگ تحمیلی پس از انجام بیش از صد سورتی پرواز برفراز عراق و بمباران مناطق مختلف در عراق و انهدام هواپیمای بمب افکن توپولوف ۱۶ در خاک عراق، در مورخه ۵۹/۸/۱۷ در یک مأموریت بمباران در نزدیکی شهر العماره عراق که در این مأموریت می‌بایست چادرهای فرماندهی سپاه چهار عراق را با چهار فروند هواپیما بمباران شود، شرکت نموده و بعلت بُعد مسافت هدف از پایگاه وحدتی مجبور شدم که از عملیات غافلگیرانه استفاده نمایم، یعنی از مبدأ مستقیم بطرف هدف پرواز و با دو فروند هواپیمای اف ۵ چادرهای فرماندهی سپاه چهار عراق را بمباران نمائیم. امّا متأسفانه این ماموریت به دو دلیل موفق

نشد، اوّل اینکه در آن زمان هر هواپیمائی که از باند پایگاه دِزفول بسمت عراق پرواز می‌نمودند بوسیله بی‌سیم‌های گروه‌های منافق که در نزدیکی‌های باند پروازی بودند باطّلاع عراقی‌ها می‌رسید و دوم اینکه بعلت مسطح بودن منطقه رادارهای دشمن قبل از رسیدن هواپیما به هدف آنرا رصد نموده و منتظر می ماندند. من لیدر دسته بودم، در خاک عراق کمی قبل از رسیدن به هدف ما را رصد نموده و منتظر و آماده حمله بودند، ناگهان حجم زیادی از گلوله‌های شلیک شده از ضد هوائی‌ها که دیوار آتش شدیدی بوجود آورده بود ما ار غافلگیر نمود، هواپیمای شماره ۲ تیم من که از دیدن این حجم از آتش گلوله‌ها شوکه شده بود، آنرا به من متذکر شد و من برای اینکه دو فروند هواپیما و خلبان آسیب نبینیم، به وی ابلاغ نمودم که تو برگرد، من از دیوار شدید آتش گلوله‌ها گذشتم که متأسفانه دماغ هواپیما بر اثر برخورد گلوله‌ها به آن صدمه دیده و از هواپیما جدا شد، در این زمان من روی هدف بودم، با اینکه هواپیما نقص پروازی داشت و امیدی برای برگشت به ایران نبود با سعی فراوان بمب‌ها را روی چادرها شلیک و در حال بررسی نتیجه بمباران بودم که موشکی از سکوی پرتاب موشک سام ۶ شلیک و به دم راست هواپیما اصابت کرد. شوک شدیدی به من وارد شد، بلافاصله پس از آن موشکی دیگر به سمت چک دُم هواپیما اصابت و هواپیما از تعادل پروازی خارج شده و شدیداً به راست و چپ و بطرف زمین تمایل می‌کرد. من فرمان هواپیما را سفت چسبیده و دائماً از حضرت ابوالفضل طلب کمک می کردم. اگر کمی فرصت داشتم بیابانی در روبرو بود که می‌توانستم در آنجا از هواپیما با چتر بیرون بپرم، اما موشک سوّمی که از سکو شلیک شد، هواپیمای مرا بچند تیکه تقسیم نمود که این تکه‌ها در هوا پخش بود و من نیز با صندلی (که به آن بسته بودم و چتر در زیر این صندلی بود در هوا معلق شدم) در این موقع تمام لحظات زندگی از تقریباً سه سال و نیم تا آخرین لحظات قبل از پرواز مثل فیلمی از نظرم گذشت. چتر باز شد و خوشبختانه گلوله‌هائی که به طرف چترم شلیک می‌شد هیچکدام به من اصابت ننمود، با چتر فرودی خوب داشتم و زمانیکه چتر روی زمین نشست بعلت وزیدن بادی شدید چتر مرا با خود کشاند و من قبل از اینکه چتر را از خود جدا نمایم سربازان خشمگین که دوستانشان در این بمباران کشته شده بودند با پاشنه تفنگ و چوب و مشت و لگد به جان من افتاده و بازوی راستم را شکسته و دست چپم را از شانه خارج نمودند و آنقدر زدند که بیهوش شدم. در زیر زمین من به هوش آمدم و از آنجا مرا به بغداد روانه کردند و مدّت ۵ شبانه روز بازجوئی تحت شکنجه بودم و بقیه مدّت را در زندان انفرادی و در زندان‌های مختلف بغداد تا زمن بازگشت، گذراندم.

خاطره‌ای از بمباران‌های عراق

در غروب یکی از روزهای مهرماه سال ۱۳۵۹ به من مأموریتی ابلاغ گردید که می‌بایست صبح فردای آن روز مکانی در نزدیکی‌های شهر العماره عراق که به تانک‌های عراقی سوخت می‌داد را با دو فروند هواپیمای اف۵ بمباران می کردیم. فردا صبح زود، موقع طلوع آفتاب می‌بایست اجرائی می شد. به این نتیجه رسیدیم که این مکان تنها با شلیک راکت‌های هواپیما انجام خواهد شد، صبح با خلبان شماره۲ ملاقات و پس از توجیه کامل وی از این مأموریت و اعلام آمادگی وی، پبه سوی هواپیما رفته و هواپیماها را روشن نمودیم. در آخرین چک‌های بین دو هواپیما خلبان شماره۲ اعلام نمود که یکی از موتورهای هواپیمایش ایراد دارد و چون زمان کافی برای تعویض هواپیما وی وجود نداشت به وی اعلام نمودم که پروازش را کنسل کند و من تنهائی این مأموریت را انجام می‌دهم، بلافاصله سر باند رفته و از زمین بلند شده و بسوی عراق رهسپار شدم، خورشید تازه طلوع کرده بود که من بالای هدف مورد نظر بودم، در هنگام شلیک راکت‌های جنگی به هدف بودم و شیرجه کردم، ناگهان متوجه شدم که این ایستگاه چسبیده به شهر العماره است و در صورت شلیک راکت‌ها بطرف آن ایستگاه ممکن است به منازل اطراف این پمپ بنزین صدمات فراوانی وارد شود و غیرنظامیان که هنوز در خواب هستند از بین بروند، به ناچار از شلیک راکت‌ها از این سمت منصرف و دوباره اوج گرفته و سمت حمله را عوض نموده تا اگر راکت‌ها پخش شوند اصابت آنها در بیابان باشد، در این زمان بود ضد هوائی‌ها با خبر شده و شروع به شلیک بطرف هواپیمایم نمودند که خوشبختانه به هواپیمایم آسیبی نرسید و مأموریت بخوبی انجام و بطرف ایران عازم شدم، در راه برگشت از کنار دریاچه‌ای که جوفیر نام دارد گذشتم، در کنار این دریاچه متوّجه شدم که تانکی در کنار دریاچه بحالت نیمه کج که خراب شده بود ایستاده و راننده آن که تازه از خواب بیدار شده بود ناگهان متوجه عبور هواپیمایم از روی سرش شد، من از مسیرم دور زده و گفتم که هدف خوبی است برای زدن، آنگاه که آماده شلیک با گلوله بطرف تانک خراب شده بودم، متوجه شدم که راننده تانک موضوع را فهمیده و بحالت التماس نشان می‌داد که او و تانکش را نزنم، که من از زدن آن تانک خراب شده و راننده‌اش منصرف و گفتم خدا خواست که زنده بمانی. خاطرات زیاد دیگری از ایام پر محنت اسارت دارم که ان‌شاءالله در صورت موافقت آنرا خواهم نوشت.

نقش نیروی هوایی در برگزاری مراسم پرواز ملکوتی رهبر کبیر انقلاب اسلامی

تهیه و تنظیم | معلم خلبان کاپیتان محمد داود اردانی

درخرداد ماه۱۳٦۸ حضرت امام در بیمارستان قلب چمران بستری شده بودند و لحظه به لحظه وضعیت بیماری و جسمانی معظم اله بدتر می شد، صدا و سیما از امت حزب الله تقاضا نمود که برای سلامتی امام دعا کنند، حجت الاسلام رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه گفته بود «امام سفارش کرده مردم دعا کنند که خدا مرا قبول کند، ولی ما دعا می کنیم که خدا امام را از ما نگیرد.»

بنده(نگارنده) درآن زمان فرمانده گردان بالگردهای شینوک نیروی هوایی بودم و در همسایگی فرمانده تیپ شکاری به سر می بردم، ساعت ۱۰ شب زنگ منزل بصدا در آمد. در را باز کردم، چه جانسوز بود شنیدن خبر پرواز ملکوتی رهبر آزادگان شب ۱۴ خرداد ۶۸ قبل از اعلام رسمی از صدا وسیمای از زبان فرمانده تیپ شکاری امیرمسعود مافی و فراخوان خلبانان بالگرد لشکر خوبان برای بدرقه و وداع با فرمانده خود.

ساعت۰۰:۰۷ روز ١٤خرداد مجری تلویزیون آقای حیاتی با صدائی لرزان و حزن آلود گفت. بسم الله الرحمن الرحیم، إنّا للّه وإنّا إلیه رَاجِعُونَ، روح خدا به ملکوت اعلی پیوست.

باتوّجه به اینکه یکی از مأموریت های ذاتی نیروی هوایی(آشیانهٔ انقلاب) ترابری مقامات کشوری و میهمان و لشکری می باشد، در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز ۱۴ خرداد مسئولین یگانهای بالگرد کشور در سالن شهید یزدانی منطقهٔ هوایی مهر آباد فرا خوانده شدند و مسیرهای پروازی روز ۱۵ خرداد جناب سرهنگ محمّد جعفری طره‌ای تشریح گردید.

شرح ماجرا از زبان از پاسدار خلبان سیّدرضا محمّدی، قائم مقام فرماندهی وقت یگان هوایی کمیته (نزاجا)

در خرداد ماه سال ۱۳۶۸امام خمینی(ره) در بیمارستان قلب شهید چمران بستری شدند و لحظه به لحظه وضعیت بیماری و جسمی ایشان از صدا وسیما به اطلاع مردم ایران می‌رسید. مردم با تمام وجود به روش‌های مختلف با حضور در جماران، در مساجد و زیارتگاه‌ها دست به دعا بر داشته بودند، تا این حجّت خدا در روی زمین باقی بماند. عصر روز سیزدهم خرداد مسئول دفتر فرمانده کل کمیته انقلاب اسلامی حجت الاسلام سیّد سراج الدّین موسوی که مسئولیت مستقیم حفاظت از بیت حضرت امام بودند با دستگاه پیجر به من ابلاغ نمودند که با دفتر فرماندهی تماس حاصل نمایم در آن سال بنده به عنوان قائم مقام یگان هوایی کمیته انقلاب اسلامی مشغول به خدمت بودم.

عصر روز ۱۳ خرداد۱۳۶۸ ساعت ۱۶:۰۰ ،ضمن تماس با دفتر، آقای اله وردی، ابلاغ نمود، با یک فروند بالگرد به جماران پرواز کنید، تا در صورت نیاز و ضرورت جهت انتقال امام به فرودگاه و یا نیازهای پروازی از بالگرد استفاده شود و دردسترس باشید.

بنده به منطقهٔ هوایی مهرآباد تیپ شکاری محل استقرار بالگردها مراجعه نمودم و به جهت اهمیت پرواز از سرهنگ خلبان محمّد جعفری طره‌ای که جانشین تیپ شکاری و یکی از استاد خلبانان یگان بودند تقاضای مساعدت وهمکاری کردمایشان بعنوان استاد خلبان و بنده به عنوان خلبان به همراه مهندس پرواز در کابین قرار گرفتیم. به علّت ممنوعه بودن پرواز درمنطقهٔ جماران و آتش به اختیار بودن پدافند مراتب به فرماندهی کل کمیته اعلام و پیشنهاد شد در میدان صبحگاه شهید منتظری ستاد کمیته واقع در بیهقی مستقر شویم، تا در صورت اضطرار پس از هماهنگی به جماران پرواز نماییم.

ساعت ۱۷:۰۰ در میدان صبحگاه فرود آمدیم و در اطاق استراحت فرمانده مستقر شدیم. جناب سر هنگ جعفری به علّت مسئولیتش در تیپ شکاری، استاد خلبان سرهنگ محمود امینی فرمانده گردان تجسّس و نجات نیروی هوایی را جایگزین خود نمودند. من وایشان در ستاد کمیته آماده مأموریت پرواز بودیم.

متأسفانه ساعت ۱۰شب سیزدهم خرداد۶۸ روح الله الخمینی موسوی به لقائ الله پیوست. دفتر بیت طی تماس تلفنی ابلاغ فرمودند، همزمان با طلوع آفتاب ۶۸/۳/۱۴ به سمت جماران پرواز نموده و در زمین چمن اردوگاه شهید باهنر مستقر شوید. در آن شب هماهنگی‌های لازم با پدافند جماران و برج مراقبت مهرآباد جهت پرواز روز بعد انجام گردید.

روز ۶۸/۳/۱۴ همزمان با روشن شدن هوا به پرواز در آمدیم و در زمین چمن اردوگاه فرود آمدیم، در آنجا ۳نفر از مسئولین به اتفاق حاج احمد آقا و سیّد سراج الدین موسوی سوار بالگرد شدند و ما به سمت بهشت زهرا(س) به پرواز در آمدیم و پس از گشتی در اطراف و شناسائی زمین‌ها در قسمت جنوب غربی بهشت زهرا(س) فرود آمدیم.

جلسه ای درآنجا با حضور مسئولین شهرداری و بهشت زهرا جهت مکان دفن پیکر امام(ره) برگزار شد و همزمان ساعت ۷ صبح ۱۴خرداد ارتحال حضرت امام برای اوّلین بار توسط مجری اخبار آقای حیاتی با اشک و صدای بغض آلود پخش گردید"روح اله به لقائ الله پیوست" گریه تمام حاضرین بلند شد. با توجّه به وصیت نامه امام(ره) مبنی بر دفن در مکانی خارج از محل مزاحمت برای مردم موقع رفت و آمد بر سر قبر اموات خود تأکید شده بود زمینی در ضلع غربی بین بهشت زهرا و شرق اتوبان تهران-قم روبروی عوارضی مناسب تشخیص داده شد و میانه زمین جهت فرود بالگرد و برقراری امنیت و کندن مزار در دستور کار قرار گرفت. با هیئت همراه به جمارن باز گشتیم.

پیکر امام را درسرد خانه ای شیشه ای در بلندی در مصلی برای وداع با مردم قرار دادند. مردم شبانه روز فوج فوج برای زیارت و وداع به مصلّی هجوم می آوردند.

جناب سرهنگ خلبان محمود امینی فرمانده وقت گردان بالگردهای تجسّس و نجات نهاجا و هماهنگ کننده‌ی پروازهای مراسم ارتحال امام مستقر در پارکینگ بیهقی چنین اظهار می‌دارد، ۱۵خرداد، زمان انتقال پیکر حضرت امام به بهشت زهرا(س) فرا رسید، من به یادگار امام حاج احمد آقا خمینی عرض کردم، بالگردها آماده‌اند، ایشان فرمودند حضرت آقا باید با مردم بروند .

پیکر حضرت امام با کامیون سردخانه دار به سمت بهشت زهرا به راه افتاد، از پارکینگ بیهقی تا بهشت زهرا مردم سیاه پوش زنجیر وار با پای پیاده با چشمانی اشک باردر حالی که عزاداری می‌کردند در حرکت بودند، به علّت تراکم جمعیّت و حضور بیش از حد مردم حرکت به کندی صورت می گرفت. ما هم آماده بودیم. در این میان دو فروند بالگرد هوانیروز برای کمک بما ملحق شدند ،به یک فروند بالگرد هوانیروز به خلبانی سیّد حبیب الله ملکوتی و تیمسار محمّد انصاری مأموریت داده شد که بعنوان دیده بان پرواز و وضعیت را لحظه به لحظه برای تصمیم گیری مخابره نمایند.

در آن زمان اتوبانی به سمت بهشت زهرا وجود نداشت وجاده های معمولی نیزگنجایش اینهمه جمعیت را نداشتند. سرانجام گیر افتادن کامیون حامل حضرت امام در حوالی انبار نفت توسط بالگرد هوانیروز بما گزارش شد. در آن لحظه به خلبانان هوانیروز ابلاغ گردید که فرود آیند و پیکر حضرت امام را به بهشت زهرا انتقال دهند

بالگرد هم فرود می آید و پیکر امام را برداشته و به سمت بهشت زهرا به پرواز در می آید. در بهشت زهرا مکانی برای فرود بالگرد حامل پیکر حضرت امام(ره) و تدفین آن بزرگوار در نظر گرفته شده بود با کانکس محصور گردیده ونیروهای سپاه وکمیته از آن محوطه حفاظت میکردند و با قطعات سیمانی ساخت جان پناه در قسمت جنوب شرقی آن راهی برای عبور اتومبیل تعبیه شده بود.

اما خلبان هوانیروز بعلت توجیح نبودن در ضلع جنوبی محوطه ی حفاظت شده و در آخرین قسمت که مردم تجمع کرده بودند فرود می آید.

مردم به سمت بالگرد هجوم می آورند بطوریکه علاوه بر شکسته شدن تابوت، قسمتهایی از کفن امام را برای تبرک پاره کرده و برداشته بودند، بطوریکه با این وضعیت خاک سپاری مقدور نبود و مجبور شدند که پیکر آقا را برای پوشاندن دوباره‌ی خلعت به جماران باز گردانند، دراین راستا مأموریت به خلبان کیومرث پورثابت ابلاغ گردید.

باقی ماجرا از زبان خلبان پور ثابت

یکی از خاطرات غم انگیز و فراموش نشدنی من ارتحال امام بود. رئیس جمهوری پاکستان داخل بالگرد من بود از طریق رادیو اطلاع داده شد، پیکر امام(ره) را از بهشت زهرا(س) به جماران برگردانم، بلافاصله رئیس جمهوری پاکستان را در دانشکده افسری پیاده و بسوی بهشت زهرا پرواز نمودم، سیل جمعیت بیداد می‌کرد، در آن زمان فقط مأموریت این بود که امام(ره) را بر گردانم. در میان انبوه جمعیت عمل نشستن را انجام دادم. آقای ناطق نوری و چند نفر گارد جمهوری اسلامی کمک کردند تابوت امام راحل را به داخل بالگرد بیاورند. قبلاً خدمه پرواز را توجیه کرده بودم. تابوت امام(ره) آورده شد، به خدمه پرواز گفتم، مردم ممکن است وارد بالگرد شوند، حواس شما به امام باشد تابوت را محکم بگیرید. آقای ناطق نوری و سراج الدین حسینی و دو نفر گارد و مهندس پرواز آقای اسدی همین کار را کردند. در زمان بسیار کوتاه از زمین بلند شدیم در وسط راه مهندس پرواز گفت، یک جوانی به بالگرد آویزان شده است، سرعت را کم کردم و او را به داخل بالگرد بالا کشیدیم.

در طول پرواز از طریق رادیو گفتند، امام را به دانشکده افسری ببرید. این عمل انجام شد، سپس دو فروند بالگرد حامل آقایان خامنه‌ای رهبر معظم و رفسنجانی فرود آمدند. آقایان از نزدیک پیکر امام(ره) را دیدند و با هم مشورت کردند و گفتند امام(ره) را به جماران ببرید. این پرواز نیز توسط بنده و خلبان همراه عبدالصمد دوردهن و مهندس پرواز اسدی انجام شد.

درجلسه ای که در جماران تشکیل شد من و آقای محمّد هاشم ساعتچی فرمانده یگان پروازی کمیته (نزاجا) نیز حضور داشتیم، مقرّر گردید که پیکر امام(ره) قبل از غروب آفتاب به خاک سپرده شود .

در این عملیات خاکسپاری برای پراکنده نمودن مردم از محل دفّن قرار شد از اصل فریب استفاده شود، بدین صورت که سه تابوت خالی در سه فروند بالگرد قرار دهیم و تابوت اصلی فلزی را در بالگرد من قرار دهند.

ولی به علّت ذیق وقت تهیه تابوت مقدور نبود. تابوت اصلی رادر بالگرد ۲۱۴ به خلبانی بنده و سیّد محمود ابطحی قرار دادند و حاج احمد آقا و آقای ناطق نوری و همراهان سوارشدند، تابوت خالی شکسته شده ی صبح را که تعمیر شده بود را در یکی از بالگردها گذاشتند و بقیه همراهان سوار شدند.

چهار فروند بالگرد از جماران به سمت بهشت زهرا(س) به پرواز در آمدیم. به محل فعلی حرم نزدیک شدیم، طبق برنامه‌ریزی قبلی سه فروند بالگرد در سه نقطه، جنوب، شرق و غرب محل دفن فرود آغاز کردیم.

مردم با مشاهدة بالگردهای در حال فرود به گمان اینکه آنها حامل پیکر امام(ره) هستند به طرف بالگردها حرکت کردند و من که فروند چهارم بودم در محلی که توسط کانتینرها محصور شده بود طوری فرود آمدم که پایه‌های سمت راست بالگرد مماس برلبة قبر گذاشته شد ،بالگرد را خاموش کردم و پایین پریدم و با کمک همراهان پیکر امام را از بالگرد به داخل قبر انتقال دادیم، آقای هاشمی و خلبان علی اکبر خوری قبل از ما در آنجا حضور داشتند مارش عزا بصدا در آمد، جمعیت که متوجّه شدند که بالگرد حامل پیکر حضرت امام ما بودیم، همه از کانکس ها بالا آمدند و زنجیرة حفاظتی که پاسداران تشکیل داده بودند را پاره کرده و به سمت قبر حرکت کردند، قبل از اینکه سیل جمعیت بما برسند ما استارت زدیم وبه سمت فرودگاه به پرواز در آمدیم.

بنده (نگارنده) در آن زمان با درجة سرگردی فرمانده گردان بالگردهای شینوک بودم، همزمان باعملیات انتقال پیکر حضرت امام(ره) ما هم با بالگردهای شینوک نهاجا مشغول انتقال پاسداران سپاه وکمیته از شرق آرامستان زردشتیان به بهشت زهرا(س) جهت برقراری نظم بودیم و بالگردهای در حال پرواز از یک فرکانس رادیویی استفاده می کردیم و باهم در ارتباط بودیم. هم زمان با خاکسپاری من هم در قسمت جنوب شرقی محل فرود آمدم و خود را به قبر امام(ره) رسانیدم سیل جمعیت سرا زیر شد، نیروهای حفاظت سپاه در میان انبوه ملت گم شدند و دیگر حفاظتی در کار نبود.

تعدادی به روی قبر هجوم آوردند وزمین را با چنگ‌های خود می کندند. حجت الاسلام ناطق نوری با سر و رویی خاک آلود خسته، بدون عمامه روی کوپه ای از خاک در کنارم نشست، از احوال خلبان سیّدین پرسید، مردم همچنان خاک‌ها راپس می زدند، حاج آقا ناطق نوری رو به من کرد وگفت: سرگرد بنظر شما چه کار کنیم.

عرض کردم حاجی آقا من قادرم که با بالگرد شینوک یکی از کانکس ها را از زمین بلند کرده وروی قبر بگذارم، امّا با توجّه به تراکم جمعیت غیر قابل کنترل، در صورت بروز وضعیت اضطراری برای بالگرد منجر به فاجعه خواهد شد و در صورت عادی نیز خطرآفرین است، امّا می توانیم از جرثقیلی که در انتهای ضلع شمالی پارک شده استفاده کنیم و همینطور هم شد. مأموریت ما در آنروز پایان یافت شهید صیاد شیرازی نیز به ما پیوست و به پرواز در آمدیم، در پرواز از شهید صیّاد که در کابین حضور داشت سئوال کردم، مقصدتان کجاست؟

گفت به مهرآباد می‌آیم و از آنجا با اتومبیل به پادگان حرّ میروم. من نسبت به علاقه و احترامی که به ایشان داشتم بسمت پادگان حرّ رفتم درحال فرود در پادگان شهید صیّاد گفت کجا می روی؟ دست روی زانویش گذاشتم وگفتم، برادر صیّاد شما روی زمین فرماندهی ولی در هوا کسان دیگری تصمیم می‌گیرند. در پادگان فرود آمدیم. شهید صیّاد صورتم را بوسید و پس از خداحافظی با کروی پروازی بالگرد را ترک کرد و ما به سمت فرودگاه مهرآباد به پرواز در آمدیم.

در طول برگزاری مراسم رحلت آن بزرگوار چندین نوبت سفرا و کارمندان سفارت خانه‌های کشورهای عربی را از هتل آزادی تا مرقد امام به وسیله بالگرد، برای نشان دادن وفاداری وعشق مردم به رهبرشان، پرواز دادیم و در هر پرواز حدود ۴۰نفر بودند، من از آینه داخل بالگرد آنها رابه خوبی می دیدم، آنها به یکدیگر نگاه می کردند، حتی به خود زحمت نگاه کردن از پنجره بالگرد به سیل جمعیتی که از پارکینگ بیهقی تا بهشت زهرازنجیروار در حرکت بودند را بخود ندادند، شاید هم از حاکمانشان چنین دستوری دریافت کرده بودند. در این میان رهبر فقید سوریه آقای حافظ اسد یکی از شاخص‌های احترام به امام راحل بود. روح امام و شهداء وهمه ی در گذشتگان از اول تا آخرخلقت به لطف دوست و معبود و خالق هستی تا ابد شاد باد ان‌شاالله

کتاب خیبرشکنان

مولف محمد داود اردانی

تحریریه نشریه

این کتاب مجموعه ای از خاطرات، تجارب و تحقیقات معلم خلبان کاپیتان محمد داود اردانی از رزمندگان جبهه‌های حق علیه باطل در جنگ تحمیلی است که با دیدی کاملا تخصصی به مسائل جنگ و استراتژی‌های جنگی در عملیات خیبر می پردازد.

درپیشگفتار این کتاب آمده است که:

این خاطرات هدیه‌ایست به بازوان پولادینی که رهبر مستضعفان و کوبنده طاغوتیان و فرعونیان زمان بر آن بوسه می‌زند. و به مادران فداکار و صبوری که برای صیانت دین الهی از گزند سلاطین کفر و ظلم سمیه‌وار جان خود و یاسرهایشان را در طبق اخلاص نهادند، و به پدران بردبار و شکیبایی که برای جلب رضای معبود، ابراهیم‌وار اسماعیل‌های خود را به مسلخ عشق کشانیده‌اند، و به لشکر خوبان که لهیب آتش و گرمای طاقت‌فرسای بیابان‌های جنوب و سرمای کوه‌های پوشیده از برف غرب کشور در برابر عزم و ارادهٔ آهنینشان سر تسلیم فرود آورد. و سرانجام هدیه‌ایست توسط موری به پیشگاه سلیمانی به آزادمردان و آزاد زنانی که سراسر وجودشان مملو از عشق به خدا و میهن است. تقدیم به اسطوره‌های شهادتی است که حیات را به بازی گرفتند و مرگ را به اسارتشان درآوردند. چه زیبا در آسمان درخشیدند و نورافشانی کردند و چه زود از کنارمان رفتند، چه زیبا با آیه‌های وجودشان حیات و شهادت را تفسیر نمودند و چه نیکو «ولاتحسبن الذین قتلو..... » شامل حالشان گردید و با چتر زیبای شهادت به حسینیان تاریخ پیوستند.

در بخشی از مقدمه چنین ذکر شده است:

جنگ بر اثر کشمکش‌ها و تضاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، نژادی، جاه‌طلبی و... به وجود می‌آید و پیامدهای نامیمونی را به دنبال دارد و ارمغانی به‌جز شهرهای ویران‌شده، مزرعه‌های سوخته، فقر، آوارگی و نابودی انسان چیز دیگری ندارد. اغلب جنگ‌ها را دولت‌ها و رهبرانی که یکدیگر را خوب می‌شناسند به پا می‌کنند و ارتش‌ها عامل اجرای آن هستند و نظامیان و سربازانی که شناختی از هم ندارند باهم می‌جنگند. در این میان بیشترین آسیب‌ها، رنج‌ها و مصیبت‌ها را مردم عادی متحمل می‌گردند. همچنین جنگ‌ها گنجینه تجارب و آزمون گوناگونی است که می‌توان برای جلوگیری از منازعات مشابه پیش رو آیینه‌ی عبرت باشند. این کتاب نیز در همین راستا نگارش و نشر گردیده است.

عملیات خیبر یکی از ابتکارات سپاه پاسداران و خلاقیت‌های دوران جنگ بود. این عملیات در مرحله اول در قطع کردن جاده بصره-العماره موفق بود. اما نداشتن اطلاعات کافی از دشمن و کمبود امکانات پشتیبانی سریع و به‌موقع از رزمندگانی که با ۴۰ کیلومتر پیشروی خود را به عمق مواضع دشمن رسانده بودند، موجب شد تا ارتش عراق بتواند با پای کار آوردن قوای زرهی و سازمان دادن آتش‌های توپخانه، آن‌ها را وادار به عقب نشینی تا جزایر مجنون بنماید. به کارگیری سلاح‌های شیمیایی به‌ویژه گازهای خردل در عقبه‌ی نیروهای خودی از سوی ارتش عراق، موجب شد تا پدیده‌ی جدیدی در جنگ به وجود آید و موجب تضعیف قوای خودی گردد.

نتیجه‌ی عملیات خیبر، پیروزی نظامی پر هزینه ای بود. این عملیات نشان داد که علاوه بر فداکاری و شجاعت رزمندگان اسلام و داشتن ابتکار عمل در طرح ریزی عملیات، نیاز به آموزش کافی، تسلیحات و تجهیزات و پشتیبانی قوی به‌ویژه وسایل و امکانات حمل‌ونقل رزمندگان از طریق آب (قایق) و هوا (بالگرد) از عوامل اصلی تداوم پیروزی است. به هر حال عملیات خیبر و حوادث رخ داده در خصوص آن، تجربه‌ی بزرگی از موفقیت‌ها و ناکامی‌ها در دوران جنگ تحمیلی است که سرمایه‌ی بزرگی برای تصمیم‌گیرندگان در آینده بر اساس اصول ۹گانه جنگ ایران است.

قال رسول الله

من کنت مولاه فهذا علی مولاه

گزارش تصویری از عید غدیر

اللهم صل علی فاطمة زهراء

گزارش تصویری از ایام فاطمیه

یاران عاشورایی

حبیب

آن قدر آماده شده‌ای
که مثل علی!
پسر مهزیار
به تو هم آدرس بدهم؟؟
قافله‌ی عشق در راه است.
حبیب جان!
آماده شده‌ای؟
یا اینکه هنوز...!
نکند اختیارت، به دنبال یزید زمانه باشد؟!
گندم‌های ری به تو هم، نخواهد رسید!
از یاد نبرده‌ای که
با نانِ عشقِ حسین‌روحی‌فداه جان گرفته‌ای؟!
عجب، مدالِ خوشرنگی ست؛ مدال نوکری‌اش!
حبیب...
تو و جدایی از حسین؟
وا مصیبتا!
می‌دانی
چشمان امام مهربانی‌ها، منتِظر است؛
منتظرِ آمدنت!
منتظرِ آمدن تو؛ حبیب!
پس چرا ایستاده‌ای؟؟!!

برخیز و نفس اماره را با ضربه‌ای ناکار کن.
با لقلقه‌ی لسان
به عمل صالح
عَملوا الصّالحات نخواهی رسید.
دنیا، مطلع زینت است و تسویل
و همه‌اش بوی نیرنگ می‌دهد و ریا؛
راهِ ناهمواریهاست.
همه‌یِ رستگاری در« قَد اَفلَحَ مَن زَکّی‌ها »
در رسیدن به منتهی الیه وجود؛ حسین‌روحی فداه است.
بیا و
این راه را به صراط المستقیم حسین‌روحی فداه تبدیل کن.
از این معبر که بگذری،
پشت این خاکریزها
ساقی یار، خُنکای جان می‌نوشانَدت.
چقدر زیباست
که در روز تشویش
تو؛ ای حبیب
با قافله سالار عشق وارد محشر شوی!
پس دست تسلیم به سوی پدر بندگان صالح خدا دراز کن
تا توفیق دیدار پر از رحمتش نیز نصیب تو هم بشود
و جزء یاران عاشورایی ایشان قراربگیری.

خشم خروشان طبیعت

تهیه و تنظیم | سرهنگ دکتر محمدرضا بابائی

مقدمه:

کشور ایران از جمله کشورهایی است که به واسطه موقعیت ژئوپولیتکی خود علاوه بر دارا بودن پتانسیل‌ها و مزیت‌های رقابتی فراوان، از گذشته در معرض انواع گوناگونی از حوادث طبیعی و غیرطبیعی از جمله سیل، زلزله، رانش زمین، آتش‌سوزی جنگل‌ها و نظایر آن قرار داشته و همه ساله کم و بیش با آن‌ها مواجه می‌باشد. اگرچه اغلب این حوادث نام طبیعی را با خود یدک می‌کشند و به خشم طبیعت نسبت داده می‌شوند اما در اغلب موارد مولود عملکرد انسان و به عبارتی پاسخ طبیعت به رفتار انسان محسوب می‌شوند. در این نوشتار سعی شده تا به ابعاد مختلف «آمادگی برای حضور موثر در صحنه امداد و نجات» با تأکید بر سیل‌های جاری شده در نقاط مختلف کشور در فروردین ماه سال ۱۳۹۸ پرداخته شود.

انسان و طبیعت

کمال انسان در تسلیم در برابر اراده الهی و گردن نهادن به اوامر و نواهی او که از طریق مکتب انسان‌ساز وحی به او رسیده می‌باشد. هرآنچه از سوی پروردگار متعال در اختیار بشر قرار داده شده اعم از جماد، نبات، جاندار و بی‌جان قابل احترام بوده و وظیفه هر انسانی است که از محیط خود به درستی استفاده نموده و از تخریب و تباهی آن اجتناب ورزد. یکی از راه‌های تسلیم در مقابل اراده الهی، شناخت طبیعت و قوانین طبیعی است. اگرچه در دین مبین اسلام، انسان بر بسیاری از موجودات برتری داده شده و به سبب کرامت الهی، عالم مسخر او گردیده اما او فارغ از مسئولیت نیست. از طرفی چون او در مقام خلیفه الهی است بایستی بار امانت را بر دوش کشد لذا هرآنکه در محیط زیست فساد و تباهی نماید، پیمان الهی را شکسته و طبیعی است که از رحمت الهی به دور ماند. به همین دلیل است که اسلام انسان را از اسراف و تبذیر بر حذر داشته و او را به میانه‌روی و اعتدال دعوت می‌نماید. شایان ذکر است که اسراف و تبذیر تنها منحصر به استفاده بیش از حد و تباه کردن منابع منحصر نگردیده بلکه عدم استفاده صحیح و بهینه از منابع و مواد اولیه و حتی عدم روند تکاملی در مصرف را نیز شامل می‌گردد. اسلام در عین سفارش به بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست، راهکارهایی را نیز برای حفاظت از محیط زیست ارائه نموده که شامل پرهیز از ظلم و ضرر رسانی و اتلاف منابع عمومی و فساد در روی زمین است.

خداوند متعال منابع حیاتی متنوعی را برای انسان خلق کرده است. امروزه بسیاری از انسان‌ها به مدد دستاوردهای فناورانه از نعمات الهی بهره جسته و با استفاده از وسایل و امکانات نوین، در صدد بهره‌برداری هرچه بیشتر از این منابع هستند. نکته قابل توجه آن است که اگر منابعی محدود به نظر می‌رسند، نشانه کم بودن آن‌ها نیست بلکه نشان از عدم کفاف و نقص در علم بشر در بهره‌برداری صحیح از آن‌ها و یافتن جایگزین‌های مناسب برای آن‌هاست.

جو زمین

بشر اغلب با فعالیت‌های خود در راستای نابودی زمین قدم برداشته و این موضوع به طور خاص پس از صنعتی شدن و در چند سده اخیر نمود بیشتری داشته است. انسان برای آسایش و افزایش درآمد خود از هیچ تخریبی در طبیعت فروگذار نمی کند که این مساله به مرور موجب به هم خوردن تعادل در نظام زیستی شده است در حالی که کارشناسان امر معتقدند آسایش و راحتی بشر در صورتی امکان پذیر خواهد بود که رابطه متعادلی میان تمام اعضای نظام زیستی برقرار باشد. فعالیت‌های انسان به طور جدی به محیط زیست، جانوران و منابع حیاتی کره زمین آسیب رسانده و این مساله به نوبه خود سبب نابودی بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری شده است. برابر یافته‌های دانشمندان کره زمین تنها سیاره‌ای است که از نعمت پوششی محافظتی به نام «جو» یا «نیوار» برخوردار است تا شرایط حیات را برای ساکنان آن فراهم سازد. اگرچه از نظر علمی اعتقاد بر آن است که این لایه تا ارتفاع ۱۰۰۰ کیلومتری از سطح زمین امتداد دارد اما پنج – ششم آن، در ارتفاع تقریبی ۱۰ الی ۱۲ کیلومتری از سطح زمین متراکم گردیده که این ضخامت در مقایسه با شعاع کره زمین (۶۴۰۰ کیلومتر) بسیار ناچیز می‌نماید. جالب آنکه به گفته یکی از بزرگترین اقلیم‌شناسان معاصر، «بزرگترین کاری که بشر در طول‌قرن‌ها زندگی بر روی کره زمین صورت داده، آلودگی هوا و به تبع آن تغییر رفتار هوا و در نهایت تغییر اقلیم کره زمین است».

بحران

بحران عبارت است از شرایطی غیرعادی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، امنیتی و نظایر آن برای فرد، گروه یا جامعه با نوع و شدت متفاوت که برطرف نمودن آن نیازمند تدبیر، اقدامات اساسی و فوق‌العاده و مدیریت است تا سایر جنبه‌های یک اجتماع را متأثر نسازد.

گاهی بحران‌ها دست ساخته خود انسان است و در اثر عدم توجه به یک موضوع تاکتیکی، اثری استراتژیکی را بر آن مترتب می‌سازند. در این راستا در ادبیات غنی فارسی آمده است: «به‌خاطر نبودن میخ، نعل از پای اسب به درآمد و به دلیل نبودن نعل، اسب از پای درآمد و به خاطر مرگ اسب، سوار از میان رفت و به خاطر مرگ سوار جنگی مغلوبه شد و در این جنگ مغلوبه، دولتی سرنگون شد». اما امروزه انسان قادر است به کمک سرمایه عقل و تدبیر خدادادی و اتکای به مدد الهی در بسیاری از موارد کشتی خود را از ورطه هلاک بحران‌ها نجات داده و از گرداب ناایمن به ساحل امن رساند. آنچه در سیل فروردین ماه ۱۳۹۸ گذشت از سه دیدگاه «پیش از وقوع»، «امداد و نجات» و «وضعیت عادی پس از بحران» قابل بحث و بررسی است.

پیش از وقوع (پیشگیری)

الف. آگاهی: وقوع سیل در رابطه مستقیم با شرایط جوی است. از جمله دستاوردهای علمی انسان در حوزه فیزیک که کامپیوتر نیز نقش بسزایی در آن

داشته، قابلیت پیش‌بینی وضع هوا با دقت قابل قبول و نسبتاً بالاست. کشور ما نیز به سبب برخورداری از این امکانات، از اوایل دهه ۸۰ قابلیت آن یافته که تا حد زیادی شکل‌گیری و نزدیک شدن سامانه‌های هواشناسی و حتی میزان و نوع بارش آن‌ها را پیش‌یابی و پیش‌بینی نماید و علاوه بر اعلام در صورت لزوم نسبت به صدور اطلاعیه‌ها، هشدارها و اخطارهای لازم جهت آگاهی عموم مردم و همچنین آمادگی بیش از پیش سازمان‌های مدیریت بحران اقدام نماید. حداقل تاثیر اطلاعات جوّی در زندگی امروزی، به منزله همان میخ بر نعل پای اسب است که اغلب ثمره ساعت‌ها صرف وقت تجزیه و تحلیل و بررسی کارشناسان هواشناسی است که در مواردی با نادیده انگاشتن، خود را در ورطه هلاک قرار می‌دهند که نمونه‌هایی از آن را در سیل نابهنگام شیراز در پنجم فروردین ۱۳۹۸ شاهد بودیم که مسافران حتی با مشاهده آثار عینی، بازهم آن را جدی نگرفته و جان خود را از دست دادند. خوشبختانه سازمان هواشناسی رسالت خود را در فروردین سال ۱۳۹۸ بخوبی ایفا نمود که نمود بارز آن در اطلاعیه‌های صادره این سازمان مشهود می‌باشد.

ب. آمادگی: بعد دیگر این دیدگاه معطوف به اقدامات سازمان‌های مدیریت بحران آن هم در آرامش پیش از توفان است که به نوعی شاید بتوان نام آن را پدافند غیر عامل نیز نامید؛ یعنی مجموعه اقداماتی که لازم است در شرایط عادی و عدم وجود بحران انجام شود تا در صورت وقوع بحران از شدت آن کاسته شود. اجرایی شدن این مهم به واسطه گستردگی دامنه مسئولیت‌ها، مستلزم همکاری و هماهنگی تنگاتنگ حوزه‌ها، نهادها و دستگاه‌های اجرایی مختلف جامعه لازم است که اگر این مهم صورت پذیرد، حداقل نتیجه آن محدودیت گستره بحران و به تبع آن سهولت مهار آن خواهد بود.

یکی از مهمترین بخش‌هایی که در پدافند غیرعامل نیازمند توجه بیش از پیش است، رودخانه‌ها هستند. رودخانه‌ها هدیه خداوند به انسان‌ها بوده و نه تنها برای انسان‌ها، که برای زنده‌ماندن همه چیز و در همه جا مهم هستند. هرگونه بی‌تفاوتی نسبت به حیاتی بودن و ضرورت وجود رودخانه‌ها چه از طرف آن‌هایی که در نزدیکی آن هستند و یا آن‌هایی در دورتر از آن به سر می‌برند، کفران نعمت و جرم و جنایتی علیه بشریت محسوب شده و از طرف طبیعت بی‌پاسخ نخواهد ماند. هرگونه تهدید رودخانه‌ها، تهدیدی برای زندگی همه نوع بشر محسوب می‌شود. تجاوز به حریم و بستر رودخانه‌ها در قالب ساخت و سازها ابنیه، تغییر مسیر رودخانه، برداشت‌های غیرمجاز از بستر رودخانه‌ها، جریان یافتن فاضلاب‌ها، پساب‌ها، زباله‌های صنعتی و شیمیایی به رودخانه‌ها، همه و همه مداخله‌ای خودسرانه، سوء استفاده‌گرایان و بی‌گمان مخرب در محیط طبیعی توسط بشریت به شمار می‌روند.

یکی از مواردی که موجبات تجاوز به حریم مسیل‌ها را فراهم می‌آورد گذر دوره‌های اقلیمی و عدم آشنایی با آن‌هاست. بدین معنی که در برخی از دوره‌ها، نزولات جوی به شدت افزایش و در برخی دیگر به شدت کاهش می‌یابند و به عبارتی شاهد خشکسالی در یک منطقه از زمین حاکم می‌گردد. اغلب در دوران خشکسالی، به دلایل مختلف از جمله عدم دسترسی، آشنایی و یا توجه به آمارهای بلند مدت هواشناسی و یا سایر ملاحظات مقطعی، دست‌اندرکاران اقدام به تغییر کاربری رودخانه‌ها و مسیل‌ها داده و با احداث بوستان، خیابان، پارکینگ و یا نظایر آن موجبات بروز بحران را در سال‌های آتی فراهم می‌سازند. نکته قابل توجه آن است که همواره لازم است در ساخت و ساز سازه‌ها بویژه سازه‌هایی نظیر پل‌ها که در معرض عبور سیلاب‌ها قرار دارند آن است که بایستی پیش‌بینی‌های لازم را به منظور عبور سیلاب‌های غیرطبیعی و بیش از حد تصور را نیز لحاظ نمود لذا ضروریست تا انسان به منظور حفظ جان خود و دیگران هم که شده در چنین تصمیماتی تجدید نظر نماید و از دست‌اندازی به رودخانه و تغییر کاربری آن خودداری نماید. جالب آنکه پیشینیان ما این موارد را لحاظ می‌نمودند مثلاً حکیم ابوالقاسم فردوسی در بیش از ۱۰۰۰ سال پیش سروده که:

به جویی که یک روز بُگذشت آب ------- نسازد خردمند ازو جای خواب

امداد و نجات

وقتی بحرانی همچون طغیان رودخانه و هجوم سیل و روان‌آب‌ها در یک منطقه حاکم می‌گردد اغلب جز خسارات جانی و مالی و ویرانی چیزی را به همراه نخواهد داشت. آسیب پذیرترین اقشار در چنین مواردی سالمندان، زنان و کودکان هستند که چشم امید به یاری و کمک دیگران خصوصاً نیروهای امدادی دارند.

در چنین مواردی دامنه نیازهای بهداشتی، غذایی، امنیتی، حمل و نقل و نظایر آن آنچنان افزایش می‌یابد که تأمین آن جز از طریق بسیج همه امکانات میسر نخواهد بود. به همین دلیل است که نیروهای امدادی یکی از ارکان اساسی مهار هر بحران محسوب می‌شوند. تا سخن از امداد و نجات به میان می‌آید، اولاً چیزی که در ذهن افراد متبادر می‌گردد، سازمان‌هایی نظیر هلال احمر و صلیب سرخ است که رسالت اصلی و فلسفه وجودی آن‌ها در امداد و نجات متبلور شده است.

اگرچه مأموریت اصلی نیروهای مسلح هر کشور حراست از مرزهای زمینی، هوایی و دریایی و حفظ امنیت کشور است اما به واسطه گسترش در اقصی نقاط کشور، سرعت دسترسی به منطقه بحران و در اختیار داشتن امکانات ویژه در نوک پیکان امداد و نجات قرار داشته و در هنگام حوادثی با گستردگی قابل توجه اغلب چشم امید مردم به آنان نیز هست. بیشترین و مهمترین نقش را در عملیات امداد و نجات هواپیماها به دلیل انتقال سریع اقلام و نیازمندی‌ها و بالگردها به دلیل توانمندی جابجایی حمل بار، مسافر و مجروح و قابلیت معلق ماندن بر بالای صحنه مورد نظر و عدم نیاز به باند پرواز بر عهده دارند. این پرنده‌ها به دلیل اشراف ارتفاعی خود قادرند در اسرع وقت نسبت به یافتن منشاء بحران، تخمین دامنه و گستردگی و در نهایت اخذ تصمیم جهت مهار آن ایفای نقش نمایند. شایان ذکر است بالگردها در این حوزه از اهمیت برجسته و خاصی برخوردار هستند زیرا به دلیل توانایی نشست و برخاست در سطوح ناهموار، امکان انتقال سریع بیماران اورژانسی و انتقال اقلام مورد نیاز را فراهم می‌کنند و به عملیات امداد را سرعت می‌بخشند.

وضعیت عادی پس از بحران

اغلب در این مرحله هم کارگزاران و مردم کوله‌باری از تجربه و آموزه‌هایی را از بحران قبلی در اختیار خواهند داشت که می‌تواند در قالب مدیریت دانش در موارد آتی مورد استفاده قرار گیرد و بکار بسته شود چرا که مولای عشق و عرفان امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند «شرط خرد اندوختن و بکاربست تجربه‌هاست». همه ما به عنوان انسان‌های کره زمین، موظف به کاهش حداکثری تاثیرات نامطلوب فعالیت‌های بشری در محیط زیست بوده و قطعاً اگر همه ما در این مسیر تلاش کنیم، سیاره‌ای بهتر برای زندگی در اختیار خواهیم داشت. بر اساس تحقیقات انجام شده، علت دگرگونی و تخریب ناشی از ناآگاهی و یا عدم توجه به محیط اطراف، به دلیل کمبود آموزش‌های موثر علمی و کارشناسانه و نیز خودخواهی انسان و پشت پا زدن به آداب و رسوم گذشته در جهت حفظ و حمایت از آن بوده است. برای حرکت در مسیر توسعه پایدار مردم بایستی در مسئولیت‌ها شریک باشند. این تغییر نیازمند مشارکت مردم، توانمندی تشکل‌های محلی و به طور کلی تقویت جامعه مدنی است و لازمه آن آگاهی و آموزش مردم در باره توسعه پایدار است. در واقع برای تحقق توسعه پایدار و حفظ محیط زیست، ما به اخلاق زیست محیطی نیازمندیم. اخلاقی که ارتباطات پیچیده و در حال تغییر بین انسان و طبیعت را شناسایی کرده و با حساسیت به آن پاسخ دهد. اما درس‌هایی که بحران سیل فروردین ۱۳۹۸ برای کارگزاران به همراه داشت آن بود که اولاً به جنبه‌های مختلف ساخت و سازها و طرح‌های عمرانی اعم از بخش خصوصی و دولتی توجه بیشتری شود تا اولاً در معرض و یا حتی در حاشیه بحران قرار نگیرند و ثانیاً به نیازهای اساسی در صحنه مهار بحران و بویژه رستم صحنه بحران یعنی بالگردها توجه ویژه نمایند. سروده مولانا را به خاطر داشته باشیم که می‌گوید:

آن تیر که بر چلّه اندیشه سوار است --- جایی بنشیند که ورای انتظار است

پیش شرطهای رونق تولید

تحریریه نشریه برگرفته از مقاله محمد مهدی تولایی

رونق کسب و کار اصناف و مشاغل و به ویژه رونق تولید برای تولید کنندگان داخلی، شرط حیاتی برای خروج از رکود و حرکت در مسیر رشد اقتصادی است، اما به نظر می‌رسد برای اجرایی شدن این شرط، پیش شرطهایی لازم است که با تحقق آن ها، مقصود نهایی نیز حاصل خواهد شد که به برخی از آنها، اشاره می‌شود.

بررسی پیش شرطهای تحقق شعار سال ۱۳۹۸

یکی از اقدامات نوروزی سالیان متمادی در کشورمان که توسط مقام معظم رهبری پیگیری می‌شود نامگذاری هر سال با عنوانی خاص برای جهت دهی به مسیر حرکتی کشور در سال پیشِ رو است. به نظر می‌رسد رهبر معظم انقلاب با رصد رخدادهای کشور و با نگاه به اهداف انقلاب اسلامی، افق کوتاه مدت یکساله کشور را ترسیم نموده و عنوانی خاص را برای آن سال برمی گزینند تا تمامی نهادها و ارگان‌های حکومتی و بخش خصوصی در مسیر تحقق آن بکوشند.

البته تاکنون بررسی متقنی برای سنجش میزان تاثیرگذاری چنین اقدامی صورت نگرفته است و آمار مستندی نیز حاوی گزارش اقدامات انجام شده در مسیر اجرایی شدن شعار سال در دست نیست و بسیاری از نهادهای دولتی، تنها به نصب بنر شعار سال اکتفا می‌کنند، اما به نظر می‌رسد اگر یک همت عالی، پشتوانه شعار سالانه در مسیر تحقق قرار گیرد، قطعا اتفاقات خوبی در کشور خواهد افتاد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در آغازین لحظات سال ۱۳۹۸ سال جدید را سال «رونق تولید» نامگذاری کردند و از تمامی ارگان‌های دولتی و آحاد ملت خواستند تا یکپارچه در مسیر تحقق این شعار گام بردارند. ایشان در سخنان خود گفتند: «تولید اگر چنانچه به راه بیفتد، هم می‌تواند مشکلات معیشتی را حل کند، هم می‌تواند استغناء کشور از بیگانگان و دشمنان را تأمین کند، هم می‌تواند مشکل اشتغال را برطرف کند، هم حتّی می‌تواند مشکل ارزش پول ملّی را تا حدود زیادی برطرف کند. لذاست که مسئله‌ی تولید به نظر من مسئله‌ی محوری امسال است؛ لذا من شعار را امسال این قرار دادم: «رونق تولید». باید همه تلاش کنند تولید در کشور رونق پیدا کند. از اوّل سال تا آخر سال ان‌شاءالله این معنا به صورت چشمگیری در کشور محسوس باشد. اگر این [طور]شد، امیدواریم که ان‌شاءالله حلّ مشکل اقتصادی راه بیفتد.»

رونق کسب و کار اصناف و مشاغل و به ویژه رونق تولید برای تولید کنندگان داخلی، شرط حیاتی برای خروج از رکود و حرکت در مسیر رشد اقتصادی است، اما به نظر می‌رسد برای اجرایی شدن این شرط، پیش شرطهایی لازم است که با تحقق آن ها، مقصود نهایی نیز حاصل خواهد شد که به برخی از آنها، اشاره می‌شود.

تقویت امید به آینده برای مدیریت انتظارات مردم

واژه «امید» و مفهوم امیدواری به بهبود شرایط اقتصادی، یکی از مولفه‌های مهم در موضوع مدیریت اقتصادی کشور است. فراموش نمی‌شود ابتدای دولت آقای دکتر حسن روحانی و امیدواری فراوان مردم برای ایجاد بهبودی در وضعیت اقتصادی کشور را که منجر به افزایش سرمایه گذاری‌های اقتصادی و اشتغال بیشتر برای افراد جویای کار شد، و یا دورانی که برجام به سرانجام رسیده بود و همگان امیدوار به بهبود اوضاع اقتصادی بوده و در تکاپوی آغاز یا گسترش فعالیت‌های اقتصادی خود بودند، اما متاسفانه شرایط کشور با دخالت عوامل متعددی، به وضعیت فعلی رسیده است که در آن، مردم به جای امیدواری به سروسامان پذیرفتن اوضاع، منتظر شرایط سخت تری هستند و صف‌های طویل شکل گرفته از مرغ و گوشت تا شکر نیز بر این موضوع گواهی می‌دهند.

زمانی رونق تولید در عمل اتفاق می‌افتد که امیدواری به بهبود شرایط کشور، جایگزین انتظار برای یک آینده سخت‌تر شود. هنگامیکه مردم از دولتمردان،

تلاش وافری مشاهده نکنند و در کنار آن، هر روز بر طبل جنگ و نزاع بین المللی کوبیده شود و روز به روز نیز بر تعداد مفاسد اقتصادی افزوده شده و آمارهای کلان اختلاس و دزدی منتشر گردد، امید مردم برای نیل به یک آینده بهتر و در نتیجه؛ سرمایه گذاری آنان در امر تولید به امری محال می‌ماند؛ چراکه انتظار شرایط سخت، وضعیت فعلی را نیز سخت می‌کند.

ایجاد ثبات اقتصادی در سایه مدیریت واحد

لازمه سرمایه گذاری در امر تولید، وجود ریسک پایین و ثبات بالا در وضعیت اقتصادی است. مادامی که ثبات در وضعیت اقتصادی کشور، حکمفرما نباشد، تصویر یک چشم انداز کاری برای سرمایه گذاران، امری نزدیک به محال است. دولت جمهوری اسلامی باید درصدد فراهم نمودن شرایطی باشد که منجر به بی ثباتی در وضعیت اقتصادی کشور نشود؛ حال ممکن است این شرایط، سیاسی و بین المللی باشد یا اقتصادی و یا ناشی از تغییر در شیوه مدیریت، در هر صورت، این وظیفه دولت است که در این مسیر بکوشد تا ثبات لازم برای سرمایه گذاری در امر تولید ایجاد شود.

به نظر می‌رسد بخشی از بی ثباتی فعلی، ناشی از عدم وجود مدیریت واحد در امور اقتصادی کشور است. مادامی که نهادهای غیرمسئول، در مدیریت امور اقتصادی کشور، رقیب دولت باشند و عناصر اجرایی آنان، رقیب بخش خصوصی، مدیریت واحد در امر اقتصاد کشور، وجود خارجی نخواهد داشت و هیچگاه رئیس جمهور نمی‌تواند فرماندهی اقتصاد کشور را بر عهده بگیرد و در نتیجه، بی ثباتی‌ها تداوم خواهد یافت.

مدیریت نقدینگی در جهت افزایش تولید

نقدینگی افسار گسیخته، بلای جان اقتصاد کشور شده است. اسکناس‌های سرگردانی که از طلا به دلار می‌رود، از سکه به مسکن می‌رود و روز به روز با کاهش ارزش پول ملی، تاثیرات مخرب خود را بر بازارهای مختلف اعمال می‌کند. مادامی که نقدینگی فراوان و سرگردان موجود، باعث رونق دلالی شود، قطعا شوقی برای حضور در بخش تولید و در نتیجه، رونق تولید برای سرمایه گذار، وجود نخواهد گذاشت.

آثار زیان بار نقدینگی در یک سال و نیم اخیر، به ویژه پس از چاپ پول بدون پشتوانه برای تسویه بدهی موسسات مالی و اعتباری ورشکسته، منجر به مشکلات فراوانی شد و کشور را دچار قیمت‌های لحظه‌ای در بازارهای گوناگون کرد. مدیریت نقدینگی و گسیل آن به سمت تولید، قطعا منجر به رونق تولید خواهد شد.

مقابله با واردات بی رویه و افزایش کیفیت محصولات داخلی

یکی از عوامل ورشکستگی صنعت تولیدات داخلی در طی سال‌های گذشته، واردات بی رویه اجناس خارجی است که یا مشابه داخلی آن‌ها وجود دارد و یا قیمت اندک آنان باعث می‌شود رغبتی در داخل برای تولید آن اجناس وجود نداشته باشد و در نتیجه از حجم اشتغال نیروهای مولد کشور کاسته شود و وابستگی به جزئی‌ترین اجناس مورد نیاز نیز تداوم می‌یابد. تا زمانی که واردات کشور، سروسامانی به خود نگیرد و از بیل تا خودرو را دربرگیرد و به توانمندی داخلی توجهی نشود، رونق تولید حاصل نخواهد شد.

همچنین معضل کیفیت نازل محصولات تولید داخل نیز گریبانگیر رونق تولید شده است. بسیاری از مردم علاقه‌مند هستند تا از اجناس تولید شده در داخل کشور استفاده کنند، اما هنگامیکه با کیفیت نامناسب آن اجناس مواجه می‌شوند از اقدام خودمنصرف شده و به اجناس خارجی روی می‌آورند. لازمه افزایش کیفیت، نظارت جامع و کامل و بهره گیری از مواد اولیه مرغوب و مناسب است تا خریداران را برای خرید محصول، ترغیب نماید.

پیش شرط‌های ذکر شده در این مطلب و موارد دیگری از این قبیل، لازمه تحقق شرط «رونق تولید» است که همت دولت در وهله اول و همراهی مردم در ادامه آن را می‌طلبد.

شروط آزادی از زندان

حجت الاسلام نعمت الله رادی | کارشناس فرهنگی پژوهشی سازمان زندانها

آزادی برای کسی که در قید و بند زندان است از آب و غذا در اوج تشنگی و گرسنگی نیز شیرین تر است؛ اما زندان با همه خشونت ظاهریش تاوان اشتباهاتی است که رخ می دهد و مجازات بی قانونی هایی است که به دیگران لطمه می زند. نگاه اغلب مردم به زندان مثل نگاه به فضایی است که عده ای آدم مجرم را برای مدتی کنارهم تلنبار می کند بی آن که تحولی در آنها ایجاد شود. از نگاه این افراد، زندان توفیقی در اصلاح اخلاق و رفتار زندانیان ندارد و چه بسا به زندان افتادن آنها را جری تر و خشونت طلب تر کند.

اما آنها که زندان ها را مدیریت می کنند چنین اعتقادی ندارند. آنها می گویند اگر یک فرد آزاد شده از زندان نترس و جری تر از قبل می شود، نه به خاطر حضورش در زندان، که به علت پرده دری و آشکارشدن ماهیت واقعی اش پس از به زندان افتادن است.

آنها معتقدند زندان هیچ کس را بدتر از زمانی که در زندان نبوده، نمی کند و برعکس قادر است آدم های مشکل دار را به سمت اصلاح ببرد. همین طرز تلقی است که سبب شده موضوعاتی چون عفو و آزادی مشروط وارد قوانین کشورمان شود تا افرادی که در طول دوره محکومیت دچار تحولات اخلاقی و رفتاری شوند یک بار دیگر طعم زندگی آزاد و بیرون از فضای بسته زندان را بچشند.

وقتی فردی در دادگاه مجرم شناخته می شود حتما باید برای گذراندن دوران محکومیتش به زندان برود چون فقط با حضور در زندان است که قاضی می تواند تاثیر مجازات بررفتار افراد را محک بزند پس برای رسیدن به آزادی چاره ای جز گذر از زندان نیست.

البته تشخیص اصلاح مجرمان کار آسانی نیست، چون اصلاح شدن موضوعی کمّی نیست که بتوان آن را با عدد و رقم به دست آورد. به همین علت برای پی بردن به اصلاح مجرمان باید بسیار دقیق بود و رفتار آنها را بدقت زیرنظر گرفت. اما با وجود این افرادی نیز هستند که چون ذاتشان شرور نیست و به خاطر یک اشتباه به زندان افتاده اند و قصد اصلاح و جبران از دست رفته ها را دارند با پذیرش آموزش های اصلاحی در زندان راه بازسازی خود را در پیش می گیرند.

طبق قوانین امور کیفری، آزادی مشروط فقط به محکومانی اعطا می شود که برای نخستین بار به مجازات حبس محکوم شده باشند. پس طبیعی است هرگاه فردی برای چندمین بار محکوم به حبس شده باشد نمی تواند از این امتیاز استفاده کند. دقیقا این افراد همان هایی هستند که مشمول آزادی مشروط می شوند. کسانی که این امتیاز شامل حالشان می شود، فرصت می یابند با خروج از زندان بقیه دوران محکومیتشان را در محیط اجتماع بگذرانند و خساراتی را که خود و خانواده شان به خاطر نام زندان متحمل شده اند، جبران کنند. البته آزادی مشروط عرصه ای برای آزمودن فرد محکوم است، چون اگر در این مدت خلاف تعهدات عمل کند و راه گذشته را تکرار کند آن وقت دوباره برای گذراندن باقیمانده دوران محکومیت راهی زندان خواهد شد.

امتیازی برای بهترین ها

آزادی مشروط اگرچه دارای شرط و شروط سختی است، اما به هر حال صبغه ای از آزادی را همراه خود دارد که ارزش دارد یک فرد محکوم به خاطرش از ارتکاب جرائم دست بردارد. اما به هر حال این آزادی شامل حال همه افراد نمی شود و تنها آنان که سابقه محکومیت به حبس ندارند یا مقدار معینی از محکومیتشان را گذرانده اند همراه آنها که حسن اخلاق و رفتار دارند و می توان پیش بینی کرد بار دیگر دست به ارتکاب جرم نمی زنند اگر ضرر و زیان شاکی خصوصی شان را نیز بپردازند در زمره آزاد شدگان مشروط قرار می گیرند.

طبق قوانین امور کیفری، آزادی مشروط فقط به محکومانی اعطا می شود که برای نخستین بار به مجازات حبس محکوم شده باشند. پس طبیعی است هرگاه فردی برای چندمین بار محکوم به حبس شده باشد نمی تواند از این امتیاز برخوردار شود.

شرط دیگر برخورداری از آزادی مشروط گذراندن دو سوم مجازات در جرائمی است که قانون برایش کیفری بیش از ۳ سال حبس تعیین کرده، در حالی که گذراندن نصف دوران محکومیت در جرائمی که مجازات قانونی آنها تا ۳ سال حبس است نیز از شرایط بهره مندی از آزادی مشروط است. توجیهی که قانونگذار برای تعیین این زمان ها بیان می کند این است که محکوم باید مدتی را در زندان بگذراند تا هم به صورت نسبی اصلاح شود و هم ناظران بتوانند میزان تحول رفتاری او را ارزیابی کنند.

در واقع فرد محکوم باید دوران محکومیتش در زندان را با حسن اخلاق و رفتار سپری کند و این حسن معاشرتش دائمی و مستمر باشد. البته تشخیص این موضوع گاهی سخت می شود، چرا که برخی محکومانی که از این شرط قانونی باخبرند با تظاهر به حسن اخلاق و رفتار سعی در آزاد شدن از زندان و پیگیری کارهای معطل مانده شان دارند. برای همین، همواره رصد اعمال زندانیان توسط رفتارشناسان و روان شناسان و آسیب شناسان اجتماعی مورد تاکید است تا افراد فرصت طلب و متقلب نتوانند از این امتیاز قانونی سوءاستفاده کنند.

ما شاید یکی از سخت ترین شرایط آزادی مشروط، شرط پیش بینی تکرار نشدن جرم از سوی محکومان باشد، چون یک کارشناس هر چقدر هم خبره باشد می تواند تحت تاثیر ظاهرسازی های افراد قرار بگیرد و تشخیص این که آنها پس از آزادی واقعا اصلاح می شوند یا این که دوباره دست به ارتکاب جرم می زنند، کاری است که ریسک بالایی دارد. حالا اگر تمام این شروط در یک فرد جمع باشد او باید اگر شاکی خصوصی دارد ضرر و زیانش را جبران کند تا بتواند به صورت مشروط آزاد شود. البته ناتوانی مالی فرد محکوم مانعی برای بهره مندی او از آزادی نمی شود، چرا که از نظر مجریان قانون همین که او وعده مساعد برای جبران ضرر و زیان شاکی را بدهد و قرائن و شواهد موجود هم این تصمیم او را تایید کنند برای آزاد شدن کفایت می کند.

فصلنامه جامع
سال هفتم
شماره یازدهم
زمستان
بهار
۱۳۹۸

حقوق چیست؟

حجت الاسلام سید ابوالفضل حسینی یدکی

۱. حقوق جمع حق و حق در اصطلاح عبارتست از امتیازی که شخص در جامعه معین دارد. حقوق در این معنی به حقوق فردی تعبیر می‌شود.
۲. حقوق اصطلاحاً عبارتست از مجموعه قواعدی که تنظیم کننده و حاکم بر روابط اشخاص در جامعه معین می باشد. حقوق در این مفهوم به حقوق ذاتی به لحاظ آنکه قطع نظر از افراد جامعه مطرح میگردد تعبیر می شود. حقوق فردی ملازم با حقوق ذاتی می باشد.

در فقه اصطلاح خاص و عام در مورد حق بکار گرفته می شود در مفهوم خاص حق، قدرت هر انسان برابر قانون بر انسان دیگر یا بر مال (مادی یا معنوی) و یا بر هر دو می باشد و در مفهوم عام، حق چیزی است که شارع وضع کرده است. به عبارتی دیگر حقوق در معنی اخیر وجدان و اراده عالیه جامعه (در مفهوم مورد نظر مکاتب مختلف) است که در عمل جانشین وجدان و اراده افراد همان جامعه می‌گردد. و یا به بیانی ساده حقوق قاعده الزامی و یا مجموعه چنین قواعدی می باشد. حقوق در این معنی را حقوق عینی یا حقوق خارجی (نسبت به شخص) نیز نامیده‌اند. رشته‌های مختلف حقوق از جمله حقوق مدنی، حقوق تجارت، حقوق اساسی، حقوق بین‌الملل از جمله مصادیق این معنی است.

در تعریفی دیگر می گوییم:

علم حقوق، دانش تحلیل و سیر تحول قواعد حقوقی است.حقوق، مجموعه قواعد و مقرراتی است که نظم اجتماعی را تأمین می‌کند.حقوق در نظام‌های حقوقی ملی به روش‌های مختلفی ایجاد می‌شود؛ از طریق وضع قانون توسط قوه مقننه، از طریق صدور آئین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های دولتی در قوه مجریه. در ادامه می توان گفت: حقوق مجموعه قواعدی است که از طریق موسسات اجتماعی یا دولتی، جهت تنظیم رفتار ایجاد و اعمال می‌شود. قانون اساسی نقش انکارناپذیری در شکل‌گیری نظام حقوقی هر کشور دارد و نظام حقوقی نیز به نوبه خود شکل‌دهنده سیاست، اقتصاد و جامعه است و روابط میان افراد را هدایت می‌کند.

یک تمایز مهم میان حقوق مدون و کامن‌لا وجود دارد

کامن‌لا (به انگلیسی Common law): که به نظام رویه قضایی و سابقه قضایی هم معروف است، نوعی نظام حقوقی است که از سال ۱۰۶۶ میلادی به بعد توسط دادگاه‌های شاهی انگلستان ایجاد شد.) تمام کشورهای اروپای قاره‌ای و بیشتر کشورهای دیگر دنیا از جمله ایران و افغانستان از حقوق مدون برخوردار هستند که در آن قوه مقننه از طریق وضع قانون و تدوین قوانین به ایجاد حقوق می‌پردازد. اما بریتانیا، ایالات متحده و اغلب مستعمرات سابق بریتانیا از نظام‌های کامن‌لا برخوردار هستند که در آن‌ها رعایت آراء قبلی دادگاه‌ها الزام‌آور است و حقوق از طریق سابقه قضایی ایجاد می‌شود. حقوق مذهبی به ویژه حقوق اسلامی (قواعد فقه) و حقوق یهودی نیز اهمیت بسیاری در حقوق بسیاری از جوامع و کشورها داشته‌است.

اصطلاحات سیاسی

واژگان سیاسی پر کاربرد

تحریریه نشریه

(قسمت اول)

امپریالیسم:

امپریالیسم از کلمه قدیم تر (امپراطوری) گرفته شده است. و این اصطلاح عنوان برای قدرت یا دولتی بوده که خارج از محدوده و کشور خود به زور به تصرف سرزمین ها و ممالك دیگر اقدام می کرده، و آنجا را جهت بهره برداری، تحت سلطه خود قرار می داده است. و معنای امپریالیسم با کلمه استعمار پیوندی نزدیك دارند. و امپریالیسم به امپریالیسم نظامی، اقتصادی و فرهنگی تقسیم می شود.

دژسالاری:

نام و اصطلاحی برای حکومت هایی است که با روش استبدادی و ترور بر سر کار می آیند.

فاشیسم:

این اصطلاح به صورت عام نامی است برای همه رژیمهایی که بقایشان بر پایه دیکتاتوری و زور و کشتار استوار است. اما به معنای خاص، نام جنبشی است که در سال ۱۹۲۹ به رهبری «موسولینی» در ایتالیا به راه افتاد.

ماکیاولیسم (استبداد جدید):

مکتب ماکیاولیسم که آن را «فلسفه استبداد جدید» نیز می خوانند، عبارت از مجموعه اصول و دستوراتی است که ماکیاولی فیلسوف و سیاستمدار ایتالیایی (۱۴۶۹-۱۵۲۷) برای حکومت ارائه داده است. که خلاصه این مکتب عبارت است از: تأسیس دولتهای متحد و قوی که تابع کلیسا و دین نباشد. طرفداری از ظلم و استبداد و حکومت نامحدود. انسان موجود سیاسی و فطرتاً شرور است لذا برای علاج شرارت انسان حکومتی مقتدر و مستبد لازم است. اخلاق و مذهب تابع سیاست زمامدار می‌باشد، اگر صلاح دید در حکومت از دین و اخلاق استفاده می کند و اگر صلاح ندید استفاده نمی کند. زمامدار به منزله قانون است و مردم باید از حاکم و زمامدار اطاعت کنند، اما خودش از قانون مستثنی است و هر چه بخواهد می تواند انجام دهد. روش حکومت در مکتب ماکیاولیسم آن است که زمامدار برای رسیدن به قدرت و حفظ آن مجاز است به هر عملی مانند زور، حیله، تزویر، جنایت، تقلب، نقض قول و پیمان شکنی و نقض مقررات اخلاقی متوسل شود. و هیچ نوع عملی برای رسیدن به قدرت و حفظ آن برای زمامدار ممنوع نیست، به شرط اینکه تمام این اعمال را پنهانی و سرّی انجام دهد. و جنایاتی که هیتلر و موسولینی دیکتاتورهای آلمان و ایتالیا انجام دادند بر همین افکار دور می زد.

آتئیسم:

پیروان این مکتب می گویند چیزی به عنوان مافوق طبیعت وجود ندارد. و انسان را فقط موجود طبیعی می دانند که باید با همان عقل طبیعی اداره شود.

کمونیسم:

کمونیسم این اصطلاح از ریشه لاتینی (کمونیس) به معنای اشتراکی گرفته شده است. و این عقیده از سال ۱۸۴۰ م. رواج یافت. و معنای اشتراك محدود به ثروت و دارائی ها نمی شود، بلکه اشتراك شامل زنان و مسائل جنسی می گردد. بنابرنظر کمونیسم تمام منابع اقتصادی کشور اعم از صنعتی و امور دیگر مربوط به جامعه است نه افراد و خانواده ها، اما کمونیسم به معنای جدید عبارت است از اینکه دولت بر تمام مراکز اقتصادی جامعه کنترل داشته باشد و همه چیز باید در دست او قرار گیرد.

مارکسیسم:

کمونیسم به معنای خاصی که امروز در نقاط مختلف دنیا رایج است کمونیسم مارکسیسم است. زیرا مؤسس کمونیسم "کارل مارکس" فیلسوف آلمانی (۱۸۸۳-۱۸۱۸م.) بود که بعد از مارکس، «فریدریش انگلس (۱۸۹۵-۱۸۲۵م.)»، «لنین» و «استالین» از رهبران کمونیسم بودند. بعد از درگذشت استالین (۱۹۵۳) «مالنکوف» ، «بولگانین» و «خروشچف» جانشین وی شدند. البته آراء مارکس و اِنگلس توسط نفوذ فلاسفه آلمانی مخصوصاً «هگل» و «فویرباخ» گسترش یافت.

پوپولیسم:

پوپولیسم به معنای مردم باوری است. به اینکه هدف های سیاسی را باید بر اساس خواست مردم جدا از احزاب و نهادها پیش برد، و خواست مردم عین حق و اخلاق است. به عبارت دیگر هر چه مردم خواستند همان حق و اخلاق می باشد. که در واقع بولشویسم ترکیبی از مارکسیسم و پوپولیسم است.

بورژوا

در قرون وسطا فردی از اهل شهر آزاد (بورگ) را که نه ارباب بود و نه دهقان «بورژا» می نامیدند. در قرن های هفدهم و هجدهم ارباب ها و کارفرماها را در برابر کارگران و بازرگانان به این نام خطاب می کردند. در فرانسه عنوانی برای طبقه میانه سوداگر و پیشه ور یا شهرنشینانی که بر ملاك دارائی از حقوق سیاسی برخوردار بودند اطلاق می شد، و اما در اصطلاحی سیاسی معنای خاص خودش را دارد.

بورژوازی در اصطلاح مارکسیستی به معنای سرمایه داران، سوداگران، پیشه وران و دارندگان مشاغل آزاد است. در برابر «پرولتاریا» (۱۷) که به کارگرانی گفته می‌شد که هیچ وسیله تولیدی جز نیروی کار خود برای تأمین زندگی ندارند.

سوسیالیسم:

واژه سوسیالیسم (جامعه باوری) در زبان فرانسه به معنای اجتماعی می باشد. و در انگلیسی (سوسیالیسم سیاستی که هدف آن نظارت جامعه بر وسایل تولید و اداره آنها به سود همگان است). البته این تعریف، یك تعریف جامع نیست، زیرا نظارت عمومی بر اموال و تولید معنای وسیعی دارد. امابهترین وجه اشتراك سوسیالیست برتری جامعه و سود همگانی بر نظریه فردگرایی و سود فردی است، که سوسیالیسم به انواع متعددی مانند سوسیالیسم لیبرال، مارکسی،

نوین، تکاملی، فابیان، صنفی و پارلمانتر و اقسام دیگر، تقسیم می شود.

کاپیتالیسم:

کاپیتالیسم روشی است که در آن وسائل عمده تولید به کمك سرمایه های شخصی فراهم شده و اموال به مالکیت صاحبان سرمایه باقی می ماند. در کاپیتالیسم کارگران به عنوان روز مزد اجیر صاحبان سرمایه اند، و تمام قدرت مالی در دست اشخاص معدودی در جامعه خواهد بود. در مقابل کاپیتالیسم، کمونیسم و لنینیسم و استالینیسم قرار دارد.

ناسیونالیسم:

عبارت است از اعتقاد به برتری یك ملت و قوم بر تمام ملل و اقوام دیگر و لزوم وفاداری مطلق و بدون هیچ قید و شرطی نسبت به قوم و ملت خود، و مباهات کردن هر قوم و قبیله نسبت به فرهنگ و زبان و نژاد خودش. بنابراین ناسیونالیسم (ملی گرایی) خود را از همه برتر و دیگران را پایین تر از خود می داند، که به ناسیونالیسم اقتصادی و سیاسی تقسیم می شود.

آنارشیسم:

در لغت یونانی به معنای حکومت است و آنارشی یعنی بدون حکومت. لذا در مسلك آنارشیسم حکومت را موجب مصائب و بدبختی های مردم می داند. و بنیاد آنارشیسم بر دشمنی با دولت می باشد. البته مخالف هرج و مرج هم هستند، اما به نظام و حکومتی فکر می کنند که بر اساس همکاری آزاده پدید آید. و پیشوای آنارشیسم جدید پیرژوزف پرودون" (۲۳) فرانسوی (اوایل قرن ۱۹ م.) می باشد.

فئودالیسم:

فئودالیسم یك سازمان بزرگ اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است که در بسیاری از نقاط اروپا و خاور دور و خاور میانه در قرون وسطی، قبل از تشکیل دولت های ملی جدید وجود داشته است.

خصلت عمده در فئودالیسم آن است که از طرف شاه هر قسمت از اراضی بزرگ به تصرف اشراف به نام فئودال در می‌آید، و آن زمین های بزرگ از طرف فئودال یا نمایندگانشان به کشاورزان اجاره داده می شود. و اشراف هم در مقابل این اجاره نسبت به کشاوزان آن منطقه اختیارات قضائی و حکومتی و مالی و سیاسی داشتند. ولی در زمان حاضر فئودالیسم به کشوری گفته می شود که عده ای از اشراف و مالکین املاکی را مالك می باشند و کشاورزان از حقوق سیاسی محروم اند، و یا به مقداری کم ازحقوق سیاسی و کشور بهره‌مند هستند.

فاکسیونالیسم:

فاکسیون به معنای حزب است. این اصطلاح را «جورج واشنگتن» در آغاز استقلال آمریکا به جای پارتی (حزب) به کار برد. فاکسیونالیسم یعنی حزب پرستی و عقیده به لزوم وجود احزاب سیاسی و اتکاء دولت و حکومت با احزاب عامه که آن را سیستم حزبی (پارتی سیستم) نیز می نامند. در مقابل کمونیسم که تك حزبی است قرار دارد. فرق پلورالیسم با فاکسیونالیسم آن است که اصطلاح اولی عمومیت دارد و شامل عقیده به لزوم تعدد جمعیت و انجمن‌ها از هر قبیل اعم از مذهبی و فرهنگی و علمی و سیاسی و اقتصادی می باشد، در حالی که فاکسیونالیسم تنها معتقد به تعداد احزاب سیاسی است.

مولتی پارتیسم (چند حزبی):

به معنای چند حزبی است که در دموکراسی غرب تولد یافته است و در نظام سیاسی احزاب متعدد وجود دارد که در قدرت سهیم هستند، و هیچ یك از این احزاب به اکثریت مطلق دست پیدا نمی کند، و کشور بر اساس چند حزبی اداره می‌گردد. و گاهی هم احزاب متعدد برای آنکه کرسی های بیشتری را در پارلمان به دست آورند، دست به ائتلاف می زنند. اما ائتلاف دائمی نیست ولی تعداد احزاب هم موجب ضربه به اقتدار ملی نمی شود.

ماتریالیسم:

مکتب ماتریالیسم یا مادیت و اصالت را به ماده دادن، از مکاتب بسیار قدیم می باشد و تاریخ آن به زمان یونان قدیم می‌رسد. و عبارت است از اعتقاد به این که تنها ماده وجود دارد و هر چه عنوان ماوراء الطبیعه و حالت متافیزیکی داشته باشد، مانند خدا، روح و فرشتگان وجود ندارد.

دیالکتیك:

این اصطلاح در فلسفه از طرف فلاسفه در معانی مختلف به کار رفته است. اما از نظر لغت دیالکت (Dialeet) به معنای زبان محلی، مکالمه، شیوه سخن و لهجه و اصطلاحات زبان ملت های مختلف به کار رفته است.

اما از نظر اصطلاحی هر کدام از فلاسفه معنای خاصی از آن را اراده کرده اند. سقراط به معنای مکالمه و فلسفی کردن هر موضوع به صورت سؤال و جواب به کار برده، افلاطون به معنای روش منطقی استعمال کرده است. هگل و مارکس این لفظ را مشابه هم استعمال کرده اند، با این فرق که دیالکتیك هگل ایدالیسم است و دیالکتیك مارکس ماتریالیسم و توجه به مسائل مادی است. و برای دیالکتیك معانی متعددی ذکر نموده اند، به کتاب هایی که در این موضوع تألیف شده مراجعه نمایید.

رادیکالیسم:

در لغت به معنای ریشه است و این کلمه از طرف لیبرال های انگلیسی در قرن ۱۹ استعمال شد، که مایل بودند به ریشه موضوعی نفوذ کنند، و طالب تجدید اساس کلیسا و خواستار انحلال مجلس اشراف و گاهی متمایل به لغو سلطنت بودند. اما این اصطلاح بیشتر در مورد کسانی اطلاق می شود که از مؤسسات سیاسی و اجتماعی موجود ناراضی و عصبانی شده اند و درصدد تغییرات اجتماعی هستند. ولی در جامعه امروزی به کسانی که درصدد اصلاحات اساسی جهت بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی می باشند، رادیکال می گویند. اما در آمریکا این اصطلاح بیشتر درباره سوسیالیست ها و کمونیست ها اطلاق می شود. اما در اروپا در گروه های اصلاح طلب به کار می رود.

دموکراسی:

اصطلاح دموکراسی از اصطلاحات تمدن یونان قدیم است، و حکومت مردم بر مردم را دموکراسی می نامیدند. اما در اصطلاح جدید عبارت از حکومت مردم که با توجه به آراء اکثریت مردم از طریق انتخاب نمایندگان تشکیل می گردد، و اداره امور کشور در اختیار اکثریت آراء مردم قرار می گیرد. و دموکراسی به دموکراسی مستقیم (خالص) سیاسی، اقتصادی و صنعتی تقسیم می گردد.

ایدئولوژی:

این کلمه فرانسوی است که مرکب از «idee به معنای تصور و اندیشه+ logie به معنای شناخت» می باشد. ایدئولوژی روشی از اندیشه است که می خواهد هم جهان را توضیح دهد و هم دگرگون سازد. و اولین بار این واژه را دستوت دوتراسی (۱۸۳۶-۱۷۵۴) دانشمند فرانسوی به کار برد. و هدف او از این کلمه (اندیشه شناسی) یا (دانش ایده ها) بود. و گاهی هم به معنای سنجیده و ناسنجیده استعمال می شود. و در لغت فرانسوی به کسی که در یك ایدئولوژی صاحب نظر است و جنبه مرجعیت دارد، ایدئولوگ گفته می شود.

اُپوزیسیون:

در زبان فرانسه به معنای مخالفت یا مخالفان، و در معنای وسیع خودش عبارت است از کوشش اتحادیه ها، حزب ها، گروه‌ها، دسته ها و افراد برای دستیابی به هدف هایی که در نظر دارند، و هدفشان مخالفت با اهداف دارندگان قدرت سیاسی، اقتصادی می باشد. و اپوزیسیون در معنای محدود، نامی برای گروهی که در نظام های حکومت پارلمانی به موجب قانون اساسی موجودیت آنها به رسمیت شناخته شده است، و در پارلمان گروهی را تشکیل می دهند که به حکومت ارتباط ندارد و از دولت حمایت نمی کند اما خود را به قانون اساسی وفادار می دانند. اپوزیسیون پارلمانی با شرکت در گفت و گوهای مجلس و با شور قانونی، مطابق شرایطی که قانون معین کرده در کار حکومت نظارت مستقیم دارد. افکار عمومی را در جریان می گذارد. مهمترین وظیفه اپوزیسیون آن است که به انتخاب کنندگان امکانات انتخاب دیگری می دهد. اپوزیسیون مظهر حکومت احتمالی آینده است، و جزء مکمّل نظام های پارلمانی در کشورهایی مانند انگلستان، فرانسه و سوئد است که معمولاً دو حزب اصیل در آنها وجود دارد که به نوبت نقش حاکم و اپوزیسیون را به عهده می گیرند. اما در نظام های یك حزبی مانند آمریکا اپوزیسیون به صورت قانونی وجود ندارد.

پتینه کاری چیست؟

تحریریه نشریه

با پتینه کاری منزلتان را به یک اثر هنری تبدیل کنید

اگر از افراد خبره در حوزه‌ی دکوراسیون داخلی بپرسید پتینه کاری چیست، اولین چیزی که به شما می‌گویند این است که «پتینه یعنی هنر کهنه کردن فضای یک خانه»؛ ولی پتینه کاری به همین‌جا ختم نمی‌شود. پتینه کاری که در واقع یک هنر ایتالیایی است، شاخه‌های متفاوتی دارد و پتینه کاری در نقاشی ساختمان به مجموعه کارهایی گفته می‌شود که ظاهری قدیمی به دیوارهای یک خانه می‌دهد. اگر به دیوار کاخ‌ها و خانه‌های اعیانی قدیمی ایرانی یا خارجی – مخصوصا کاخ‌های ایتالیایی، انگلیسی و روسی – دقت کنید، نمونه‌های ایدآل هنر پتینه کاری را به راحتی خواهید دید. در ایران قدیم به جای پتینه بیشتر از گچ بری اساتید هنرمند ایرانی استفاده می‌شد؛ البته گچ بری را هم می‌توان شاخه‌ای استادانه از این هنر نامید. در واقع پتینه کاری یکی از هنرهایی است که دوباره پس از سال‌ها در حوزه‌ی دکوراسیون داخلی در حال ترند شدن است؛ اما واقعا پتینه چیست؟

کلاسیک یا مدرن؛ مسئله این است!

همانطور که گفتیم، پتینه پوششی هنرمندانه برای دیوار است که انواع مختلفی دارد. پتینه‌ها به طور کلی روی یک رنگ پس‌زمینه که می‌تواند رنگ روغنی، پلاستیک یا اکریلیک باشد اجرا می‌شوند. این طرح‌ها می‌توانند برجسته یا تخت (فلت) باشند که بسته به دکوراسیون داخلی مدنظرتان باید نوع آن را انتخاب کنید. پتینه کاری را به دو دسته کلاسیک و مدرن تقسیم بندی می‌کنند که در ادامه بیشتر با آن‌ها آشنا خواهیم شد.

در انواع کلاسیک، عموما پتینه کاری‌ها جلوه‌ای قدیمی به خانه می‌بخشند. پتینه کاری برجسته که در قدیم بسیار کاربرد داشته، یکی از انواع کلاسیک آن است. در نوع کلاسیک که به پتینه‌ی ورقه طلا معروف است، از خمیر مخصوص پتینه کاری استفاده می‌شود و عموما از رنگ‌های طلایی برای تزئین آن استفاده می‌کنند. در نوعی دیگر از پتینه کلاسیک می‌توان نقش سنگ، آجر یا ترک را روی سطح مورد نظر اجرا کرد.

یکی از انواع پتینه کاری که بسیار پرطرفدار است، کهنه کاری است که با استفاده از این تکنیک می‌توان دیوار یا حتی وسایل خانه را به یک قطعه‌ی آنتیک تبدیل کرد؛ این کار با استفاده از یک روغن مخصوص به نام شاپون (یا شاپان) روی سطح مورد نظر اجرا می‌شود. در انواع مدرن‌تر از پوشش ابر و باد و آسمان یا طرح فرشته به عنوان الگوی پوشش استفاده می‌شود و یا می‌توان با استفاده از تکنیک‌های رنگ آمیزی، طرح چوب یا پوششی نقره‌ای را روی سطح اجرا کرد. پتینه کاری را می‌توان روی هر سطحی اجرا کرد؛ از دیوار گچی و رنگ خورده و کاغذ دیواری شده گرفته تا سطوح چوبی وسایل خانه یا ستون‌ها.

چرا پتینه برای تغییر دکوراسیون مناسب است؟

اول از همه اینکه پتینه کاری با تنوع نامحدودی که دارد، شما را از دست رنگ‌های ساده، بی‌روح و تکراری سفید و کرم و استخوانی رها می‌کند. دیگر آن که با استفاده از پتینه کاری می‌توان به راحتی ترک‌ها و موج‌های ایجاد شده روی دیوارهای گچی را پوشاند. سومین مزیت پتینه کاری این است که عمر بالایی دارد و ضد آب است؛ یعنی می‌توانید پتینه را روی دیوار یا روی سقف اجرا کنید و نگران تمیز کردنش هم نباشید. اگر هم زمانی قسمتی از دیوار یا نقش روی دیوار آسیب دید، می‌توانید به راحتی آن قسمت را ترمیم کنید. سرعت اجرای بالا و نداشتن بوی نامطبوع هنگام پیاده‌سازی، جزو مواردی هستند که پتینه کاری را به انتخابی مناسب تبدیل می‌کنند. اما شاید مهم‌ترین مزیتی که می‌توان برای پتینه برشمرد، قیمت مناسب و صرفه‌ی اقتصادی این پوشش است. با استفاده از تکنیک پتینه کاری می‌توان بسیاری از طرح‌های پرطرفدار که به وسیله کاغذ دیواری اجرا می‌شوند را با هزینه‌ای بسیار کمتر و با همان کیفیت اجرا کرد. هزینه پتینه کاری با توجه به جنس مواد اولیه، سختی اجرا و متراژ فضای مورد نظر تعیین می‌شود. این کار معمولا بین ۵ تا ۵۰ هزار تومان به ازای هر مترمربع هزینه در بر دارد و به طور میانگین در پروژه‌های پرطرفدار، می‌توان قیمتی در حدود ۱۵ هزارتومان برای هر مترمربع آن در نظر گرفت.

وقت‌های خالی‌تان را پتینه کاری کنید

پتینه همان‌قدر که هنر سختی است، می‌تواند آسان هم باشد؛ به قدری آسان که خودتان هم بتوانید آن را روی یکی از دیوارها یا وسایل خانه‌تان اجرا کنید. البته واضح است که اگر قرار باشد دیوار پذیرایی را پتینه کاری کنید، بهتر است از یک متخصص وارد به این کار کمک بگیرید و هنرتان را روی دیوارهایی که کمتر دیده می‌شوند پیاده کنید. برای این کار نیازی نیست آموزش پتینه کاری ببینید؛ بلکه با چند روش ساده و کمی سلیقه می‌توانید دیوار یا کمد قدیمی و از مد افتاده‌ی خانه را نو کنید. چند مورد از روش‌های پتینه کاری را برایتان آماده کرده‌ایم که به توضیح آنها می‌پردازیم.

پتینه کاری با اسفنج

برای این کار، اول باید سطح زیر کار را رنگ بزنید. در انتخاب رنگ کاملا آزاد هستید؛ اما پیشنهاد ما این است که برای انجام این کار، رنگی مخالف با رنگ پس‌زمینه را انتخاب کنید. کمی صبر کنید تا رنگ دیوار خشک شود و سپس با استفاده از یک اسفنج که به رنگ آغشته شده، به دیوار ضربه بزنید و طرح دلخواه‌تان را روی دیوار پیاده کنید. فراموش نکنید که با یک تکه کاغذ، رنگ اضافه‌ی اسفنج را بگیرید.

پتینه کاری با استفاده از پارچه

در پتینه کاری با استفاده از پارچه، ابتدا باید یک یا تعدادی پارچه‌ی کهنه پیدا کنید. حالا یکی این پارچه‌ها را بردارید و هرطور که دل‌تان می‌خواهید آن را مچاله کنید. در مرحله‌ی بعد، پارچه‌ی مچاله شده

را بـه رنـگ آغشـته کنیـد و بـا آن روی دیـوار ضربـه بزنیـد. عـلاوه بـر ضربـه زدن بـا پارچـه می‌توانیـد آن را بـه صـورت رنـدوم روی جاهـای مختلف دیـوار بکشـید تـا طـرح یکتایـی را خلـق کنیـد. روش دیگـری برای پتینـه کاری با اسـتفاده از پارچه وجـود دارد که در آن، پارچه بـه صـورت پیچانده شـده در رنگ فرو مـی‌رود و به شـکل وردنـه روی دیـوار حرکـت داده می‌شـود.

راه راه کردن دیوار

این یکی از روش‌های پرطرفدار پتینه کاری است. برای اینکار باید اول وسط دیوار را پیدا کنید و از وسط به دو طرف نوارهایی هم اندازه ایجاد کنید. سپس نوارها را به وسیله نوارچسب از هم جدا کنید. حالا که خیال‌تان از بابت قاطی نشدن رنگ‌ها راحت شد، نوارها را با رنگ‌های دلخواه رنگ بزنید و سپس نوارها را از دیوار جدا کنید. پیشنهاد ما این است که این کار را برای همه دیوارهای یک اتاق انجام ندهید و آن را فقط روی یکی از دیوارها اجرا کنید. ضمنا انتخاب رنگ‌ها در این روش خیلی مهم است و وجود هماهنگی رنگ‌ها حرف اول را می‌زند. برای درک هماهنگی بین رنگ‌ها پیشنهاد می‌کنیم «راهنمای جامع تئوری رنگ» را مطالعه کنید.

رنگ‌برداری

یکی دیگر از روش‌های کهنه نشان دادن دیوار، استفاده از تکنیک رنگ‌برداری است. کافی است دیواری با رنگ سالم و دست‌نخورده را انتخاب کنید و با یک کاردک تیز به جان رنگ آن بیفتید. هر اندازه فشار کاردک روی دیوار بیشتر باشد، کیفیت اجرای این تکنیک بیشتر خواهد بود و نتیجه‌ی کار کهنه‌تر به نظر خواهد رسید. این روش روی دیوارهایی جواب می‌دهد که رنگ آنها ثابت شده و مدت زیادی از عمر رنگ شدن آنها می‌گذرد؛ اما می‌توانید روی دیوار تازه رنگ‌خورده هم از تکنیک رنگ‌برداری استفاده کنید. در این حالت باید بلافاصله پس از نقاشی عادی و در حالتی که رنگ دیوار هنوز خیس است، تغییرات دلخواه‌تان را روی آن اعمال کنید. کافی است یک پارچه را با استفاده از آب خیس و سعی کنید با استفاده از آن، رنگ نقاط خاصی از دیوار را ببرید. هنگامی که رنگ قسمت‌هایی از دیوار برداشته شود، نتیجه‌ی دلخواه به دست خواهد آمد و دیوار شما کهنه به نظر خواهد رسید. به غیر از پارچه می‌توان از ابزارهای دیگری مثل برس یا حتی جارو هم برای این کار استفاده کرد.

گهواره های خالی

سکینه صادقی

دنیاره آخرین جمله اش را چند بار پاک کرد و نوشت: «گهواره های خالی یا دنیاره»

کودکان فلسطینی پیام آوران صلح جهانی خواهند شد، مادران کودک از دست داده، پریشان و نادان، آچنان به درگاه خدا زاری خواهند کرد، تا کودکی در تقدیر موسی، خواب خوش را بر فرعون زمان، حرام کند.

با بلند شدن صدای زنگ، دنیاره قلم را روی کاغذ گذاشت تند تند نوشته‌هایش را جمع کرد. سپس با دستی بر پهلو و شکمش که به سمت پایین تمایل شده بود کشید و با دست دیگر دستهی صندلی گردان میز کامپیوتر را گرفت و به سختی بلند شد، به طرف پنجره رو به حیاط رفت، مادر در حال چیدن زیتون بود.

یوما، یا ام حبیبی، افتح الباب

سلما بود، دوست و همسایه و هم کلاسی اش. او که مثل خواهر دوقلویش بود. مگر نه اینکه او و سلما در سحرگاه نیمه رمضان، دریکسال و یک ساعت معین، متولد شده بودند و مگرنه اینکه با هم بزرگ شده و همیشه کنار هم بودند.

هر دو زن برادر و خواهر شوهر آن دیگری بودند. در هر کاری که دنیاره می ماند سلما به کمکش می آمد و برعکس. دنیاره همیشه شاگرد اول کلاس بود و مورد توجه معلم و استاد، و سلما موفق در کارهای دستی و هنری.

سلما وارد حیاط شد؛ مادر همسرش را بوسید. اهلاً و سهلاً ام هانی، خاله جانم چه خبر؟ جمله ای آهسته گفت و وارد اتاق شد، رنگ در رنگ، بادکنک ها، آویزهایی با عکسهای بچه گانه، ماه و ستاره ی شب نما در سقف، گهواره ای سفید در گوشه ی اتاق که با پارچه ی توری صورتی بسیار زیبا تزئین شده بود. سلما چرخی زد، دستی به گهواره زد، بادکنک ها را تکان داد و آواز سر داد دنیاره را بغل کرد و محکم بوسید، سپس دو زانو بر زمین نشست و نی نی را ناز کرد. چه خبره سلما، خبرها را نشنیده ای، دیدم که به یوما گزارش می دادی! اینجا کی خبری نبوده، می شود دختر ابوعمار باشی و بی خبر بمانی! خوب بنت الشجاع العرب، اُم جمیل، آماده ای تا به دانشگاه برویم. صبحانه خورده ای، بذار برایت شربتی بسازم؟ خوبه حالا! روزهای روز این کارها با من بوده است، حالا با اون شکم و خیک می خواهد شربت بسازد، و به طرف در با سرعت حرکت کرد.

ام هانی با سینی شربت پشت در بود، سلما در را باز کرد، محکم به سینی خورد، لیوانهای شربت افتادند. سلما سینی را در هوا گرفت و خاله را بوسید و گفت: توبه، توبه، ببخشید... خاله لبخندی زد و گفت: این کار همیشگی توست، آب روشنایی است. خوب حالا چه شده؟ مگر سر می بُرید. امروز، خیلی مهم است، باید زود به دانشگاه برسیم، سینی و لیوانها را به آشپزخانه برد و باز شربتی درست کرد. سلما شربت خود را جرعه جرعه نوشید اما دنیاره لا جرعه شربت را سرکشید، و بلند شد، از داخل کمد مانتوی بلند و گشاد سبز رنگش که مانند عبایی همه ی اندامش، مخصوصاً شکمش را می پوشاند، پوشید و به دنبال شال گشت. سلما روسری بزرگ مغز پسته ای را از بین روسری ها بیرون کشید و روی سر دنیاره انداخت. این را سرت کن که به رنگ چشمهایت می آید! گونه او را بوسید و بلند بلند گفت: چقدر ماه شدی دنیا، خدایا این تو راهی کی میاد تا عمه به قربانش برود. دنیا دیر نکرده این فرمانده کوچولو!! سپس به سمت لباسهای نی نی در کمد کودک رفت، خب آقا کوچولو شما چی می پوشید؟ آها! لباس و سربند سفید، لباس صلح، کاش در آرامش پا به این دنیا بگذاری! سبد و کیف آماده ی کودک را کنار هم گذاشت، او عاشق سبد فرمانده کوچولو بود. دنیاره سبد را گرفت، لباسها را بوئید و بوسید؛ فرزندم مانند موسی در این سبد بنشین از آب‌های مدیترانه بگذر و به سوی قصر فرعون زمان روانه شو، و ناگهان گریه افتاد؛ آیا آن روز من با تو خواهم بود؟ مادر با اسپنددان روشن به اتاق برگشت! اسپنددان را دور شکم و سر دنیاره چرخاند و چشمانش را بوسید؛ آنچه خدا بخواهد همان می شود، همه ی مادرها روزهای آخر نگرانند، حالا بخند و به قلب من رحم کن! سلما گفت! خودش را لوس میکند خاله! و اسپنددان را دور سرش چرخاند. دنیاره آماده شد، وسایل بچه را بار دیگه به مادر نشان داد؛ شاید لازم بشود مادر(یوما)، من و سلما باید پایان نامه مان را ارائه کنیم و خیلی احتیاج به دعای شما داریم، یحتاجُ فی دعائی یا اُماه. مادر دستهایش

را بالا برد؛ ان‌شاالله، فی امان الله... از کوچه ای که سلما به آن بابا لنگ دراز می گفت به آرامی و قدم زنان گذشتند، سر کوچه کودکستان، دبستان و دبیرستان در یک مجتمع بزرگ بود، مغازه ها باز بود، صدای رادیوها بلند بود، گوینده؛ مرتب اعلام وضعیت اضطراری می کرد؛ مردم غیور غزه، ایها الناس دلاوران شما در عملیاتی چند تن از فرماندهان رژیم غاصب را که قصد تعرض به خاک ما را داشته‌اند گروگان گرفته و اعلام کرده اند در مقابل هر کدام از آنها باید صد نفر فلسطینی را از زندان آزاد کنند، اسرائیل تهدید به بمباران غزه کرده است، آماده باشید بچه ها و پیران و زنان باردار را دربیابید. سلما و دنیا به سمت کودکستان رفتند، بچه ها دور آن ها جمع شدند، یکی از آنها شعر کودک فلسطینی را خواند، یک دیگر نقاشی اش را به دنیاره نشان داد، یکی از آنها هواپیمایی را نشان می داد که بمب می ریخت، و کودکی که به سمت آن سنگ می‌انداخت؛ خاله خاله هواپیماهای آپاچی می خواهند بیایند، مربیمان گفته است؛ اگر وضعیت قرمز شد زود دنبال او به پناهگاه برویم، من می ترسم، خاله پیش ما بمان. سلما یک نی نی کوچولو از مهد را بغل کرد، دنیا ببین چه نازه، همش می خنده! وای چقدر خوردنیه، خدای من، لُپش را ببین، دست به شکمش کشید؛ حالا چرا لگد می زنی حسود کوچولو، تو هم خشگلی، ماه منی، ناگهان گریه اش گرفت، اشک از چشمهای سبز قشنگش مثل زمرد روی گونه هایش می چکید. وای سلما، دیشب خواب عجیبی دیدم، آنقدر واضح بود، درست مثل قصه ها و فیلم ها، خواب دیدم مانند زمان موسی، شارون دستور داده همه ی پسر بچه ها را بکشند، حتی پهلوهای زنان را بشکافند، همه از ترس در زیرزمین هایشان پنهان شده بودند، من و تو وارد سردابه ای عجیب شدیم، چند زن، با حجاب و وقار منتظر ما بودند، آنها کمک کردند تا من بارم را به زمین بگذارم، هیچ دردی احساس نمی کردم. بچه را در سبد گذاشتند و به تو دادند، آنها به من شربتی دادند و مرا با خودشان به سوی آسمان بردند و من بی‌تابانه زار می زدم، ما تو را می دیدیم که سبد در دست به سوی مدیترانه می رفتی سبد را بر روی آب گذاشتی، چند فرشته بچه را همراهی میکردند، سبد می رفت و تو می دویدی، آب او را به سمت قصر نتانیاهو می برد، کودک می خندید. ناگهان زنان دست مرا رها کردند و من به سرعت به سمت زمین روانه شدم از خواب پریدم. سلما به من قول بده، اگر اتفاقی برای من افتاد و دیگر گریه امانش نداد. صدای گریه سلما هم بلند شد، مربی و بچه ها دور آنها جمع شدند، مربی آب قندی به دست دنیا داد. سلما گفت: کاش برگردیم خانه، پایان نامه تو سر من بخورد، من نمی خواهم لحظه ای بدون تو باشم ، دنیای بدون دنیا برای من معنی ندارد، دلم را شور انداختی! خب حالا شلوغش نکن، پاشو بریم، داره دیر میشه، بچه ها را یکی یکی بوسیدند و دست تکان دادند. بیمارستان آن طرف خیابان بود، آمبولانس ها حالت آماده باش داشتند. دانشگاه در قسمت انتهایی خیابان، حالت بن بست بود، چشم انداز و طراحی سر در آن با زیتون نماد صلح بسیار زیبا بود، حفاظ های فلزی، دور تا دور آن خودنمایی می کرد، درختان زیتون و مرکبات در اطراف آن فضای جنگلی و مرطوبی ایجاد کرده بود حوض آب همراه فواره و نیمکت های رنگی در اطراف آن همراه با گلهای رز قرمز و سفید و صورتی، علم را با هنر آمیخته بود و آرامشی خاص می داد. اما وجود افراد گارد که با فاصله ی چند متر از هم ایستاده و از آن محافظت می کردند فضای دلهره و اضطراب را به وجود می آورد. دنیا و سلما وارد شدند. کاش به جای تو یاسر همراهم بود، خیلی دلم او را می خواهد. به جای من، خیلی بدی! خوب، دلتنگشم دیگه! می خواهی برگردم؟ سلما دو سه قدم از او دور شد و به طرف در دانشگاه برگشت. دنیاره به دنبال او رفت و دستش را کشید. کاش بلد بودی قهر کنی. تو این همه سال یک روز هم از دستت نفس راحت نکشیدم. خندید و او را به دنبال خود کشید. وسط حیاط دانشگاه ضد هوایی روی پایه ای بلند به چشم می خورد. اما آن دو بی اعشاء گذشتند. می دانی سلما! روزهای اول که این را آورده بودند ترس به دلم افتاد اما حال نه گاردی ها نه وجود بچه های مقاومت نه این ضد هوایی هیچکدام نمی‌ترساندم. تازه فکر می کنم قوت قلبم هم بیشتر می شود. ولی همه‌ی اینها نشانه‌های جنگند.اینکه هر لحظه ممکن است اتفاقی بیفتد.چرا آن طرف قضیه را نمیبینی. اینکه جوانان غزه برای مقابله باهرگونه تهاجمی آماده‌اند. هرلحظه و درهرجا. دنیاره همانطورکه ازپله های ساختمان دانشگاه نفس نفس زنان بالا میرفت گفت: پس میگیریم. تکه‌های تن کشورمانرا از کسانی که آمدند و به زور آنرا ازما گرفتند. پس می‌گیریم. مطمئنم. هنوز حرفش تمام نشده بود که چند نفر از دوستانشان به طرف شان دویدند.به‌به ببینید کی‌ها آمدند. خواهران دوقلو! یکی ازهمکلاسی‌ها که دختری قد بلند با صورتی سبزه و چشمان درشت مشکی بود گفت: وای خدای من دنیاره! با این حالت آمدی چه کنی؟ دنیاره گفت: آمدم تا با استاد صحبت کنم. نوبت پایان‌نامه‌ی من وسلما هست؛ شاید هم اومدم تو را ببینم شاید بچه ام شکل تو بشه؛ جمیلا لشکلوالقَد... همه خندیدند. قبل از آنکه بروی بگو ببینم نی‌نی‌ات کی به دنیا میاد؟ حالا چی هست دختره یا پسر؟ یکی دیگر از همکلاسی‌ها خندید. معلومه که بچه دنیاره و یاسر هر چی باشه فرمانده است. پدرفرمانده، مادرفرمانده. یکی دیگر از بچه‌ها دست دورگردن دنیاره انداخت، قربون این کوچولو بروم من، خاله‌ها منتظرن، باید برای تولدش یک جشن حسابی بگیریم. همگی خنده کنان به طرف سالن بزرگ دانشگاه رفتند، جایی که قرار بود استاد محمد یاسین دفاعیه دنیاره وسلما را بشنود. همه درجای خود می‌نشینند. استاد محمد یاسین به پشت تریبون می‌رود، دانشجویان برایش ابراز احساسات می‌کنند. استاد سختگیر، جدی و بسیار مهربان وخوش برخورد است. او دانشجویان را دعوت به سکوت می‌کند، شرایط اضطراری را یادآوری می‌کند و برای گروه مقاومت و مردم غزه و دانشجویان آرزوی پایداری می‌کند و ازخدای مهربان طلب صلح و آرامش برای مردمش می‌کند. استاد نام کسانی را که قرار است پایان‌نامه هایشان را ارائه کنند اعلام می‌کند. دنیاره به خاطر شرایط مخصوصش

اولین نفر است که به پشت تریبون فراخوانده می‌شود. تعدادی از بچه‌های گروه مقاومت چفیه برسر و صورت بسته به حالت آماده باش ایستاده‌اند. دنیا به همراه سلما، به سمت تریبون حرکت می‌کند. جزوه ها که باسلیقه طراحی شده، دردستان سلماست. دنیاره پشت تریبون قرارمی‌گیرد، برای لحظاتی چشمانش را می‌بندد. آرزو می‌کند وقتی چشمانش را باز می‌کند یاسر را ببیند، آخر او قول داده است که هرطور است خودش را برساند، دنیاره می‌داند دراین شرایط یاسر نمی‌تواند بیاید ولی دلش چیز دیگری میگوید در دلش دعا می‌خواند. اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین، اما دردرونش به تکاپو افتاده‌است. می‌خواهد شروع کند بغض راه گلویش را می‌بندد، سلما به او لیوانی آب می‌دهد. دستش را که یخ کرده است در دستانش می‌گیرد. موضوع پایان‌نامه‌ی ما (رد پای شیطان درهمه جا است) می‌باشد.

استادگرامی، دانشجویان عزیز، متأسفانه پایان‌نامه‌ی ما در بحرانی‌ترین شرایط ارائه می‌شود، هرلحظه ممکن است دشمن قسم‌خورده‌ی ما تهدیدش را اجرا کند، ازطرفی شرایط جسمانی من هم کاملاً بحرانی است. (دانشجویان میخندند و دست میزنند) بحران در بحران، با اجازه‌ی استاد رئوس کار مرا ارائه میدهم؛ در سفری که برای بزرگداشت امام‌خمینی (دانشجویان صلوات فرستادند) به تهران و مرقد امام رفته بودیم، دانشجویان دختر و پسر با ما بسیار مهربان بودند و مهمان نوازی به حدی بود که ما را شرمنده می‌کردند، همواره از ما در مقابل اسرائیل حمایت می‌کردند، اما کمی دلخور به‌نظر می‌رسیدند، بعد از گفتگو معلوم شد که دشمنان باتبلیغاتشان میخواهند بینما تفرقه بیندازند و ما را نسبت به هم بی‌تفاوت کنند. سؤالات متعددی در مورد نوار غزه و شهر غزه و اینکه چرا در غزه همیشه جنگ و آشوب است ولی در کرانه‌ی باختری نیست و از همه مهم تر، اینکه آیا ما ناصبی و ضد شیعه هستیم و کمک های شیعیان ایران را نمی‌خواهیم و سؤالاتی دیگر، که لازم دانستیم پایان نامه ام را بر این اساس بنویسم:

اینکه نوار غزه یا قطاع غزه، ناحیه‌ای است نوار گونه درکنار دریای مدیترانه، و غزه در جنوب غربی آن با مصر(گذرگاه رفح) در غرب واسرائیل در شمال مشرق هم مرزاست، اینکه غزه حدود ۱/۸۰۰ هزار نفر جمعیت دارد و اینکه ازنظر تراکم سومین شهربعد ازسنگاپور است و اینکه ۹۹ درصد مردم غزه مسلمان و بقیه مسیحی و همه فلسطینی هستند، مهم نیست.

مهم این است که غزه‌ای که ما الان درآن زندگی می‌کنیم در چه موقعیتی است؟ غزه شاید ازنظر لغوی جنگ را به خاطر بیاورد ولی در واقع و برای ما غزه به معنای صلح و آرامش است. غزه‌ای که ازسال ۲۰۰۵ میلادی از اشغال غاصبان با جنگ های دلاوران بیرون آمده است وسال‌ها غریبانه در اشغال بوده‌است، صلح می‌خواهد، آرامش می‌خواهد، دنیا اینرا باید بداند اما اسرائیل نمی‌گذارد و به هر بهانه‌ای به شهر ما حمله می‌کند، شاید دلش برای غزه تنگ شده‌است! (دانشجویان میخندند و دست میزنند)

دنیا می‌خندد و می‌گوید: برای من دست زدید یا اسرائیل؟ و ادامه می‌دهد؛ همین الان که من با شما صحبت می‌کنم میدانید که بچه‌های دلیرمقاومت، ۳ نفراز سرداران اسرائیلی را که محرمانه وارد شهرشده‌اند به اسارت گرفته‌اند و در مقابل آزادی تعدادی ازجوانان ما را که در زندان‌های آنها گرفتارند را خواسته‌اند. اما آنها نیز نپذیرفته‌اند و تهدید به بمباران شهرمان کرده‌اند، هرلحظه ممکن است تهدیدش را عملی کند. ناگهان صدای انفجاری شدید شنیده شد، خبر رسید که تعدادی از کارخانه‌ها و مراکز اقتصادی را زده‌است، صدای مرگ براسرائیل بچه‌ها بلند شد. استاد بچه‌ها را دعوت به سکوت کرد و رو به دنیاره گفت که خلاصه تر بگوید: دنیاره ادامه داد: به ما تهمت ناصبی بودن میزنند، چه کسی از ما شیعه تراست، درست است که شافعی مذهب هستیم و رهبرشافعی‌ها، ابوعبدالله ادریس شافعی از شهرما بوده‌است. اما ما با عشق حسین(ع) زندگی می‌کنیم و نام و یاد حسین(ع) مردم غزه را به حرکت در می‌آورد، در غزه دو مسجد با نام حسین(ع) داریم و هرسال عاشور اعزاداری می‌کنیم. باورکنید غزه همان کربلاست و برای ما این زمان عاشورا است. دوستان عزیز، به قول شهید مطهری، شهر آن زمان را رهاکنید، شهراین زمان را دریابید! دانشجویان فریاد یا حسین سر دادند، صدای آنها در صدای انفجار دوم گم شد دشمن نزدیکتر آمده است، صدای آژیر، آمبولانس‌ها و آتش نشانی شنیده می شود.

دنیاره احساس درد شدیدی در کمرش می‌کند، بچه ها آرامش خود را از دست داده اند! دنیا آبی می خورد، استاد فرمان ادامه را می دهد و از دانشجویان می خواهد آرام باشند. اگر صدای غزه را می شنیدید، صدای ضجه‌اش را که مانند مادری مهربان برای فرزندانش مویه می کند را می‌شنیدیم، از دل غزه خون می جوشد، یاقوت می شود در قلب بچه هایش، مروارید می شود در دل صدف های دریایش، و زمرد می شود در چشم فرزندانش! دشمن می خواهد سیاست مشت آهنین، نوعی بی رحمی خارج از تصور را به نمایش بگذارد تا ما را مجبور به مهاجرت کند اما باید بداند. ما با مرگ زاده می شویم، با مرگ زندگی می کنیم، در میان آتش و خون، بهترین رتبه علمی دانشگاه را، رقم می زنیم و به قول دکتر شریعتی دعا می کنیم که:

خدایا تو چگونه مردن، را به ما بیامرز، خود چگونه زیستن را خواهیم آموخت مانند حسین(ع) مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح می دهیم. ما آرزوی صلح و آرامش را به فرزندانمان منتقل می کنیم و باور داریم و آماده می شویم برای روزی که منجی صلح بشریت بیاید. سومین انفجار آنقدر نزدیک بود که شیشه های سالن دانشگاه را شکست. خبر رسید کودکستان مراکز آموزشی مورد حمله قرار گرفته است. دانشجویانی که بچه هایشان در آنجا بودند فریادکنان و بر سرزنان به سمت در هجوم بردند. صدای آمبولانس ها نزدیک و نزدیکتر می‌شد. دنیا احساس کرد کمرش از وسط به دو نیم شد، ناخودآگاه فریادی دلخراش کشید. انفجار چهارم انگار در وجود خودش روی داده بود، درد آنچنان شدید و ناگهانی بود که... دیگر هیچ نفهمید. صدای فریادش بارها در میکروفن تکرار شد. سلما سرش را در آغوش گرفت، بچه‌ها (دخترها) به دورش جمع شدند، دنیا صداها را مبهم می شنید، چند تا از بچه‌های دانشجوهای پزشکی و مامایی هم به کمک آمدند، سالن را خلوت کردند،

استاد از یک طرف نگران دنیاره و از طرف دیگه نگران تنها دخترش در دبستان بود، در حالیکه سفارش‌های لازم را می کرد ،گفت: شاید اراده‌ی خداوند بر این قرار گرفته که نوزادی در تقدیر موسی، در دانشگاه به دنیا بیاید وکلاه سروری و فرماندهی را از اول بر سر بگذارد. بچه ها با سرعت وسایل کمک های اولیه را آماده کردند، یکی از دانشجویان پزشکی آهسته به دوستش گفت، به نظر من یا مادر زنده می ماند یا بچه، باید او را به بیمارستان برسانیم. دنیاره انگار صدا را شنید، چنان فریاد یا فاطمه اغیثینی کشید که... (صدای گریه‌ی نوزاد فضای سالن دانشگاه را پر کرد، صدای گریه در میکروفن پخش شد) صدای گریه‌ی نوزاد در صدای انفجار مهیبی در نزدیکی دانشگاه گم شد. و فریاد شادی دوستان را به دنبال داشت.

بیماری‌های خطرناک بعد از ماه رمضان

تحریریه نشریه

مراقب بیماری خطرناک بعد از ماه رمضان باشید

بی شک به دلیل جنبه های مثبت سلامتی ماه رمضان، بدن در این ماه مبارک از برخی بیماری ها تا حدودی دور می شود ولی بعد از اتمام این ماه برخی بیماری های خطرناک دوباره به سراغ فرد می آیند.

این بیماری خطرناک بعد از ماه رمضان در کمین افراد است!!

بیماری خطرناک فشار خون در طول ماه مبارک رمضان به خوبی کنترل می شود ولی بعداز پایان این ماه دوباره فرد در معرض افت و خیز این بیماری قرار می گیرد.

بیماری فشار خون زمانی اتفاق می افتد که فشار خون بالای ۱۴۰ میلی متر جیوه باشد، علت این بیماری در بسیاری از افراد نا شناخته است و سایر علل بیماری فشار خون مربوط به کلیه و دستگاه قلبی، عروقی است که اگر این بیماری تحت کنترل نباشد و بیمار از درمان آن خودداری کند موجب خفگی در افراد می شود. عواملی که باعث بالابردن فشار خون در افراد می شود مصرف غذاهایی است که مقدار زیادی سدیم دارا باشد که در راس آنها نمک طعام قرار دارد و همچنین غذاهایی که بالقوه حاوی نمک زیاد است مثل ماهی دودی، تن ماهی، خیار شور و بسیاری از کنسرو ها و از طرف دیگر موادی که به کاهش فشار خون کمک می کنند غذاهایی هستند که حاوی املاح کلسیم، منیزیم و پتاسیم باشد.

نکاتی برای کنترل این بیماری بعد از ماه رمضان

در طی این ماه مبارک به علت اینکه وعده های غذایی افراد منظم می شود و افراد برای رفع تشنگی از سالاد و سبزیجات استفاده می کنند دریافت پتاسیم و منیزیم بدنشان بیشتر می شود که این امر به کاهش فشار خون کمک می کند. به دلیل اینکه افراد به علت ترس از تشنگی مصرف نمک را در این ماه کاهش می دهند بنابراین با مصرف سدیم رو به رو هستند و کمتر در این ماه فشار خون بالا را تجربه می کنند.

اما متاسفانه بسیاری از افراد با اتمام این ماه عادات غذایی نامناسب گذشته را تکرار می کنند و مجددا به سراغ مصرف بیش از حد نمک می روند که موجب افزایش شدید فشار خون در آنها می شود. طبق دستور سازمان بهداشت جهانی تمام افراد باید کمتر از ۶ گرم در روز نمک طعام مصرف کنند که این میزان در افراد مبتلا به فشار خون حدودا باید به، نصف برسد پس بهتر است نه فقط در این ماه مبارک بلکه در تمام ماهها مصرف نمک را به حداقل رساند.

۸ توصیه برای دستیابی به زندگی موفق

حجت الاسلام مجید آقا بابا | مولف کتاب ۱۱۴ پیام مشاوره

۱. نیکی و محبت

آقا امیرالمؤمنین(علیه السلام) می‌فرمایند: **بالایثار یسترق الاحرار** آزادمردان، با ایثار بنده و غلام می‌شوند (غرر الحکم، ج۱ ص ۳۲۹)

بخشش و محبت، گامی مهم در جذب دل‌ها و ایجاد الفت و تحکیم روابط عاطفی در میان همسران و اعضای خانواده است. به هرکس نیکی کنی، او را مطیع خویش می‌سازی و به هرکس محبت و لطف کنی، قلعه دلش را فتح کرده‌ای.

۲. عفو و گذشت

کینه‌توزی و لجاجت، از ویژگیهای رفتاری انسانهای ضعیف است. برعکس، آنان که نظر بلند و روح بزرگ دارند، پوزش‌ها را میپذیرند، از خطاهای دیگران چشم می‌پوشند و از حق شخصی خویش می‌گذرند. بلند نظری عامل جلب محبت دل‌های دیگران است و برای خود انسان لذت روحی را به دنبال دارد. جمله «در عفو، لذتی است که در انتقام نیست» حاکی از آن است که بخشش لذت دارد و رفتاری است که مورد پذیرش و توصیه انسان‌های بهنجار است.

یکی از آفات ارتباط مطلوب همسران، لجبازی است که متأسفانه برخی از خانم‌ها و آقایان بدون در نظر گرفتن موقعیت و وضعیت همسر خود دچار این رذیله اخلاقی و اجتماعی می‌شوند و برای بعضی مسایل بسیار جزئی به قدری پافشاری می‌کنند که حاضر می‌شوند زندگی خودرا به خاطر آن متلاشی سازند.

۳. خوش اخلاقی

«حسن خلق» پایه و اساس یك زندگی سالم است. خوش خلقی خانم خانواده تأثیری معجزه آسا بر رضایت مرد از زندگی و تلاش برای بهبود وضع زندگی و روابط عاطفی دارد. حسن خلق کمندی است که دیگران را در دام محبت اسیر می‌کند.

از امام صادق (علیه‌السلام) پرسیدند: حد و مرز اخلاق نیك چیست؟ حضرت فرمودند: آن است که اخلاقت را نرم کنی، کلامت را پاکیزه سازی و با چهره‌ای باز و گشاده با برادران دینی‌ات روبرو شوی (معانی الاخبار، ص۲۵۳)

۴. سپاسگزاری

در برخوردهای اجتماعی و به خصوص در روابط خانوادگی، یکی از عوامل محبت آفرین و تحکیم روابط، داشتن حالت و روحیه «سپاسگزاری»، «قدردانی» و «حق شناسی» نسبت به اطرافیان است.

در سپاسگزاری نسبت به دیگران، توجه به نعمت‌های مادی و معنوی که از ایشان به ما می‌رسد، گام نخست در پیدایش حالت سپاس است. فرهنگ تقدیر و تشکر،

توسعه خیرات و افزایش نیکوکاری و احسان در جامعه را در پی دارد. یکی از ویژگی‌های مردان این است که با ابراز خوشحالی و تشکر از جانب همسر، احساس خوشبختی می‌کنند و مصمم‌تر از پیش به کار و فعالیت می‌پردازند.
امیرالمؤمنین (علیه السلام) میفرماید: سپاسگزاری تو از کسی که از تو راضی است، رضایت و وفای او را میافزاید و سپاسگزاری تو از کسی که بر تو خشمگین است موجب صلاح و تمایل و عاطفه از سوی او نسبت به تو می‌گردد. (میزان الحکمه، ج ۵ ،ص ۱۵۲)

۵. ابراز علاقه

صفای زندگی به حاکمیت عشق و علاقه بر محیط زندگی و معاشرت است و اگر دوستی و علاقه نباشد، زندگی جهنمی سوزان و محیطی سرد و بی‌روح است. گاهی گفتن کلمه «دوستت دارم» شعله محبت را فروزان می‌کند و به زندگی‌ها روح و نشاط می‌بخشد. ابراز عشق و علاقه در محیط خانواده و میان همسران فضایی بهشتی را در خانه پدید می‌آورد. چه دوزخ‌های سوزانی که معلول کمبود محبت و عاطفه فرزندان از جانب والدین است و حسرت شنیدن «عزیزم، دلبندم و..» سال‌ها بر دل اهل خانواده می‌ماند و گرفتار عقده و کمبود محبت می‌شوند.
پیامبر مهربانی‌ها حضرت محمد (صلّی‌الله علیه و آله و سلّم): اینکه مرد، به همسر خود بگوید: «تو را دوست دارم» هرگز از دل همسر بیرون نمی‌رود (وسائل الشیعه، ج ۲۰ ،ص۲۴)
بیان زن نسبت به شوهر نیز از چنین اهمیتی برخوردار است. به راستی وقتی با بیان یك جمله می‌توان روح امیدواری و عشق را به زندگی دمید، چرا خود را از این نعمت محروم کنیم؟ پس بیایید از این لحظه به بعد با اظهار محبت و علاقه به یکدیگر فضای خانه و خانواده را سرشار از شادی و امید کنیم و با استواری به سوی پیشرفت گام برداریم.

۶. مدیریت شوهر

همانطور که هر مؤسسه، اداره و سازمانی نیاز به یك مدیر دارد، خانواده نیز علیرغم وجود تفاهم و تعاون، نیازمند مدیر است. از طرفی از آنجا که این کار غالباً از عهده مرد بهتر ساخته است، خداوند حکیم این مسئولیت بزرگ را بر دوش آنان نهاده است. این موضوع نیز بدان معنا نیست که مقام زن کوچك شمرده شده باشد، بلکه حفظ نظم و انضباط منزل، چنین روشی را می‌طلبد. البته این موضوع به تجربه نیز ثابت شده است که زنان به دلیل ویژگی‌هایی که دارند توانایی تحمل بار سنگین مدیریت زندگی را ندارند و پس از مدتی دچار خستگی شده و شادابی خود را از دست می‌دهند. زن مظهر محبت و رحمت است و خداوند متعال وظیفه برآورده کردن نیازهای عاطفی را به زن‌ها و اداره امور خانواده را به مردان واگذار کرده اس...

۷. شوهرداری

زن، با هنر شوهرداری میتواند همسرش را به اوج ترقی برساند و کانون خانواده را برای خود و خانواده گلستان کند. یکی از دانشمندان مینویسد: زن قدرت عجیبی دارد، مثل قضا و قدر است، هرچه بخواهد همان است. (در آغوش خوشبختی ص۱۴۲)
ناپلئون میگوید: اگر می‌خواهید اندازه تمدن و پیشرفت ملتی را بدانید به زنان آن ملت بنگرید.
شوهرداری به قدری در نظر اسلام اهمیت دارد که اولیای دین آن را هم ردیف جهاد در راه خدا دانسته‌اند.
مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام)می‌فرمایند: جهاد زن به این است که خوب شوهرداری کند. (بحارالانوار، ج ۱۰۳ ،ص ۲۵۲)
رسول خدا (صلّی‌الله علیه و آله و سلّم)می‌فرمایند: هر زنی که ازدنیا برود در حالی که شوهرش از او راضی باشد، داخل بهشت می‌شود. (محجة البیضاء، ج ۲ ،ص۷۰)

۸. کم گویی و گزیده گویی

از عوامل و نشانه‌های جذابیت و اثر گذاری سخن آن است که به حداقل اکتفاء و بهترین سخن برگزیده شود. خانم‌ها توجه داشته باشند که بکارگیری محفوظات ذهنی و به عبارت دیگر، پرگویی، در بسیاری از موقعیت‌ها نه تنها گره‌گشا نیست بلکه بر مشکلات زندگی نیز می‌افزاید، بنابراین کنترل زبان برای خانم‌ها بسیار ضروری است و در بهبودی و آرامش فردی و خانوادگی آنان تأثیر بسزایی دارد.
امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند: آرامش انسان در کنترل زبان است. (جلوه‌های حکمت، ص ۵۲۱)
یکی از شاخه‌های «حسن خلق» خوشگویی است، که رابطه‌ها را استوارتر و پیوندها را صمیمی‌تر می‌سازد، ارزش انسان و جوهره وجودی‌اش را زبان و بیان روشن میسازد: یکی تحقیر می‌کند، یکی تشویق، یکی عیب‌جویی می‌کند، دیگری تحسین و تقدیر، یکی ملامت می‌کند، دیگری پروبال می‌دهد و امید می‌آفریند؛ کدام یك خوبتر است؟ انسان عاقل و خردمند قطعاً خوب‌تر را انتخاب می‌کند و به دنبال بوجود آوردن فضایی آرامش‌بخش در زندگی است.

چگونه ورزش کنیم تا لاغر شویم؟

تحریریه نشریه برگرفته از مقاله مریم مرادیان نیری

ورزش و تمرین با شدت بالا می‌تواند کمکتان کند با تمرین کمتر و البته صرف وقت کمتر، وزن بیشتری کم کنید. ضمناً این شیوه‌ی تمرینی باعث می‌شود بافت عضلانی خود را حفظ کرده و وزنی که از دست می‌دهید، برنگردد.

آیا تمرینات تناوبی پُرشدت برای کاهش وزن و چربی سوزی بهتر است یا ورزش‌هایی با شدت متوسط و یکنواخت؟ تمرینات تناوبی با شدت بالا از جهت طول مدت کوتاهی که دارند، یک امتیاز جلوترند. مطالعات نشان می‌دهند شما می‌توانید حتی با جلسات ده دقیقه‌ای تمرینات تناوبی با شدت بالا (HIIT) به سلامت قلب و عروقتان کمک کنید.

رمز نتیجه گرفتن از تمرینات تناوبی، شدت آن است. شما نمی‌توانید به مدت ۱۰ دقیقه با سرعت و شدت کم ورزش کنید و انتظار داشته باشید چربی زیادی بسوزانید. هرچند ده دقیقه تمرین متناوب با شدت بالا کافی است تا از فوایدش بهره‌مند شوید؛ اما بیشتر افراد این تمرینات را به مدت ۲۰ دقیقه انجام می‌دهند. اگر جلسات تمرینی خود را به بیش از ۳۰ دقیقه برسانید، خسته می‌شوید و احتمالاً نمی‌توانید با همان شدتی که در ابتدا تمرین می‌کردید ادامه بدهید. اما ۲۰ تا ۳۰ دقیقه تمرین، در مقایسه با ۴۰ تا ۶۰ دقیقه تمرین و ورزش با شدت متوسط (مثل دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی تند و یا دو)، همچنان از جهت صرف وقت، خوب و قابل توجه است. اما اگر قصدتان کاهش وزن است، کدام فُرم از تمرین، احتمال موفقیتتان را بالا می‌برد؟

در مطالعه‌ای که در نشریه‌ی Sports Medicine منتشر شد، محققان به بررسی و مقایسه‌ی تمرین با شدت متوسط با تمرینات تناوبی پُرشدت در زمینه‌ی کاهش وزن پرداختند. آن‌ها پژوهش‌های قبلی در این مورد را نیز بررسی کردند و بعد از تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته‌ها از بسیاری از مطالعات معلوم شد تمرینات تناوبی برای کاهش وزن مؤثرترند. در واقع تمرینات تناوبی در مقایسه با تمرینات با شدت متوسط به طور کلی منجر به افزایش ۲۸،۵ درصدی در کاهش وزن شده بودند.

دانشمندان، تفاوت قابل توجهی از جنبه‌ی چربی سوزی پیدا نکردند. کاهش چربی بدن بین دو گروه مشابه بود. در میان انواع گوناگون تمرینات تناوبی با شدت بالا، دوره‌های کوتاه اسپرینت و به دنبال آن ریکاوری، مؤثرترین شیوه برای کاهش وزن بوده است. چربی‌سوزی بین دو گروه تفاوت چندانی نداشت. با وجود اینکه میزان چربی سوزی مشابه بوده اما تمرینات تناوبی پُرشدت به این علت که طول مدت کوتاهی دارند برای بیشتر افراد مفیدتر و ممتازترند.

تمرینات تناوبی پُرشدت برای حفظ وزن ایده آل

تمرینات تناوبی با شدت بالا از جهت دیگری نیز برای کنترل وزن مفیدند. یکی از فرسوده کننده‌ترین جنبه‌های کاهش وزن، برگشت وزن از دست رفته است! حدود ۸۰ درصد از افرادی که ده درصد یا بیشتر از وزن بدن خود کم می‌کنند، بعد از مدتی همین اندازه یا بیشتر، وزنشان برمی‌گردد. این واقعیت بسیار تلخی در مورد کاهش وزن است. بدن شما با تغییرات متابولیکی نسبت به کاهش وزن زیاد واکنش نشان می‌دهد و همین باعث می‌شود وزن از دست رفته، راحت‌تر برگردد. یکی از بزرگ‌ترین موانع افراد برای ورزش کردن، کمبود وقت است. اما تمرینات تناوبی با شدت بالا این مشکل را برطرف کرده است زیرا شما می‌توانید طول مدت تمرین را به نصف و یا حتی یک‌سوم برسانید و همان نتیجه را بگیرید.

اما مطالعه‌ای که توسط پژوهشگران دانشگاه آلاباما انجام شد دریافت ترکیب کردن یک رژیم غذایی کم کالری با تمرینات تناوبی با شدت بالا، در حفظ توده‌ی عضلانی و کاهش برگشت وزن بعد از کاهش وزن، مؤثرتر بوده است. یکی از دلایل اینکه بعد از کاهش وزن، افزایش وزن به راحتی صورت می‌گیرد این است که بافت عضلانی فعال کمتری برای حفظ سرعت سوخت و سازتان دارید. ضمناً بدن شما بدون اینکه متوجه شوید، زیرکانه از میزان فعالیت و تحرکتان کم می‌کند تا انرژی‌تان را حفظ کند. بنابراین تمرینات تناوبی با شدت بالا در کنار یک رژیم غذایی با کالری محدود، به حفظ عضلات کمک می‌کند و به گفته‌ی دکتر Eric Plaisance، سرپرست این تحقیق، تمرینات تناوبی پُرشدت می‌توانند در عرض ۲۰ دقیقه، کاهش وزنی مشابه ورزش‌هایی با شدت متوسط اما به مدت ۶۰ دقیقه ایجاد کنند. برای بیشتر ما که فرصت کم و مشغله‌های زیاد داریم، این تفاوت در طول مدت ورزش، اهمیت دارد، ضمن اینکه بهتر از هر روش دیگری جلوی برگشت وزن از دست رفته را می‌گیرد.

سایر امتیازات تمرینات تناوبی پُرشدت برای کنترل وزن

یکی از بزرگ‌ترین موانع افراد برای ورزش کردن، کمبود وقت است. اما تمرینات تناوبی با شدت بالا این مشکل را برطرف کرده است زیرا شما می‌توانید طول مدت تمرین را به نصف و یا حتی یک‌سوم برسانید و همان نتیجه را بگیرید.

یک دلیل دیگر طفره رفتن افراد از ورزش و تمرین این است که فشار وارد کردن به بدن تا جایی که به نفس نفس زدن بیفتید و عرق از سر و روی‌تان بریزد کار سختی است. جالب است بدانید دانشمندان دریافته‌اند افراد، تمرینات تناوبی با شدت بالا (HIIT) را به ورزش‌هایی با شدت متوسط ترجیح می‌دهند. تمرین و ورزش با شدت متوسط می‌تواند کسل‌کننده و یکنواخت باشد. هرچند تمرینات تناوبی، شدت زیادی دارند اما شما می‌توانید اینتروال‌های پُرشدت را با اینتروال‌های ریکاوری، تعدیل کنید و خستگی و یکنواختی آن را بگیرید.

در مطالعه‌ای محققان دریافتند بیشتر افراد، تمرینات تناوبی پُرشدت را راحت‌تر و لذت‌بخش‌تر از ورزش با شدت متوسط می‌دانند. همچنین معلوم شد افراد، اینتروال‌های کوتاه مدت‌تر را کم شدت‌تر از اینتروال‌های بلندمدت‌تر می‌دانند. در این پژوهش، میزان خستگی و ناتوانی در اینتروال‌های ۳۰ و ۶۰ و ۱۲۰ ثانیه‌ای با استفاده از نسبت یک به یک مدت فعالیت و استراحت سنجش و اندازه‌گیری شد. افراد مورد آزمایش، اینتروال‌های ۳۰ ثانیه‌ای را قابل تحمل‌ترین مدت ارزیابی کرده بودند، حتی زمانی که شدت تمرین‌شان کنترل شده بود.

در مورد سلامت قلبی و عروقی چطور؟

یکی از علت‌هایی که افراد به ورزش با شدت متوسط می‌پردازند این است که قلبشان را ورزیده‌تر کنند و ظرفیت هوازی‌شان را بالا ببرند. تحقیقات نشان می‌دهد ورزش با شدت متوسط و یکنواخت می‌تواند به مرور زمان، max VO2 (بیشترین مقدار اکسیژنی که بدن می‌تواند حین ورزش مصرف کند) را افزایش بدهد. داشتن توان هوازی بیشتر، استقامت و توان ورزشی را افزایش می‌دهد تا بتوانید ورزش را با شدت ساب ماکسیمال تاب بیاورید و ادامه دهید. اما تحقیقات نشان می‌دهد تمرینات تناوبی با شدت بالا، هم ظرفیت هوازی و هم ظرفیت غیرهوازی را تقویت می‌کند و این شرایط می‌تواند در افزایش ظرفیت هوازی موفق‌تر از ورزش‌های هوازی با شدت یکنواخت، مانند دوچرخه سواری و پیاده روی باشد. در یک پژوهش مردانی که در هفته ۱۵۰ دقیقه با سرعتی یکنواخت می‌دویدند، نسبت به مردانی که فقط ۴۰ دقیقه در هفته تمرینات تناوبی پُرشدت انجام می‌دادند، افزایش کمتری در max VO2 خود داشتند. ضمناً مطالعات حاکی از آن هستند که تمرینات تناوبی با شدت بالا سریع‌تر از ورزش با شدت متوسط می‌توانند max VO2 را تقویت کنند.

فصلنامه جامع
سال هفتم
شماره یازدهم
زمستان
بهار
۱۳۹۸

تغذیه بعد از ماه رمضان

تحریریه نشریه

توصیه‌هایی برای تغذیه بعد از ماه رمضان

توصیه می‌شود که روزه‌داران بعد از ماه مبارک رمضان که وزن و چربی و قند خون متعادل شده است، در برنامه غذایی خود تعادل و تنوع داشته باشند. بدن انسان برای حفظ سلامتی خود همواره مقداری از چربی و مواد غذایی را در نقاط مختلف ذخیره می‌کند. به مرور زمان چربی‌های ذخیره شده تغییر رنگ داده و فشرده می‌شوند و احتمال این‌که مورد استفاده مجدد قرار بگیرند، بسیار کم می‌شود.

روزه‌داری به بدن فرصتی می‌دهد تا این چربی‌ها را از ذخایر آن آزاد کرده، مصرف نماید و پس از پایان روزه‌داری به جای آن چربی تازه و مناسب‌تری جایگزین کند. در صورتی که بعد از ماه مبارک رمضان، رژیم غذایی متعادل و متنوع و با چربی کم استفاده نشود، دوباره چربی‌های غذا به چربی ذخیره تبدیل شده که می‌توانند موجب افزایش چربی خون، فشارخون، اضافه وزن، سکته قلبی، مغزی و سایر بیماری‌ها شوند. بنابراین توصیه می‌شود که روزه‌داران بعد از ماه مبارک رمضان که وزن و چربی و قند خون متعادل شده است، در برنامه غذایی خود تعادل و تنوع داشته باشند.

بعد از ماه مبارک رمضان غذاها را در حجم کم و در تعداد وعده بیشتر میل کرده و در طول روز ۳ وعده غذای اصلی شامل صبحانه، ناهار و شام و ۲ تا ۳ میان‌وعده مصرف کنید. رعایت تعداد وعده‌ها برای همه گروه‌های سنی و همه افراد به ویژه افراد مبتلا به اضافه وزن و چاقی، بیماران دیابتی، قلبی عروقی، فشارخونی و کودکان، نوجوانان و سالمندان اهمیت زیادی دارد. صبحانه مهم‌ترین وعده غذایی در طول روز است که به هیچ عنوان نباید فراموش شود و خانواده‌ها با آغاز سال تحصیلی، مصرف صبحانه را برای دانش‌آموزان فراموش نکنند.

تعادل و تنوع را در مصرف مواد غذایی رعایت کنید؛ برای رعایت تعادل و تنوع باید در طول روز از ۵ گروه اصلی غذایی شامل گروه نان و غلات، گروه میوه‌ها، گروه سبزی‌ها، گروه شیر و لبنیات و گروه گوشت، حبوبات، تخم‌مرغ و مغزها استفاده شود. همچنین به مقدار خیلی کم از مواد غذایی متفرقه شامل روغن‌ها و شیرینی‌ها مصرف کنید. بهتر است غذاها به صورت کم‌ادویه و میزان تندی کم تهیه شوند تا به دستگاه گوارش آسیب نرسانند.

نکته مهم دیگر روش پخت مواد غذایی است. بهترین روش پخت غذا، بخارپز کردن در دستگاه بخارپز یا در نهایت آب‌پز کردن در قابلمه درب بسته است که در این روش ویتامین‌ها و مواد معدنی غذا به مقدار زیادی حفظ می‌شود و در غذا باقی می‌ماند.

روش‌های کباب کردن، تنوری کردن یا پخت غذا در فر به علت خشکی ممکن است به دستگاه گوارش آسیب برساند و توصیه می‌شود به ویژه در روزهای ابتدایی بعد از ماه مبارک کمتر استفاده شود. همچنین بهتر است از کباب کردن با زغال پرهیز شود و به جای آن از کباب پز استفاده شود.

بدترین روش پخت که متاسفانه بسیار مورد استقبال عده‌ای زیاد از افراد است، روش سرخ کردن است. جالب این‌که با این روش بیشتر ویتامین‌های مواد غذایی از بین می‌روند و فرد تنها مقدار زیادی چربی که بسیار چاق‌کننده است را وارد بدن خود می‌کند. لازم است تا حد امکان از مصرف غذاهای سرخ‌کردنی پرهیز و در صورت مصرف اندک، حتما تنها از روغن مایع مخصوص سرخ کردنی برای سرخ کردن در حرارت‌های بالا استفاده شود.

توصیه می‌شود عادات تغذیه‌ای مناسبی که در این ماه کسب شده را حفظ، و از برگشتن به عادات غلط غذایی پرهیز شود و شیوه زندگی را به سمت مناسب سوق دهیم. در این راستا باید روزانه ۸ تا ۱۰ لیوان آب و مایعات سالم بنوشیم. وعده‌های غذایی را به ۵ تا ۶ وعده تقسیم کرده و در ساعات معینی از روز و به صورت منظم صرف کنیم.

قبل از این‌که کاملا سیر شویم دست از غذا خوردن بکشیم. در میان وعده‌ها بیشتر از میوه‌ها و سبزی‌های تازه استفاده کرده و از مصرف نوشابه‌های گازدار و سایر نوشیدنی‌های شیرین مانند آب‌میوه‌های صنعتی پرهیز کنیم. غذا خوردن را همراه با کارهای دیگر مانند مطالعه و تماشای تلویزیون انجام ندهیم زیرا موجب پرخوری می‌شود. غذا را به مدت طولانی بجویم و از تند غذا خوردن پرهیز کرده و از نان‌های سبوس‌دار به جای نان‌های سفید استفاده کنیم.

زردچوبه چیست؟

محبوبه نوروزی

زردچوبه یا زَرچوبه یا زَرده‌چال با نام علمی Curcuma Longa، یک ادویه باستانی، گیاه دارویی و رنگ غذایی در خانواده زنجبیل است. ساقه‌های زیرزمینی آن به نام ریزوم شناخته می‌شوند و به رنگ زرد درخشان یا نارنجی هستند. آنها به طور معمول خشک شده و تبدیل به پودر می‌شوند و سرشار از کورکومینویدها، ترکیباتی گیاهی و عامل رنگ مشخص زردچوبه، هستند. زردچوبه یکی از اجزا اصلی کاری‌های هندی است که مزه‌ی آن تلخ و تند توصیف می‌شود. زردچوبه به طور عمده از کربوهیدارت‌ها، بیشتر نشاسته و فیبر، تشکیل شده است. با این وجود، همانند همه ادویه‌ها، زردچوبه حاوی ترکیبات گیاهی و مواد مغذی است که تأثیرات خوبی بر سلامت انسان دارد. از جمله مواد مغذی مهم در زردچوبه ویتامین C، ویتامین B6، آهن و پتاسیم است.

کورکومین یک ماده فعال اصلی در ترکیبات زردچوبه است؛ یک ضدالتهاب موثر با خواص آنتی‌اکسیدان قوی که خود یکی از مؤثرترین مواد در جلوگیری از سرطانی شدن سلول‌های بدن می‌باشد.

این گیاه همچنین موجب افزایش ترشح انسولین و کاهش قند خون در بیماران دیابتی می‌گردد. کارآزمائی‌های بالینی زیادی در ارتباط با فواید مصرف روزمره زردچوبه انجام شده است.

گفته شده‌است که زردچوبه می‌تواند شدت علائم بیماری آلزایمر را کاهش دهد.

همچنین ماده مؤثر زردچوبه یعنی کورکومین اثرات ضد التهابی و ضد درد شبیه داروهای مسکن معمولی را دارا می‌باشد.

اثر ضد التهابی کورکومین با اثر ضد التهابی داروهای استروئیدی و غیر استروئیدی با فنیل بوتازون قابل مقایسه است. این دارو با مهار سنتز پروستاگلاندین‌های التهابی، اثر ضد التهاب خودرا آشکارمی‌سازد. در مطالعه روی موش صحرایی اثر مهارکننده کورکومین سدیم mg3 به ازاء هر کیلوگرم وزن موجب مهار لیپواکسی ژنار و سیکلواکسیژناز می‌شود.

دوز مصرف مناسب این ماده را ۱ گرم در روز توصیه کرده‌اند. رسیدن به این میزان مصرف از کورکومین فقط با استفاده از پودر زردچوبه به عنوان ادویه در طول یک روز بسیار سخت است. به همین دلیل برای بهره‌مند شدن از تمام خواص زردچوبه شما می‌توانید از کپسول زردچوبه استفاده کنید.

کورکومین به سختی در خون جذب می‌شود اما اگر شما همراه با زردچوبه، فلفل سیاه استفاده کنید به جذب آن کمک کرده‌اید. فلفل سیاه دارای ماده‌ای به نام پیپرین (Piperin) است که جذب کورکومین در بدن را افزایش می‌دهد. بهترین مدل‌های کپسول زردچوبه دارای پیپرین هستند که به تاثیرگذاری بیشترشان کمک می‌کند. کورکومین همچنین در چربی حل می‌شود، پس شاید ایده خوبی باشد که بیشتر همراه با غذاهای چرب مصرف شود.

بورک اسفناج

محبوبه نوروزی

بورک اسفناج یکی از غذاهای خوشمزه و نوین در جهان است که مانند انواع بورک‌ها اصالتش متعلق به کشور ترکیه می‌باشد. بورک‌ها از نظر ظاهری شباهت زیادی به سمبوسه‌های لقمه‌ای دارند. بورک اسفناج را می‌توانید به عنوان غذای اصلی یا پیش غذا سرو کنید.

با مقدار موادی که در این دستور آشپزی قرار گرفته است می‌توانید برای ٤نفر بورک اسفناج تهیه کنید.

مواد لازم بورک اسفناج

- سیر ۲ حبه
- شیر نصف لیوان
- پیاز بزرگ ۱ عدد
- اسفناج ۴۰۰ گرم
- خمیر یوفکا به تعداد کافی
- پنیر موزارلا به اندازه کافی
- پنیر خامه ای ۲ قاشق غذاخوری
- کنجد و روغن مایع به اندازه کافی
- زعفران دم کرده ۱ قاشق غذاخوری
- نمک، فلفل سیاه و زردچوبه به اندازه کافی

طرز تهیه بورک اسفناج

برای تهیه‌ی این بورک، ابتدا اسفناج‌ها را همراه با چند لیوان آب و کمی نمک در قابلمه‌ای قرار داده تا بپزند. ۵ الی ۷ دقیقه از زمانی که آب داخل اسفناج به جوش بیاید برای پختن اسفناج‌ها کافی است. تا پخت اسفناج‌ها باقی مراحل را انجام می‌دهیم.

پیاز و سیر را روی تخته نگینی خرد کرده، در روغن تفت می‌دهیم تا نرم و سبک شوند و بعد مقداری زردچوبه و فلفل سیاه به آن اضافه کرده، صبر می‌کنیم تا کمی طلایی شوند.

اسفناج پخته شده را آبکش کرده، می‌گذاریم تا آب آن خارج شود و بعد به مواد داخل تابه اضافه کرده، تفت می‌دهیم. بعد پنیر خامه‌ای را به آن اضافه کرده، می‌گذاریم تا ذوب شود. سپس پنیر موزارلا و کمی نمک نیز به مواد بورک اضافه کرده، مواد را مخلوط می‌کنیم تا منسجم شوند.

در نهایت تابه را از روی حرارت برداشته، کنار می‌گذاریم و فر را روشن می‌کنیم و روی ۱۸۰ درجه سانتیگراد قرار می‌دهیم تا گرم شود.

پس از آماده کردن مواد بورک، زمان آماده کردن سس روی خمیر یوفکاست. شیر را در در کاسه‌ای ریخته، زعفران دم کرده و کمی روغن مایع به آن می‌افزاییم و خوب مخلوط می‌کنیم. خمیر یوفکا را روی تخته‌ی آشپزخانه یا هر سطح صاف دیگری پهن می‌کنیم.

با قلمویی از سس آماده شده، روی خمیر می‌کشیم تا نرم شود و بعد کمی از مایه بورک اسفناج داخل خمیر می‌ریزیم و روی آن پنیر موزارلا اضافه می‌کنیم و مانند رولت آن را می‌پیچیم و مجددا با قلمو از سس، روی بورک‌ها کشیده، کمی کنجد روی آن می‌پاشیم.

کف ظرف پیرکس را با قلمو چرب کرده، بورک‌ها را در ظرف می‌چینیم و در فر قرار می‌دهیم تا به مدت ۳۰ الی ٤٥ دقیقه بعد آماده شوند.

مغز انسان

تحریریه نشریه

در این مطلب حقایق جالبی درباره یکی ازشگفت انگیزترین بخش های بدن انسان ارائه می گردد. مغز انسان مانند یک رایانه قدرتمند است که خاطراتمان را ذخیره می کند و این که ما در مقام یک انسان چگونه فکر می‌کنیم و واکنش نشان می دهیم را کنترل می کند. مغز انسان در طول زمان تکامل یافته و برخی از قسمت های پیچیده آن ویژگی های خارق العاده‌ای دارند که دانشمندان هنوز سعی در درک آنها دارند.

مغز مرکز سیستم عصبی انسان است که افکار، حرکات، خاطرات و تصمیم گیری های ما را کنترل می کند. با تکامل، مغز انسان پیچیده و پیچیده تر شده، بسیاری از ویژگی های جالب آن را هنوز دانشمندان به خوبی درک نکرده اند. مغز انسان حاوی میلیاردها سلول عصبی است که اطلاعات را به سراسر بدن ارسال می کنند و یا اطلاعات را از سراسر بدن دریافت می کنند. مغز انسان بیش از سه برابر مغز پستانداران دیگری است که اندازه بدن مشابهی با انسان دارند. هر طرف مغز تا حد زیادی با تنها نیمی از بدن تعامل دارد. به دلایلی که هنوز به طور کامل درک نشده، تعامل مغز با طرف های مخالف بدن انجام می گیرد. یعنی سمت راست مغز در تعامل با طرف چپ بدن است و سمت چپ مغز با طرف راست بدن تعامل دارد.

بزرگ ترین بخش مغز انسان مخ نامیده می شود. بخش های مهم دیگر، جسم پینه ای، قشر مغز، تالاموس، مخچه، هیپوتالاموس، هیپوکامپ و ساقه مغز هستند. مغز انسان به وسیله جمجمه محافظت می شود. جمجمه پوشش محافظی است که از ۲۲ استخوان متصل به هم تشکیل شده است.

وزن مغز یک انسان بالغ حدود ۳ پوند (۱٫۵کیلوگرم) است. اگر چه مغز انسان تنها ۲ درصد از وزن بدن را تشکیل می دهد، اما در حدود ۲۰ درصد از انرژی بدن را مورد استفاده قرار می دهد. مغز در مایع مغزی نخاعی معلق و شناور است. این مایع هم به صورت یک لایه در مقابل ضربات فیزیکی و هم به عنوان یک مانع در مقابل عفونت به نحو مؤثری عمل می کند.

بیماری های مغز شامل بیماری آلزایمر، بیماری پارکینسون و اسکلروز چندگانه (ام اس) هستند. این قبیل بیماری ها می توانند در مقابل عملکرد طبیعی مغز انسان محدودیت ایجاد کنند. بیشتر سکته های مغزی از وجود لخته خون در مغز ناشی می شوند. این لخته جلوی خونرسانی در محل را را می گیرد که این امر باعث رسیدن آسیب یا تخریب بافت مغز نزدیک محل لخته و بروز طیف گسترده ای از علائم سکته می شود.

دوزلی بوک چیست؟

حسین شکاری | مدیر استارتاپ

تا به حال کتاب‌های زیادی خوانده‌ایم با قهرمان‌های متفاوت! کتاب‌هایی با موضوعات و قصه‌های خیالی و حتی افسانه‌ای اما این‌بار قراراست کتابی بخوانیم که نام قهرمان آن و تمام شخصیت‌های آن را خوب می‌شناسیم. کتابی که ضمن قصه‌گویی، برای قهرمان آن اتفاق‌های زیادی می‌افتد. ماجراهایی که می توان به صورت آنلاین انتخاب نمود.

شما می‌توانید با مشاهده کتاب، اسامی را به سلیقه خود انتخاب کنید و برای شخصیت‌های کتاب‌تان چهره‌هایی را انتخاب کنید که دوست دارید. رنگ جلد کتاب هم به سلیقه شما تغییر می‌کند و می‌توانید با متنی که دوست دارید در بخش تقدیم‌نامه عکس کودک‌تان را نیز در کتاب داشته باشید.

بعد از آن با تورق کامل کتابی (که حالا شخصی‌سازی شده) می‌توانید آن را سفارش دهید و در مدت زمان کوتاهی تحویل بگیرید. این شما و این کتاب شخصی‌سازی شده شما، دوزلی‌بوک!

مراحل سفارش کتاب شخصی

۱. انتخاب داستان
۲. شخصی سازی
۳. نمایش رایگان کتاب
۴. انتخاب بسته‌بندی
۵. پرداخت و ارسال

برخی از ویژگی های داستانی دوزلی بوک

هدیه شخصی، بهترین انتخاب

از بین همه هدیه‌ها، هدیه شخصی‌سازی شده خیلی هیجان‌انگیز و بامزه‌ست. هر کتاب برای یک نفر ویژه ساخته و تولید می‌شود و برای همین هم یک هدیه خیلی خاص است.

کتابی درباره ویژگی‌های فردی

این کتاب درباره کودکی است که فراموش کرده چه کسی است. او برای یافتن اسمش از همه سوال می‌پرسد «من کی‌ام؟» و با سرنخ‌هایی که پیدا می کند، در نهایت به اسمش می‌رسد.

معنی اسم‌ات را فراموش کرده‌ای؟

در این داستان، به‌جز یافتن اسم، کودک ویژگی‌های خود را به‌یاد می‌آورد. ابر و باد و مه و خورشید و فلک به او یادآوری می‌کنند که مهربان است، که شیرین و دوست‌داشتنی است، که نقاشی دوست دارد و ...

مادربزرگ را به قصه بیاور

برخی شخصیت‌های این قصه به انتخاب تو تغییر می‌کنند. می‌توانی مادربزرگ را به قصه بیاوری یا خاله، یا دایی، یا عمو یا... می‌توانی رنگ و شکل و حتی حیوانی که دوست داری هم انتخاب کنی.

فرفره جادویی خودت را فوت کن

می‌توانی با تغییر اسم‌ها و انتخاب مهارت‌های مختلف و حتی به‌هم زدن ترتیب‌شان، هر بار به قصه تازه ای بروی. با فوت کردن هر فرفره جادویی جدید، قصه جدیدی خواهی داشت!

هر کتاب قصه تازه‌ای دارد

هر کتاب، قصه‌های مختلفی دارد و هر قصه ماجراهای خودش را. ماجراهایی که بستگی دارند به انتخاب نوع مهارت‌ها. مثلا قصه «دوستی» با قصه «نظم» زمین تا آسمان فرق دارد!

عروسک‌هایت را به قصه‌ها بیاور

برای شخصیت‌های کتاب، اسمی که دوست داری انتخاب کن. مثلا اسم اسباب‌بازی‌ها وعروسک‌های خودت یا حتی اسم دوستانت! این‌طوری مطمئن می‌شوی که کتاب هیچ مشابهی ندارد و برای خود خودت است.

کتابی درباره شغل‌هایی که دوست داری

از فضانورد و خلبان گرفته تا خیاط و معلم می‌توانی شغل‌هایی که دوست داری انتخاب کنی. با انتخاب هر شغل، ماجرای جدیدی برایت شروع می‌شود.

هر شغل، ماجرای جدیدی دارد

می‌توانی آتش‌نشان شهر حیوانات باشی و مورچه‌ها را نجات دهی یا غواص باشی و با ماهی‌ها و نهنگ شنا کنی. دندان‌پزشک و داروساز هم ماجرای خودشان را دارند.

به‌دنبال رویای آینده برو

هر شغل دریچه‌ای باز می‌کند رو به فردا. فردایی که هنوز نیامده و می‌توانی برایش نقشه‌ها بکشی. دوزلی‌بوک به نقشه‌ها و آینده تو امیدوار است.

برای سفارش کتاب شخصی سازه شده کودک دلبندتان می توانید به وب سایت www.doozlibook.ir رفته و تمام مراحل را به صورت آنلاین انجام دهید.

تایپ خودکار

www.SpeechTexter.com

تحریریه نشریه

فارسی بگویید و تایپ شده تحویل بگیرید! (تبدیل صدا به متن)

در چند سال گذشته نرم افزارهای تبدیل صدا به متن (Voice to Text) بسیار رواج یافت و حتی دیدیم کمپانی‌های بزرگی مثل گوگل جستجوگر صوتی را ارائه دادند و همچنین تکنولوژی به سمتی پیش رفت که حتی یک کلمه نیز تایپ نکنیم مثل قابلیت cortana ویندوز ۱۰ که فقط کافی است با آن صحبت کنید تا هر آنچه می خواهید انجام دهد!

بعد از مشاهده عناوین صحبت کنید تا حرف هایتان تایپ شود، حتما بعنوان یک فارسی زبان متوجه این شده اید که اکثر این نرم افزارها یا از زبان فارسی پشتیبانی نمی کردند و یا بطور بسیار ضعیف از آن پشتیبانی می‌شد و شاید بارها شده که قصد کرده اید یک متن طولانی را تایپ کنید اما وقت آنرا نداشته اید، جدا از این ارزش وقت بسیار بیشتر از آن است که بخواهیم به هر دلیل آنرا تلف کنیم.

هم اکنون وقت آن رسیده تا متن تان را بخوانید و نوشته شده آنرا تحویل بگیرید! اینگونه در زمان خود بسیار صرفه‌جویی خواهید کرد، ضمن اینکه انگشتانتان از این حرکت ذوق زده خواهند شد، چرا که دیگر لازم نیست صفحات طولانی را تایپ کنند.

در این مقالات همواره سعی ما معرفی ابزار ها و تکنولوژی های مبتنی بر وب می باشد که حتی نیازی به نصب آن نداشته باشید، از همین رو سایت speechtexter.com را به شما معرفی می کنیم.

برای شروع کافی است با مرورگر گوگل کروم وارد این سایت شوید و یک میکروفون کوچک نیز داشته باشید تا بتوانید بطور رایگان فارسی بخوانید و تمیز و مرتب بدون غلط املایی متن تان را تحویل بگیرید و این تا ۹۰٪ تضمین شده است! امیدواریم که سایت معرفی شده برایتان کاربردی باشد.

توجه: پاسخ جدول را از مطالب همین نشریه بیابید.

تحریریه نشریه

۱. قرآن سلطان و بهترین آن است.
۲. علم استدلال و استنباط احکام
۳. شهر خیر و برکت
۴. مادر عرب
۵. از فلاسفه آلمانی
۶. پتینه کاری نوعی از آن است
۷. پروردگار
۸. پوشش محافظتی کره زمین
۹. حمایت از ایشان لازمه رونق تولید است
۱۰. در افسانه‌ها، تعیین کننده مرز ایران می باشد
۱۱. بهبودی
۱۲. ریشه امنیت
۱۳. از علل سلامت و محفوظ ماندن نهج‌البلاغه
۱۴. ظلم
۱۵. توانایی خواندن و نوشتن
۱۶. دانشمندی که در رابطه با نهج البلاغه می نویسد؟
۱۷. خمیرمایه ذخایر معرفتی کسب شده در ماه مبارک رمضان
۱۸. به آرامگاه ائمه گویند؟
۱۹. اثر عبادت و بندگی، به پاکی رسیدن آن است

اسامی برندگان مسابقه جدول نشریه شماره ۱۰
۱. بهمن زکی‌زاده
۲. ملکه کاظمی لای
۳. محمد حقایق
۴. ساجده هاشمی منش
۵. زهرا آجیل فروش
این قرعه کشی به دست حضرت آیت الله هاشمی تبریزی و حضور برخی از مسئولین مسجد و فصلنامه انجام شد.

به هریك از برندگان مسابقه جدول فصلنامه جامع به قید قرعه مبلغ یك میلیون ریال هدیه داده خواهد شد.

آخرین مهلت تحویل پاسخنامه جدول به دفتر هیئت امناء پایان شهریور ماه می باشد.

نام:
نام خانوادگی:
تلفن تماس:

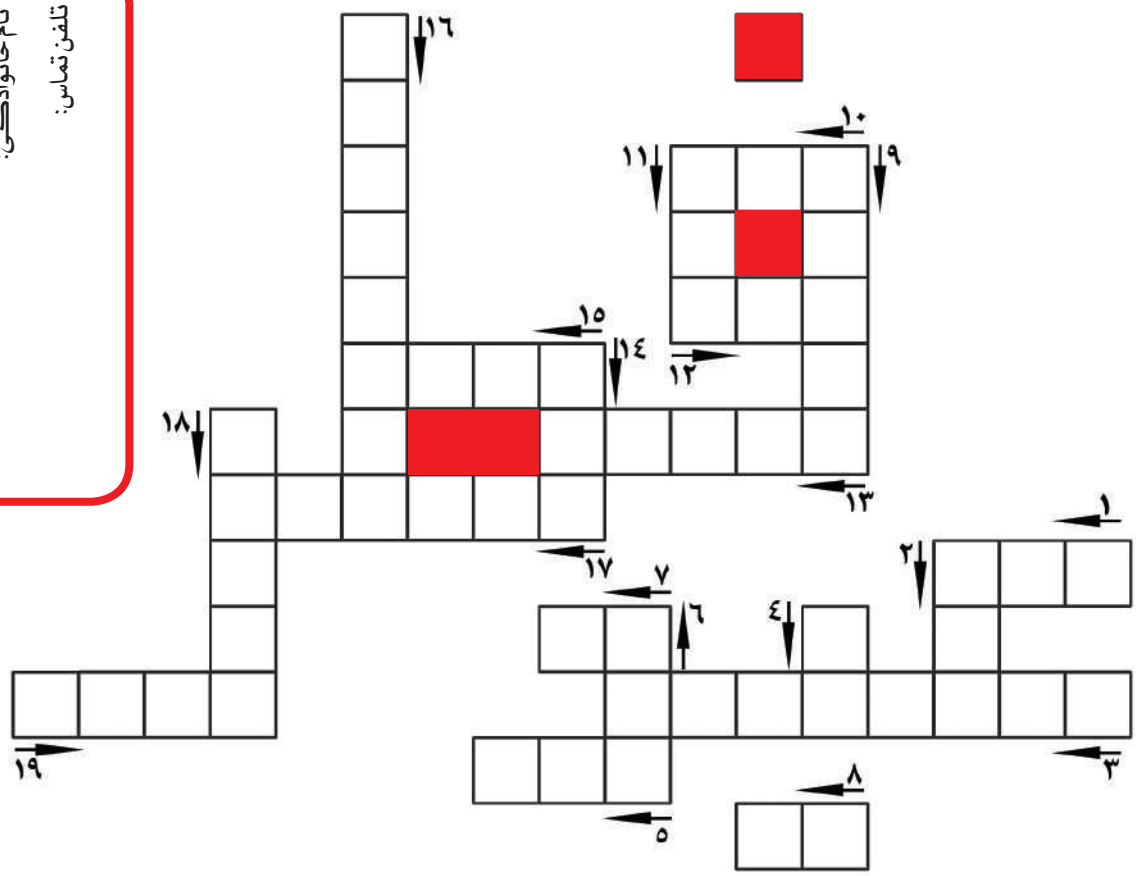

ارتباط با ما

خوانندگان محترمی که علاقمند به همکاری با فصلنامه هستند می توانند با تخصص خود و ارسال مطالب قابل استفاده، راهنمای خوانندگان دیگر باشند. در صورت تمایل با ایمیل سردبیر ارتباط برقرار فرمایند.

لطفاً در ارسال مقاله برای چاپ در این مجله به نکات زیر توجه فرمائید.

- کلیه صفحات مقاله باید دارای شماره بوده و تعداد صفحات از ۳ صفحه تجاوز نکند.
- متن مقاله بایستی به صورت Word به پست الکترونیکی info@masjedjame.com ارسال شود.
- مقاله با نسخه ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸ نرم افزار Microsoft office Word
- حداکثر ۳ صفحه اندازه کاغذ A4
- قلم B Nazanin سایز۱۲ برای کلمات فارسی و Times New Roman سایز ۱۲برای کلمات انگلیسی و فاصله خطوط ۱ تایپ و تنظیم شود.
- مشخصات نویسنده یا نویسندگان که شامل نام و نام خانوادگی، رشته تحصیلی،شماره تلفن ترجیحاً تلفن همراه وپست الکترونیکی

انتقادات و پیشنهادات

نام و نام خانوادگی:
تحصیلات:
تلفن تماس:
پست الکترونیک:

.....
.....
.....
.....
.....
.....